

قضاء

دستري محكمي نشراتي ارگان



خپرونکي: دخپرونو رياست

د امتياز خاوند: ستره محکمه

د ليکنی هيئت

پوهنوال عبدالقادر عدالتخواه

دوکتور عبدالملک کاموي

دوکتور عبدالله عطائي

قضاوتپوه برات علي متين

قضاوت پوه محمد عثمان ژوبل

قضاوتپال مولوي محمد صديق "مسلم"

قضاوت پوه حضرت گل حسامي

قضاوتپوه غوث الدين مستمند غوري

قضاوتمل عنايت الله حافظ

مسئول مدير: محمد صديق ژوبل



فهرست مطالب:

2	ایزاد در ماده 916 کود جزا.....
3	تعدیل برخی از مواد ضمیمه شماره (1) قانون اجراء جزائی.....
5	قانون افلاس.....
47	از متحدالمالهای ستره محکمه.....
50	طرز العمل توزیع و استفاده از وسایط نقلیه.....
53	قانون جزای بین المللی..... دوکتور عبدالله عطائی.....
66	دلانجو په آوارولو کي د مینځگړیتوب رول..... قضاوتپوه حسامی.....
	ضمانت های حقوق متهم در قانون اساسی..... قاضی فضل الرحمن
76	فضلی.....
	القواعد و الضوابط الفقهیه لنظام القضاء فی الاسلام.. قضاوتپوه
82	مستمند غوری.....
92	گزارش اجراءات محاکم مرکز و ولایات کشور.....
130	اجمالی از فعالیتها در راستای مبارزه با فساد اداری و مواد مخدر.....
	گریه کن ابر بهار.... (شعر)..... مستمند غوری . Error!

Bookmark not defined.

ایزاد در ماده 916 کود جزا

ماده اول :

اجزای 34، 35 و 36 در فقره (2) ماده 916 کود جزا منتشره جریده رسمی شماره (1260) مورخ 1396/2/25 به متن ذیل ایزاد و جزء 34 به جزء 37 تصحیح گردد :

34- احکام مندرج مواد سی و سوم تا پنجاه و سوم ، فقره های (3،2،و4) ماده پنجاه وچهارم ، مواد پنجاه وپنجم تا پنجاه و هشتم قانون مبارزه با مواد مخدرومسکرات منتشره جریده رسمی شماره (1284) مورخ 1396/12/5
 35- احکام مندرج مواد بیست وچهارم الی بیست و هفتم قانون منع آزار واذیت زنان واطفال منتشره جریده رسمی شماره (1280) مورخ 1396/10/9

36- احکام مندرج ماده هفدهم قانون منع شکنجه منتشره جریده رسمی شماره (1256) مورخ 1396/2/2
 ماده دوم :

متن ذیل به حیث فقره (3) ماده 916) کود جزا ایزاد گردد :
 (3) قوانین ذیل از احکام مندرج فقره های (2) مواد هفتم و هشتم و ماده سی و دوم این قانون مستثنی میباشند :

1- قانون منع خشونت علیه زن منتشره جریده رسمی شماره (989) مورخ 1388/5/10.

2- قانون جزای عسکری منتشره جریده شماره (944) مورخ 1387/2/10.

3- قانون جرایم عسکری منتشره جریده رسمی شماره (604) مورخ 1365/1/16
 ماده سوم :

این ایزاد از تاریخ توشیح نافذ و درجریده رسمی نشرگردد .

فرمان تقنینی شماره 262

مورخ 1396/12/12 رئیس ج.ا.ا

تعدیل برخی از مواد ضمیمه شماره (1) قانون اجزآت جزایی

ماده اول:

مواد اول، نهم ، دهم و دوازدهم ضمیمه شماره (1) قانون اجزآت جزایی منتشره جریده رسمی شماره (1222) سال 1395، ذیلاً تعدیل گردد :

1- منظوروضع :

ماده اول:

این ضمیمه به منظور تعقیب عدلی موثر مرتکبین جرایم تروریستی ، جرایم نسل کشی، جرایم ضد بشری ، جرایم جنگی و جرایم علیه دولت ، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی مندرج مواد (238)الی(241، 244، 248، 249، 254، 255، 258، 259، 279 و 280)کود جزاء وضع گردیده است .

2- تعقیب عدلی مظنونین و متهمین ماده نهم :

(1) تعقیب عدلی مظنونین و متهمین جرایم مندرج ماده اول این ضمیمه در مرحله ابتدائیه و استیناف توسط ځارنوالی ها و محاکم ابتدائیه و استیناف مبارزه با جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی مرکز عدلی و قضایی پروان صورت می گیرد .

(2) اطفال مظنون ، متهم و محکوم به علت ارتکاب جرایم مندرج ماده اول این ضمیمه در مرکز اصلاح و تربیت اطفال نگهداری می گردند .

(3) اطفال مظنون ، متهم و محکوم بعد از تکمیل 18 سالگی جهت سپری نمودن مدت باقی مانده نظارت ، توقیف و حبس محکوم بها به نظارت خانه ، توقیف خانه ویا محبس وزارت امور داخله انتقال می گردند .

(4) هرگاه طفل مرتکب جرایم مندرج ماده اول این ضمیمه گردد، با رعایت احکام قانون رسیده گی به تخلفات اطفال محکوم به جز می گردد .

(5) محکومینی که سن آنها بیش از (60) سال یا مصاب به مرض صعب العلاج بوده و یا مدت باقی مانده حبس آنها الی یک سال باشد به محبس مرکزی ویا محابس زون ها انتقال می گردند .

3- موانع تخفیف و عفو مجازات ماده دهم :

مجازات محکومین جرایم مندرج ماده اول این ضمیمه ، تخفیف و عفو نمی گردد عفو و تخفیف مجازات اطفال از این حکم مستثنی است .

4- محدودیت ها ماده دوازدهم

(1) بدیل حبس ، تعلیق تنفیذ حکم ، رهایی مؤقت ، رهایی مشروط، واعطای رخصتی در مورد محکومین جرایم مندرج ماده اول این ضمیمه تطبیق نمی گردد .

(2) اطفال محکوم به حجز، از حکم مندرج فقره (1) این ماده مستثنی میباشند.

فرمان تقنینی شماره 264 مورخ 1396/12/13

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

قانون افلاس

مبنی

ماده اول:

این قانون درروشنی حکم ماده سی و دوم قانون اساسی افغانستان ، وضع گردیده است .

اهداف

ماده دوم :

اهداف این قانون عبارت اند از:

- 1- فراهم نمودن زمینه مناسب پرداخت دیون تاجرمفلس .
- 2- تامین شفافیت در مدیریت تجارت دیون تاجر مفلس و گزارشدهی به داینین .
- 3- افزایش ارزش اموال تاجر مفلس به نفع داینین .
- 4- توزیع مساویانه اموال تاجرمفلس براساس حقوق تقدم مندرج این قانون .

اصطلاحات

ماده سوم :

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید :

- 1- افلاس : وضعیت مالی است که در آن دیون تاجرنسبت به ارزش فعلی دارایی وی بیشتر بوده یا تاجر قادر به پرداخت دیون واجب الادانباشد .

- 2- تاجر مفلس : تاجر است که درخواست افلاس خویش را مطابق احکام این قانون ثبت و یا داینین وی دعوی افلاس را مطابق احکام این قانون اقامه نموده باشند .
- 3- داین : شخصی است که طلب وی بر ذمه تاجر مفلس میباشد .
- 4- طلب : حقی است که به اساس آن شخص در بدل فروش یا اجاره اموال یا عرضه خدمات ، قرض ، خسارات وارده و یا سایر موارد پیش بینی شده در قوانین ، مستحق دریافت پول از جانب تاجر می گردد .
- 5- متولی : شخصی که طبق حکم ماده پنجم این قانون از جانب محکمه تجارتي تعیین می گردد .
- 6- تاجر : شخصی که جهت کسب منفعت مشغول تجارت باشد. این تعریف شامل اشخاص مندرج فقره (2) ماده چهارم این قانون نمی گردد .
- 7- تجارت : تولید اجناس ، داد و ستد، عرضه خدمات یا سایر فعالیت های که دارای ماهیت تجارتي باشد .
- 8- مدیر : شخصی که قبل از آغاز رسیدگی قضیه افلاس مدیریت شرکت تاجر مفلس را بعهده داشته ، این تعریف شامل شخصی که اعضای هیئت مدیره شرکت مفلس قبل از آغاز رسیدگی قضیه افلاس تحت هدایت وی عمل می نمودند نیز می گردد
- 9- حساب امانت بانکی : حساب بانکی که توسط متولی افتتاح می گردد و در آن عواید حاصله از قضیه افلاس به امانت گذاشته میشود .
- 10- اموال تحت حجز : مجموع اموالی که در آن تاجر مفلس دارای حق مالکیت باشد .
- 11- مفتش مستقل : شخصی است که توسط محکمه تجارتي غرض تفتیش اجراءات متولی تعیین می گردد .
- 12- طلبات اداری : مصارفی است که به منظور حفاظت و نگهداری اموال تحت حجز صورت می گیرد .
- 13- صلاحیت خط : سندی است که توسط محکمه تجارتي غرض تعیین متولی واعطای صلاحیت ومسئولیت کامل به وی جهت اجرای احکام این قانون در مورد اموال تحت حجز، صادر می گردد .
- 14- پلان تصفیه : طرح فروش اموال تحت حجز به صورت عمده یا متفرق غرض پرداخت طلبات و مصارف اداری قضیه افلاس است که توسط محکمه تجارتي تایید می گردد .

- 15- دفتر رسمی ثبت قضایای افلاس : دفتر محکمه تجارتي که در آن تمامی اسناد مرتبط به قضایای افلاس ثبت و نگهداری می گردد .
- 16- شخص : شخص حقیقی ، شرکت ها ، شرکت محدود المسئولیت ، شرکت تضامنی ، تولیت تجارتي یا هر نهادی دیگری که دارای شخصیت حکمی ، مطابق قانون باشد .
- 17- درخواست افلاس : سندی که جهت اقامه دعوی افلاس از جانب تاجر مفلس یا داین ثبت می گردد .
- 18- قرارداد قسط : توافق تاجر مفلس است با داینین وی غرض پرداخت طلبات آنها به اقساط یا تحت شرایط مشابه به موافقه داینین و تایید محکمه تجارتي .
- 19- طلب تضمین شده : طلب داین که پرداخت آن ذریعه حق حبس ، رهن اموال یا بهره برداری از منفعت دیگری اموال منقول یا غیر منقول به اساس احکام قانون و به تناسب ارزش مال مرهونه ، تضمین شده باشد .
- 20- صورت معاملات : سند شامل عنوان و تاریخ تاسیس تجارت تاجر مفلس ، نوعیت تجارت تاجر مفلس ، تعداد ، نوعیت و ارزش تخمینی طلبات تضمین شده ، تعداد ، نوعیت و ارزش تخمینی طلبات کارکنان ، تعداد نوعیت و ارزش تخمینی طلبات تضمین نشده ، قرارداد های تاجر مفلس و دارایی های تاجر مفلس میباشد ، این سند میتواند حاوی موارد دیگر که درج آن از جانب متولی لازم تشخیص گردد ، باشد .
- 21- تاریخ آغاز رسیدگی قضیه افلاس : زمان و تاریخ آغاز رسیدگی قضیه افلاس است که توسط محکمه تجارتي مطابق حکم مندرج ماده سیزدهم این قانون تعیین می گردد .

فصل دوم طرفین قضیه افلاس

شرایط افلاس تاجر

ماده چهارم :

- (1) تاجر در حالات ذیل مطابق احکام این قانون تاجر مفلس شناخته میشود :
- 1- در صورتیکه درخواست افلاس را با اراده خود و با حسن نیت ثبت و خواهان صدور حکم مطابق احکام این قانون گردد .

(۲) در صورتیکه یک یا بیش از یک داین ، بدون اراده تاجر ، درخواست افلاس را ثبت نمایند.

2- احکام این قانون بر اشخاص ذیل تطبیق نمی گردد :

1- شخص حقیقی که مفلس گردیده و مجموع دیون وی ، به استثنای دیون که توسط منزل مسکونی شخص تضمین گردیده است ، از مبلغ هفتصد هزار افغانی تجاوز ننماید .

۲- شرکت های بیمه که فعالیت آنها توسط وزارت مالیه تنظیم می گردد ، مشروط بر اینکه تصفیه یا احیای مجدد شرکت های متذکره در صورت افلاس در سایر قوانین پیش بینی گردیده باشد .

۳- شرکت های ارایه کننده خدمات عامه المنفعه که فعالیت آنها توسط وزارت های انرژی و آب ، شهرسازی و مسکن ، ترانسپورت و مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و سایر مراجع ذیربط ، تنظیم می گردد .

۴- بانک ها و سایر موسسات مالی که فعالیت آنها ، توسط دافغانستان بانک تنظیم می گردد ، مشروط بر اینکه تصفیه یا احیای مجدد آن ها در صورت افلاس در سایر قوانین پیش بینی گردیده باشد .

وزارت ها و سایر ادارات دولتی .

تعیین متولی

ماده پنجم

(1) محکمه تجارتی در زمان آغاز رسیدگی قضیه افلاس شخصی را که واجد شرایط مندرج ماده ششم این قانون باشد ، بعنوان متولی تعیین می نماید و فهرست آنرا نگهداری و به دسترس عامه مردم قرار می دهد .

(2) متولی بعد از تاریخ دریافت اطلاعیه درمورد تعیین وی از طرف محکمه تجارتی به حیث متولی در خلال دو روز کاری ، انتصاب خویش را طور کتبی قبول یا رد می نماید ، در صورت قبولی اسناد ذیل را به محکمه ارایه می نماید :

1- سند کتبی مبنی بر قبولی انتصاب بعنوان متولی و تعهد کتبی وی درمورد اجرای وظایف تولیت در مطابقت با احکام این قانون .

2- سند کتبی مبنی بر چگونگی موجودیت رابطه متولی به شمول رابطه ای تجاری ، فامیلی یا اجتماعی در حال یا گذشته با تاجر مفلس یا داینین .

- (3) متولی اسناد مندرج فقره (2) این ماده را در خلال دو روز بعد از ثبت فهرست داینین توسط تاجر مفلس مطابق حکم ماده یازدهم این قانون ، ارایه می نماید .
- (4) محکمه تجارتی اسناد مندرج فقره (2) این ماده را غرض تثبیت عدم موجودیت تضاد منافع متولی ، به اسرع وقت ارزیابی می نماید .
- (5) محکمه تجارتی در حالات ذیل متولی جدید را غرض مدیریت قضیه افلاس تعیین می نماید .
- 1- در صورتیکه تشخیص دهد ، شخص که بعنوان متولی از طرف داینین یا تاجر مفلس معرفی گردیده است به علت موجودیت تضاد منافع یا دلیل دیگر واجد شرایط تولیت نیست .
- 2- متولی از انتصاب خویش مطابق حکم فقره (2) این ماده امتناع ورزد .
- (6) هرگاه محکمه تجارتی تشخیص دهد که متولی دارای تضاد منافع نمی باشد ، صلاحیت خط را غرض تعیین وی به عنوان متولی صادر صلاحیت و مسوولیت وی را جهت اجرای احکام این قانون تعیین می نماید .
- (7) محکمه تجارتی می تواند ، حکم برکناری متولی را بنابر موجودیت دلایل بر اساس پیشنهاد مفتش مستقل که مطابق حکم ماده دوازدهم این قانون تعیین گردیده ، صادر نماید .
- (8) متولی تا زمان ختم قضیه افلاس یا استعفاء یا وفات و یا برکناری از جانب محکمه تجارتی بنابر موجودیت علتی در سمت خود باقی می ماند .
- (9) محکمه تجارتی از تعیین متولی به د افغانستان بانک اطلاع می دهد. د افغانستان بانک فهرست اشخاصی را که از طرف محکمه تجارتی بعنوان متولی واجد شرایط تولیت در قضایای افلاس تعیین گردیده اند نگهداری می نماید و در صورت ضرورت برای اشخاص واجد شرایط تولیت در ولایات به استثنای ولایت کابل فهرست های جداگانه را نگهداری می نماید .
- (10) محکمه تجارتی در صورت استعفاء، وفات یا برکناری متولی، جانشین وی را تعیین می نماید .
- شرایط تولیت
ماده ششم :

- (1) شخصی به عنوان متولی تعیین می گردد ، که واجد شرایط ذیل باشد:
- 1- شخص حقیقی باشد .
 - 2- محکوم به جرم جنحه یا جنایت نشده باشد .
 - 3- کارکن دولت نباشد .
 - 4- حسابدار تصدیق شده ، وکیل مدافع یا دارنده جواز فعالیت بعنوان متولی ، از یکی از نهادهای معتبر جوازدهی باشد .
 - 5- حداقل دارای پنج سال تجربه عملی بعنوان حسابدار تصدیق شده یا وکیل مدافع یا متولی باشد .
- (2) هرگاه در هر مرحله قضیه افلاس ثابت گردد که متولی واجد شرایط مندرج فقره (1) این ماده نمی باشد ، از طرف محکمه تجارتي برکنار می گردد .

حق الزحمه متولی

ماده هفتم :

- (1) متولی در برابر عرضه خدمات ، مستحق حق الزحمه می گردد
 - (2) حق الزحمه متولی به اشکال ذیل تعیین می گردد .
- 1- به شکل فیصدی معین از دارایی های فروخته شده یا توزیع شده .
 - 2- بشکل مبلغ ثابت بر مبنای زمانی که از جانب متولی و کارکنان وی جهت رسیدگی به امور قضیه افلاس سپری گردیده است .
- (3) نحوه پرداخت حق الزحمه متولی بر اساس موافقه داینین و متولی تعیین وتوسط محکمه تجارتي تایید می گردد .
- (4) متولی میتواند در صورت عدم تعیین حق الزحمه مطابق حکم این ماده به محکمه تجارتي عارض و خواهان تعیین حق الزحمه گردد .

موارد مسوولیت متولی

ماده هشتم :

- (1) متولی در برابر خسارات وارده بر اموال تحت حجز در موارد ذیل ، شخصا مسوول میباشد :
- 1- ارتکاب اعمال جرمی بشمول رشوت ، اختلاس ، سوءاستفاده از صلاحیت وممانعت در تطبیق عدالت .
 - 2- تبانی با داینین ، خریداران واشخاص ثالث .

- 3- سرقت اموال تحت حجز به شمول پول از حسابات بانکی ، پول نقد یا سایر اموال .
- 4- عدم صداقت در برابر محکمه تجارتي به ارتباط مدیریت قضيه افلاس .
- 5- غفلت فاحش، اهمال و اجرای وظایف یا مدیریت قضيه افلاس با سوء نیت.
- (2) متولی در برابر خسارات وارده بر اموال تحت حجز در موارد ذیل ، مسؤول نمی باشد .
- 1- اقدامی منتج به زیان مورد ادعا بر اساس صلاحیت های تفویض شده اتخاذ ، داینین یا محکمه تجارتي آن را بعد از اعلام کامل حقایق مادی تایید نموده باشد .
- 2- اقدامی منتج به زیان مورد ادعا با حسن نیت با استفاده از ارزیابی اوضاع تجاری اتخاذ گردیده و ارزیابی آن با معیارهای ارزیابی تجاری موجود در عرف تجارت مطابقت داشته باشد .
- 3- اقدامی منتج به زیان مورد ادعا ناشی از غفلت جزئی (اهمال و سهل انگاری که عرفاً قابل مسامحه و گذشت باشد) بوده و در اثر سوء نیت سرقت ، فریب قصدی ، یا سوء رفتار عمدی اتخاذ نگردیده باشد .
- (3) هر یکی از داینین میتوانند به محکمه تجارتي عارض و تعیین مفتش مستقل را جهت تفتیش اجراءات متولی مطالبه نمایند . هر مبلغ که بر اساس این ماده توسط متولی پرداخت می گردد ، شامل اموال تحت حجز بوده و طبق احکام این قانون میان داینین توزیع می گردد .

صلاحیت های متولی

ماده نهم :

متولی دارای صلاحیتهای ذیل میباشد :

- 1- بررسی امور مالی و تجارتي تاجر مفلس جهت تشخیص موجودیت احتمال منطقی ، انعقاد قرارداد قسط که نسبت به عملی شدن پلان تصفیه دارای نتایج مطلوبتر برای داینین ، تاجر مفلس و اشخاص ذیدخل باشد .
- 2- ادامه تجارت تاجر مفلس تا زمانی که جهت منافع داینین لازم باشد .

- 3- اجرای معاملات، رسیدات و سایر اسناد به اسم تاجر مفلس و استفاده از مهر تاجر مفلس در صورت ضرورت.
- 4- اقامه دعوی یا ارایه اعتراض در تمام محاکم ذیصلاح یا محاکم خارج از کشور بعنوان متولی یا بنام تاجر مفلس.
- 5- مصالحه با داینین یا شخصی که علیه تاجر مفلس دین را ادعا دارد یا شخصی که مدعی طلبی از تاجر مفلس به شمول دین در زمان حال یا آینده، دین معین یا مشروط و دین ثابت و یا پرداخت خسارات بوده، گرچه احتمال اثبات مسوولیت تاجر مفلس در جریان رسیدگی قضیه افلاس با در نظر داشت جزء (1) فقره (2) ماده بیست و چهارم این قانون موجود باشد.
- 6- فروش اموال تحت حجز از طریق مزایده علنی یا خصوصی، طور عمده یا متفرق و با کسب موافقه داینین مطابق حکم ماده سی و چهارم این قانون.
- 7- دریافت منابع مالی بعد از آغاز رسیدگی قضیه افلاس مطابق حکم فقره (4) ماده بیست و پنجم این قانون.
- 8- در صورت لزوم، اشتراک در جلسات حل و فصل منازعات به ارتباط مدیریت قضایای افلاس خارج از محکمه
- 9- تدویر جلسات با تاجر مفلس یا داینین و ریاست از آن.
- 10- استخدام وکلای مدافع، محاسبین، دلالان و سایر اشخاص مسلکی و دعوت حراگران که جهت مدیریت قضیه افلاس ضرورت باشد.
- 11- اجرای سایر صلاحیت های مندرج این قانون.

وظایف متولی

ماده دهم:

متولی دارای وظایف ذیل می باشد:

- 1- تدویر جلسه با تاجر مفلس در مقر فعالیت تجارتی وی در خلال دو روز کاری بعد از صدور صلاحیت خط.
- 2- ارایه پیشنهاد به محکمه تجارتی در مورد متوقف نمودن فوری تجارت تاجر مفلس یا ادامه فعالیت آن طور موقتی الی تایید نهایی پلان تصفیه از جانب محکمه تجارتی یا انعقاد قرارداد قسط.
- 3- ترتیب فهرست تمام اموال تحت حجز در خلال ده روز کاری بعد از صدور صلاحیت خط.
- 4- ارزیابی امور مالی تاجر مفلس.

- 5- تحت تصرف گرفتن تمام اموال تحت حجاز طریق حيازت ، مهر ولاک يا ساير اشکال حسب لزوم دید جهت محافظت از اموال الی فروش نهایی آن مطابق حکم ماده بیست ونهم این قانون .
- 6- ارایه پیشنهاد به محکمه تجارتي درمورد رسیدگی عاجل قضیه افلاس .
- 7- ارزیابی طلبات داینین و اعتراض علیه طلبات ، مشروط براینکه طلبات مطابق حکم ماده چهل این قانون فاقد اعتبار باشند .
- 8- نظارت بر فعالیت های تجارتي تاجر مفلس ، در صورتیکه تاجر مفلس مطابق حکم فقره (4) ماده هجدهم این قانون به فعالیت تجارتي در حین مدیریت قضیه افلاس ادامه دهد .
- 9- ارایه گزارشات منظم به محکمه تجارتي مطابق شکل وزمان که از جانب محکمه تعیین می گردد .
- 10- پرداخت مصارف بابت مدیریت قضیه افلاس ، در صورتیکه مصارف از جمله مصارف معمول تجارت مطابق حکم ماده بیست و پنجم این قانون باشد یا اینکه مصارف از جمله مصارف معمول تجارت نباشد اما موافقت کتبی محکمه تجارتي اخذ گردیده باشد .
- 11- پرداخت کلی یا قسمی طلبات داینین ، مشروط براینکه منابع مالی جهت پرداخت آن مطابق حکم ماده چهل و یکم این قانون موجود باشد .
- 12- در صورتیکه ارزش اموال تحت حجاز بیشتر از هفتاد میلیون افغانی یا معادل آن به اسعار خارجی باشد ، استخدام مشاور حقوقی واجد شرایط جهت مشوره دهی به متولی درمورد قضیه افلاس .

مسؤولیت های تاجر مفلس

ماده یازدهم :

- (1) هرگاه تاجر مفلس درخواست افلاس را به محکمه تجارتي ارایه کند ، مکلف است فهرست اسامی و محل سکونت داینین و در صورتیکه شخصیت حکمی باشد ، فهرست مالکین شرکت را ضمیمه درخواست نماید .
- (2) تاجر مفلس در خلال پانزده روز کاری بعد از آغاز رسیدگی قضیه افلاس موارد ذیل رانزد متولی ثبت می نماید :
 - 1- فهرست کامل و دقیق تمام داینین بشمول اسم و محل سکونت آنها ، مبلغ قابل پرداخت و اموال مرهونه در صورتیکه موجود باشند .

- 2- فهرست کامل و دقیق تمام اموال تحت حجز بشمول اموال منقول و غیر منقول که کلاً یا قسماً تحت مالکیت تاجر مفلس قرار دارند، توأم با ارزش تخمینی سهم تاجر مفلس در مالکیت این اموال .
 - (3) تاجر مفلس مکلف است ، در خلال پانزده روز کاری بعد از آغاز رسیدگی قضیه افلاس نقل تمام قرارداد های نافذ را که در آن تاجر مفلس در زمان آغاز رسیدگی قضیه افلاس طرف قرارداد بوده و دارای حقوق و وجایب قراردادی میباشد ، به متولی ارایه نماید .
 - (4) تاجر مفلس مکلف است در صورت درخواست مؤجه متولی باوی در اجرای وظایف همکاری نماید .
 - (5) تاجر مفلس معلومات لازم را به ارتباط اموال ، دیون و معاملات مالی خویش که از جانب متولی درخواست می گردد ، ارایه می نماید .
 - (6) تاجر مفلس بعد از ارایه صلاحیت خط توسط متولی ، مالکیت یا استیلا تمام اموال تحت حجز بشمول اموال منقول و غیر منقول ، حسابات بانکی ، دیون قابل دریافت و پول نقد را به متولی واگذار می نماید .
 - (7) تاجر مفلس در جلسات داینین در زمان تنظیم شده توسط متولی ، اشتراک می نماید . در صورتیکه تاجر مفلس بنابر مریضی بادلایل مؤجه نتواند در جلسات حضور یابد، میتواند شخصی را به نمایندگی خود جهت حضور در این جلسات تعیین نماید .
 - (8) تاجر مفلس نمی تواند اموال تحت حجز را در حالات ذیل انتقال دهد :
 - 1- در صورت ثبت ارادی افلاس بعد از ثبت درخواست افلاس مطابق حکم جزء (1) فقره (1) ماده سیزدهم این قانون .
 - 2- در صورت ثبت غیر ارادی افلاس ، بعد از ارایه صلاحیت خط توسط متولی . مگر اینکه تاجر مفلس اجازه کتبی متولی را غرض انجام معاملات لازمه جهت اجرای تجارت یا موارد مندرج مواد هجده ام و بیست و پنجم این قانون دریافت نماید .
 - (9) محکمه تجارتي میتواند ، فورمه های مخصوص راجهت استفاده تاجر مفلس غرض ایفای تعهدات مندرج این ماده تهیه نماید .
- استخدام مفتش مستقل
ماده دوازدهم :

(1) شخصی به عنوان مفتش جهت تفتیش اجراآت متولی ازجانب محکمه تجارتی تعیین می گردد که واجد شرایط مندرج ماده ششم این قانون باشد

(2) حق الزحمه مفتش مندرج فقره (1) این ماده ، توسط محکمه تجارتی تعیین وازجمله طلبات اداری محسوب میگردد .

فصل سوم

رسیدگی قضایای افلاس

آغازرسیدگی قضیه افلاس

ماده سیزدهم :

(1) رسیدگی قضیه افلاس با تکمیل شرایط ذیل آغازمی گردد :

1- ثبت درخواست افلاس توسط تاجری که مطابق حکم فقره (1) ماده چهارم این قانون واجد شرایط افلاس باشد .

2- ثبت درخواست افلاس توسط یک یا بیش ازیکی ازدائنین تاجرکه مجموع طلبات آنها کمتر از هفتصد هزار (700000) افغانی (پامبلی که درمقررہ جداگانه تعیین می گردد) نبوده و پرداخت طلبات واجب الادا برای بیش ازسی روزمعتل گردیده باشد .

3- صدور قرار دوران دعوی افلاس توسط محکمه تجارتی ، مطابق حکم ماده چهاردهم وپانزدهم این قانون .

(2) درخواست افلاس حاوی معلومات مندرج ضمیمه شماره (1) این قانون میباشد .

(3) معرفی متولی به اشکال ذیل صورت می گیرد .

1- درصورت ثبت ارادی افلاس، تاجر مفلس میتواند، شخصی رابعنوان متولی ، غرض تعیین وی ازجانب محکمه تجارتی مطابق حکم ماده پنجم این قانون معرفی نماید .

2- درصورت ثبت غیرارادی افلاس ، داینی که درخواست افلاس را ارایه نموده است شخصی را بعنوان متولی غرض تعیین وی ازجانب محکمه تجارتی مطابق حکم ماده پنجم این قانون معرفی نماید .

(4) محکمه تجارتی با دریافت درخواست افلاس از مراجع ذیل معلومات آتی رامطالبه می نماید :

1- اداره دولتی که مؤظف به ثبت معلومات مربوط به مالکیت اموال غیرمنقول میباشد .

2- اداره دولتی که مؤظف به ثبت معلومات مربوط به رهن اموال منقول میباشد .

آغاز قضیه افلاس طور ارادی

ماده چهاردهم :

(1) هرگاه ثبت درخواست افلاس توسط تاجر مفلس صورت گیرد ، محکمه تجارتی بعد از اخذ مبلغ هفت هزار (7000) افغانی محصول اقامه دعوی ، در خلال پنج روزکاری حکم خود را در مورد دوران دعوی افلاس صادر می نماید .

(2) هرگاه محکمه تجارتی مطابق حکم فقره (1) این ماده حکم به دوران دعوی صادر نماید تاریخ وزمانی صدور حکم مذکور ، تاریخ آغاز رسیدگی قضیه افلاس محسوب می شود .

(3) محکمه تجارتی تاریخ آغاز رسیدگی قضیه افلاس را در دفتر رسمی ثبت قضایای افلاس ، ثبت می نماید.

آغاز قضیه طور غیر ارادی

ماده پانزدهم :

(1) هرگاه ثبت درخواست افلاس توسط یک یا بیش از یکی از داینین صورت گیرد ، محکمه تجارتی بعد از دریافت درخواست و پرداخت مبلغ هفت هزار (7000) افغانی محصول معینه توسط عارض ، در خلال پنج روز حکم خویش را در موارد ذیل صادر می نماید .

1- دوران دعوی افلاس :

2- افلاس تاجر .

(2) هرگاه تاجر علیه حکم صادره مبنی بر افلاس خود معترض باشد ، معلومات لازم را در مورد وضعیت مالی خویش طبق هدایت محکمه تجارتی به پیشگاه آن ارایه می نماید .

(3) هرگاه محکمه تجارتی حکم به عدم رسیدگی قضیه افلاس به دلیل ثبت آن با سوء نیت و هدف غیر مرتبط به افلاس تاجر توسط داین ، صادر نماید ، تاجری که درخواست افلاس وی ثبت گردیده باشد ، میتواند علیه داین مذکور در محکمه تجارتی مربوط اقامه دعوی نماید و خواهان جبران خسارات ناشی از چنین درخواست گردد .

(4) هرگاه محکمه تجارتي مطابق حکم فقره (1) اين ماده ، حکم به دوران دعوی افلاس صادر نمايد ، تاريخ و زمان حکم متذکره ، تاريخ آغاز رسيد گي قضيه محسوب ميگردد .

تعليق دعاوی

ماده شانزدهم :

(1) از زمان آغاز رسيد گي قضيه افلاس ، دعاوی وساير اقدامات بشمول اقدام به تصرف مجدد مال مرهونه يا ضبط دارايي جهت پرداخت ديون ، اخذ شده توسط داينين و اشخاصي که با تاجر مفلس قرارداد دارند ، تعليق گرديده وبدون استيذان محکمه تجارتي مجدداً آغاز گرديده نمي توانند .

(2) حکم مندرج فقره (1) اين ماده بر اقداماتي که از جانب نهادها و ادارات دولتي جهت تطبيق قوانين مربوط به صحت ، مصونيت يا رفاه عمومي بشمول تطبيق قوانين جزائي ، محيط زيستي ، کار ، حمايت از مستهلکين يا حمايت از رقابت ، عليه تاجر مفلس و يا متولي اتخاذ گرديده باشد ، قابل تطبيق نمي باشد .

(3) در صورت موجوديت طلبات تضمين شده اجراآت ذيل صورت مي گيرد :

1- دايين داراي طلب تضمين شده براساس دارا بودن حق حبس يا حق بهره برداري از منفعت مجازديگري مطابق احکام قانون ميتواند با ارايه درخواست به محکمه تجارتي خواهان اعمال حق خويش بر مال مرهونه از طريق اقامه دعاوی جديد يا رفع تعليق بردعواي فعلي در جريان رسيد گي قضيه افلاس از جانب محکمه گردد .

2- محکمه تجارتي در خلال ده روز کاري بعد از ارايه درخواست مندرج جزء (3) اين فقره توسط دايين تشکيل جلسه داده و تاجر مفلس ، دايين و متولي را از تدوير جلسه مطلع مي نمايد .

3- محکمه تجارتي درخواست دايين راتايبدي مي نمايد ، مگر اينکه تاجر مفلس يا متولي در قضيه اي که تاجر مفلس خواهان انعقاد قرارداد قسط است ، موارد ذيل را ثابت نمايند :

- طلب تضمين شده دايين از تنزيل در ارزش يا ساير خسارات درمיעاد تعليق محفوظ مي باشد .

- ادامه حالت تعليق جهت توانايي متولي غرض افزايش ارزش اموال تحت حجز به منظور تامين منافع طرفين ذي دخل لازم ميباشد .

- 4- محکمه تجارتی حکم خویش را درمورد تایید یا رد درخواست داین در خلال پنج روزکاری بعد از تدویر جلسه صادر مینماید .
- 5- محکمه تجارتی در صورت رد درخواست داین ، جهت حفاظت از طلبات تضمین شده ، شرایط لازم را در جریان حالت تعلیق وضع می نماید .

تطبیق قانون

ماده هفدهم :

- (1) محکمه تجارتی در صورت درخواست متولی با ارسال اطلاعیه به طرف های دخیل در عاوی علیه تاجر مفلس یا اموال تحت حجز ، طرفین را از تعلیق دعاوی الی حل و فصل قضیه افلاس مطلع می نماید .
- (2) بعد از ارایه صلاحیت خط توسط متولی ، مامورین ضبط قضایی که تاجر مفلس در ساحه تحت صلاحیت آنها سکونت دارد یا اموال تاجر مفلس در آن ساحه قرار دارد با متولی در اجرای وظایف وی بشمول دخول به منزل تاجر مفلس و ضبط اجباری اموال تاجر مفلس در صورتیکه تاجر مفلس ، اقارب وی یا نمایندگان و کارکنان وی از اجرای آن جلوگیری نمایند ، همکاری مینماید .

دوام یا توقف فعالیت های تجارتی

ماده هجدهم :

- (1) متولی در خلال پنج روزکاری بعد از تدویر جلسه مقدماتی با تاجر مفلس مطابق حکم ماده نهم این قانون ، پیشنهاد خویش را درمورد توقف فوری فعالیت های تجارتی تاجر مفلس یا ادامه فعالیت های تجارتی بصورت مؤقت الی تایید نهایی پلان تصفیه یا قرارداد قسط توسط محکمه تجارتی ، به محکمه ارایه مینماید .
- (2) هرگاه تاجر مفلس خواهان انعقاد قرارداد قسط باشد ، میتواند الی صدور تصمیم محکمه تجارتی درمورد پیشنهاد متولی ، به فعالیت های تجارتی خویش ادامه دهد، مگر اینکه محکمه تجارتی تشخیص دهد که اعمال محدودیت بر فعالیت های تجارتی تاجر غرض جلوگیری از فریبکاری و تخلفات مشابه لازم میباشد .
- (3) محکمه تجارتی در خلال ده روز کاری بعد از دریافت پیشنهاد متولی مبنی بر دوام یا توقف فعالیت تجارتی تاجر مفلس ، تصمیم خویش را مبنی بر ادامه فعالیت های تجارتی تاجر مفلس الی تایید نهایی پلان تصفیه یا قرارداد قسط صادر می نماید .

(4) هرگاه محکمه تجارتي به ادامه فعاليت هاي تجارتي تاجر مفلس الي تايبید نهايي پلان تصفيه يا قرارداد قسط ، تصميم اتخاذ نمايد تاجر مفلس مي تواند به فعاليت هاي تجارتي خویش طبق حکم ماده بيست و پنجم اين قانون تحت شرايطي که توسط محکمه تجارتي وضع ميگردد بشمول نظارت معاملات از جانب متولي در جريان اين مدت ادامه دهد .

روش ارسال اطلاعیه

ماده نهم :

اطلاعیه ، طور ذیل به اشخاص ذیدخل ارایه می گردد ، مگر اینکه در این قانون طور دیگر تصریح شده باشد .

- 1- مستقیم .
- 2- از طریق شبکه پستی معتبر .
- 3- از طریق مکالمه الکترونیک به شمول ایمیل رسمی ، فکس و سایر اشکال در مطابقت به احکام این قانون ، در صورت توافق طرفین .

اطلاعیه آغاز رسیدگی قضیه

ماده بیستم :

- (1) متولي در خلال سه روز کاری بعد از ثبت فهرست داینین توسط تاجر مفلس مطابق حکم فقره (2) ماده یازدهم این قانون ، اطلاعیه آغاز رسیدگی قضیه رابه تمام داینین ارسال می نماید .
- (2) متولي در خلال پنج روز کاری ارتاریخ آغاز رسیدگی قضیه افلاس ، اطلاعیه آغاز رسیدگی را در روزنامه کثیرالانتشار که توسط محکمه تجارتي تعیین می گردد ، نشر می نماید .
- (3) اطلاعیه مندرج فقره (2) این ماده حاوی معلومات مندرج ضمیمه شماره (2) این قانون میباشد .

جلسات مقدماتی داینین

ماده بیست و یکم :

- (1) متولي جلسه مقدماتی داینین را در خلال میعادی که از بیست روز کمتری روز بیشتر نباشد ، بعد از ارسال اطلاعیه آغاز رسیدگی قضیه مطابق حکم فقره (2) ماده بیستم این قانون دایر می نماید . تاریخ ، زمان و محل برگزاری جلسه مقدماتی داینین در اطلاعیه آغاز رسیدگی قضیه درج می گردد .

- (2) تاجر مفلس ، صورت معلومات تجارتی مربوط را ، خودیا نماینده با صلاحیت وی امضا وبه داینین ارایه مینماید .
- (3) متولی اطلاعیه استخدام خویش را تهیه وبه داینین ارایه مینماید .
- (4) داینین در جلسه مقدماتی در مورد تعیین حق الزحمه متولی به یکی از روش های مندرج اجزای (2 یا 3) فقره (2) ماده هفتم این قانون تصمیم اتخاذ می نماید . در صورتیکه داینین به تعیین حق الزحمه متولی تصمیم اتخاذ نمایند ، فیصدی حق الزحمه نیز در جلسه معین می گردد .

جلسات داینین

ماده بیست و دوم :

- (1) متولی جلسات داینین را تنظیم و ریاست آنرا بعهده میگیرد .
- (2) متولی قبل از تدویر جلسه ، تمام معلومات مرتبط به امور تاجر مفلس را که هریک از داینین به آن ضرورت دارد ، طور رایگان به دسترس آن قرار می دهد .
- (3) متولی میتواند ، از ارایه معلومات در حالات ذیل امتناع نماید :
- 1- در صورتیکه ارایه معلومات غیر مؤجه باشد .
 - 2- در صورتیکه مصارف ارایه معلومات نسبت به ارزش آن بیشتر باشد .
 - 3- در صورتیکه منابع مالی کافی غرض ارایه معلومات در دسترس متولی نباشد .
 - 4- در صورتیکه متولی تشخیص دهد که ارایه معلومات باعث تبعیض میان داینین می گردد .
 - 5- در صورتیکه مانع قانونی یا حقوقی غرض ارایه معلومات موجود باشد .
 - 6- در صورتیکه ارایه معلومات مانع اجرای وظایف متولی گردد .
- (4) متولی میتواند ، بر علاوه جلسه مقدماتی داینین یک یا چند جلسه دیگری را در مورد قضیه افلاس با داینین دایر نماید . متولی جلسه داینین را قبل از فروش دارایی های اساسی اموال تحت حجز برگزار مینماید . متولی اطلاعیه را که حاوی تاریخ ، زمان ومحل برگزاری جلسه می باشد به داینین وتاجر مفلس ارسال می نماید .
- (5) داینین می توانند ، در جلسات اشتراک نماید . در صورتیکه یکی از داینین شخصا قادر به اشتراک در جلسات نباشد ، میتواند شخصی

دیگر را به نمایندگی خویش جهت اشتراک در جلسه و رای دهی تعیین نماید

(6) تاجر مفلس در صورت هدایت متولی در جلسات داینین اشتراک و به پرسش های متولی یا داینین پاسخ ارایه مینماید .

(7) آجندای جلسات داینین ، دارای معلومات مندرج ضمیمه شماره (3) این قانون میباشد .

جلسه سالانه داینین

ماده بیست و سوم :

(1) هرگاه رسیدگی قضیه افلاس بیشتر از دوازده ماه دوام نماید ، متولی ، جلسه داینین را در خلال سه ماه بعد از ختم سال مالی یا بعد از میعاد که توسط محکمه تجارتی تعیین می گردد ، دایر می نماید .

(2) متولی ، در جلسه سالانه داینین ، گزارش اجراءات مربوط و جریان رسیدگی قضیه را در طول دوازده ماه گذشته ارایه می نماید .

تصامیم جلسات

ماده بیست و چهارم :

(1) تصامیم جلسات داینین ، به استثنای تصامیمی که مطابق حکم فقره

(2) ماده چهل و هفتم این قانون اتخاذ می گردد با اکثریت آرای داینین متناسب با ارزش طلبات (اکثریت مبلغی) با در نظر داشت سند معتبر اثباتیه دین صورت میگیرد .

(2) متولی برگزاری جلسات داینین را غرض اخذ موافقه داینین در حالات ذیل درخواست مینماید :

1- قبل از مصالحه در مورد طلب یا طلبات داینین بشمول پرداخت های که ارزش آن طور انفرادی یا جمعی مساوی یا بیشتر از یک میلیون و چهارصد هزار افغانی (14 000,00) یا معادل آن به اسعار دیگر باشد .

2- قبل از پرداخت طلبات اداری مندرج جزء (4) فقره (2) ماده سی و هفتم این قانون که ارزش آن طور انفرادی یا جمعی بیشتر از ده فیصد ارزش مجموعی تخمینی اموال تحت حجز باشد .

3- قبل از فروش اموال مطابق حکم ماده سی و چهارم این قانون .

4- قبل از تصاحب منابع مالی بعد از آغاز رسیدگی قضیه افلاس مطابق حکم فقره (4) ماده بیست و پنجم این قانون .
(3) هرگاه در جلسه مندرج فقره (2) این ماده داینین به موارد درخواستی متولی موافقه ننمایند، متولی میتواند به محکمه تجارتی عارض و خواهان تایید موارد مندرج فقره (2) این ماده ، مطابق احکام جزء (6) فقره (2) ماده سی و چهارم یا فقره (4) ماده بیست و پنجم این قانون گردد .

فعالیت های تجارتی تاجر مفلس

ماده بیست و پنجم

- (1) هرگاه به تاجر مفلس در جریان رسیدگی قضیه افلاس اجازه ادامه فعالیت تجارتی اعطا گردد، تاجر مفلس میتواند امور ذیل را انجام دهد :
1- اجناس و خدمات را که عرفاً غرض پیشبرد تجارت لازم است ، خریداری و پول آنرا در زمان معینه بپردازد .
2- قرارداد های راکه عرفاً غرض پیشبرد تجارت لازم است ، عقود اجرا نماید .
3- مزد کارکنان را از بابت کار اجرا شده بعد از آغاز قضیه افلاس بپردازد . پرداخت حق الزحمه مدیران اجراییوی تابع تایید محکمه تجارتی میباشد .
4- تاجر مفلس در اجرای فعالیت های تجارتی خود تمام قوانین نافذه را رعایت می نماید .
5- تاجر مفلس در اجرای فعالیت های تجارتی خود شرایط و محدودیت های وضع شده از جانب محکمه تجارتی را رعایت مینماید .
(2) فعالیت های تجارتی تاجر مفلس که جدا از فعالیت های که عرفاً غرض پیشبرد تجارت لازم است ، میباشد ، قبل از اجرا از جانب محکمه تجارتی تایید می گردد . فعالیت های مذکور شامل هر نوع معاملاتی که در میان اشخاص ذیدخل در تجارت های مشابه رایج نمی باشد و معاملاتی که ارزش آنها بیشتر از ارزش معاملات اجرا شده توسط تاجر قبل از آغاز قضیه افلاس باشد می گردد .
(3) متولی از فعالیت های تجارتی تاجر مفلس نظارت مینماید .

(4) متولی میتواند، درخواست دریافت وجوه مالی را به شکال قرضه یا تمديد اعتبار خط ها بشمول دریافت وجوه مالی تضمین شده با حق حبس اموال تحت حجز، ارایه نماید، مشروط بر اینکه حق حبس ارایه شده برحق حبس موجود مطابق احکام این قانون مقدم نباشد. متولی بعد از درخواست مذکور به اسرع وقت جلسه داینین را دایر می نماید. اطلاعیه تدویر جلسه به تاجر مفلس و تمام داینین ارایه می گردد، بعد از استماع اظهارات طرفین دخیل در قضیه، داینین تصمیم خویش را مبنی بر تایید یا رد درخواست دریافت وجوه مالی صادر می نمایند. در صورت رد درخواست دریافت وجوه مالی از جانب داینین مطابق این ماده، متولی میتواند به محکمه تجارتی عارض و خواهان تاییدی درخواست خویش گردد.

(5) محکمه تجارتی بر اساس پیشنهاد متولی میتواند به وی در موارد ذیل هدایت دهد:

- 1- برکناری تاجر مفلس از مدیریت فعالیت های تجارتی و تعیین شخص دیگری به عوض وی.
- 2- توقف فعالیت تجارتی تاجر مفلس.
- 3- وضع محدودیت های اضافی بردوام فعالیت های تجارتی تاجر مفلس.

پلان تصفیه

ماده بیست و ششم:

(1) در تمام قضایای افلاس به استثنای قضایای که تاجر مفلس خواهان انعقاد قرارداد قسط میباشد، متولی پلان پیشنهادی تصفیه را در خلال سی روزکاری بعد از جلسه مقدماتی داینین در دفتر رسمی ثبت قضایای افلاس ثبت می نماید.

(2) در قضایای که محکمه تجارتی تشخیص دهد که انعقاد قرارداد قسط ممکن نیست، متولی پلان پیشنهادی تصفیه را در خلال سی روزکاری بعد از تصمیم خود یا محکمه تجارتی، در دفتر رسمی ثبت قضایای افلاس ثبت می نماید.

(3) پلان تصفیه حاوی موارد آتی میباشد:

- 1- فهرست تمام اموال تحت حجز تاجر مفلس، طوریکه در ماده بیست و هفتم این قانون تشریح گردیده است.
- 2- فهرست تمام دیون.

- 3- فهرست تمام اموال تحت اجاره یا اموال اشخاص ثالث که به مالکین قانونی آنها مسترد می گردد .
- 4- روش پیشنهادی غرض فروش اموال تحت حجز که از لحاظ تجارتي مطلوب بوده و از جانب داینین یا محکمه تجارتي تایید گردیده و روش پیشنهادی فروش تجارت تاجر مفلس طور عمده یا متفرق .
- 5- روش پیشنهادی اجرای قرارداد ها مطابق حکم ماده بیست ونهم این قانون.
- 6- محدوده زمانی برای تکمیل تصفیه .
- (4) پلان تصفیه غرض تکمیل آن اعتبار از تاریخ تایید توسط محکمه تجارتي الی دوازده ماه میباشد . محکمه تجارتي می تواند این ميعاد را برای دوازده ماه دیگر تمدید نماید .
- (5) محکمه تجارتي در خلال پانزده روز کاری بعد از ثبت پلان تصفیه در مورد تایید ، اصلاح یا رد آن تصمیم اتخاذ می نماید .

فصل چهارم

جمع آوری و فروش اموال تحت حجز

اموال تحت حجز

ماده بیست و هفتم :

- (1) اموال تحت حجز شامل اموال ذیل می گردد :
 - 1- تمام اموالی که تاجر مفلس الی زمان آغاز رسیدگی قضیه افلاس دارای حق مالکیت در آن بوده .
 - 2- تمام مبالغ نقدی که تاجر مفلس الی زمان آغاز رسیدگی قضیه افلاس بر اساس فروش اجناس و خدمات مستحق آن می گردد و مبالغ نقدی که تاجر مفلس به عنوان قرضه ارایه نموده است .
 - 3- مبالغی که تاجر مفلس بعنوان جبران خساره مستحق آن بوده وسایر مبالغی که تاجر مفلس بر اساس قانون مستحق آن می گردد .
 - 4- تمام اموالی که توسط متولی در جریان رسیدگی قضیه افلاس حصول می گردد ، بشمول اموال قابل واگذاری مطابق حکم ماده بیست ونهم این قانون .
 - 5- تمام اموالی که توسط متولی از طریق معاملات قابل بطلان مطابق حکم ماده سی ام این قانون حاصل گردیده است .
 - 6- تمام اموالی که توسط متولی از طریق پرداخت ها صورت گرفته یا مطابق حکم ماده سی و یکم این قانون حاصل گردیده است .

7- تمام اموالی که از طریق فعالیت های تجارتي تاجر مفلس حين رسيد گي قضيه افلاس حصول گرديده است .
(2) اموال تحت حجز شامل اموالی که مطابق حکم ماده بيست و هشتم اين قانون معاف گرديده است ، نمی گردد .
درخواست معافيت اموال توسط تاجر مفلس

ماده بيست و هشتم :

(1) هرگاه تاجر مفلس شخص حقيقي باشد ، ميتواند با در نظر داشت حکم فقره (2) اين ماده از جمله اموال تحت حجز یک خانه که اقارب درجه اول وی در آن سکونت دارند و لباس ها، اثاثيه منزل، وسايل تجارت و وسايل ديگري که تاجر مفلس و اقارب درجه اول وی به آن ضرورت دارند تاحدی که جهت بود و باش وزندگی اقارب درجه اول تاجر مفلس ضروری باشد ، معاف نمايد . مشروط بر اينکه تاجر مفلس و اقارب درجه اول وی قبل از ثبت قضيه افلاس برای دوسال متواتر در خانه مذکور ساکن بوده باشند .
(2) هرگاه محکمه تجارتي تشخيص دهد که تاجر مفلس قبل از آغاز رسيدگی قضيه افلاس با سوء نيت عمل نموده ، از صلاحيت خویش سوء استفاده نموده یا مرتکب تخلف ديگر گرديده است ، محکمه ميتواند ، معافيت مندرج فقره (1) اين ماده را فسخ نمايد .

(3) با تاييد کسب معافيت اموال ، تاجر مفلس فهرست اموالی را که متقاضی معافيت آن ميباشد در خلال سه روز کاری قبل از جلسه مقدماتی داينين که مطابق حکم ماده هجدهم اين قانون توسط متولی تنظيم می گردد، به محکمه تجارتي و متولی ارايه نمايد .

(4) متولی یا داينين ميتوانند ، در خلال ده روز کاری بعد از تدوير جلسه مقدماتی داينين ، اعتراض خویش را عليه اموال مقتضی معافيت به محکمه تجارتي ارايه نمايند . هر نوع اعتراض در بر گیرنده دليل اصلی اعتراض می باشد . محکمه تجارتي تصميم نهايی خویش را مبنی بر معافيت اموال در خلال ده روز کاری بعد از دريافت درخواست صادر می نمايد .

واگذاری اموال تحت حجز

ماده بيست و نهم :

(1) شخصی که اموال منقول و غير منقول را که در زمان آغاز رسيد گي قضيه افلاس بعنوان اموال تحت حجز تشخيص گرديده در تصرف خویش داشته باشد در مقابل آن مسوول بوده و مکلف است ، مالکيت یا حيازت اموال مذکور و یا قيمت اموال را که از جانب محکمه تجارتي به اساس

درخواست متولی تعیین می گردد به مجرد ارایه درخواست و اگذاری صلاحیت خط به متولی انتقال دهد .

(2) درمورد دیون ارایه شده توسط تاجر مفلس ، احکام ذیل تطبیق می گردد :

1- هر شخص یا اداره که از تاجر مفلس در زمان آغاز رسیدگی قضیه افلاس مدیون باشد ، مکلف است مبلغ مکمل دین را به مجرد ارایه درخواست و اگذاری صلاحیت خط به متولی تسلیم نماید .

2- هربانکی که در آن تاجر مفلس در زمان آغاز رسیدگی قضیه افلاس دارای حساب بانکی باشد ، مکلف است تمام مبالغی را که درچنین حسابات بانکی امانت گذاشته شده است به اسرع وقت بعد از ارایه درخواست و اگذاری صلاحیت خط به متولی تسلیم نماید .

(3) اشخاص، ادارات یا بانک هایی که بعد از دریافت درخواست و اگذاری اموال تحت حجز توام بانقل صلاحیت خط، علیه و اگذاری اموال مندرج درخواست و اگذاری اعتراض داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را در خلال ده روزکاری بعد از دریافت درخواست به محکمه تجارتي ارایه نمایند. محکمه تجارتي بعد از دریافت چنین درخواست ، جلسه قضایی را دایر و تصمیم خویش را درمورد و اگذاری اموال مطابق احکام قانون صدر مینماید .

معاملات قابل بطلان

ماده سی ام :

(1) متولی کلیه انتقالات و تعهدات پذیرفته شده توسط تاجر مفلس را در خلال دو سال قبل از زمان آغاز رسیدگی قضیه افلاس ، به حیث بخشی از تفتیش امور مالی تاجر مفلس ارزیابی می نماید .

(2) انتقالات پول یا اموال و تعهدات پذیرفته شده توسط تاجر مفلس در خلال دو سال قبل از زمان آغاز رسیدگی قضیه افلاس با تکمیل شرایط ذیل باطل میگردد :

1- در صورتیکه انتقال انجام یافته و تعهد پذیرفته شده کمتر از ارزش اصلی اموال بوده و تاجر به سبب آن مفلس گردیده باشد .

2- در صورتیکه انتقال انجام یافته و تعهدات پذیرفته شده با سوء نیت یا بمقصد آسیب رسانیدن به حقوق داینین بوده باشد .

(3) محکمه تجارتي میتواند ، شخص مستفید شونده از انتقال و تعهد قابل بطلان مطابق حکم این ماده را مکلف سازد تا پول و اموال انتقال شده

یا قیمت آنرا مسترد نماید ، در صورتیکه شخص متذکره باحسن نیت عمل نموده باشد، مسئولیت وی به اندازه منفعتی که معامله به تاجر ایجاد نموده ، کاهش می یابد .

(4) محکمه تجارتي میتواند به اساس درخواست متولی ، در مورد معامله که عرفاً غرض پیشبرد تجارت لازم نبوده و در خلال یک سال قبل از آغاز رسیدگی قضیه افلاس توسط تاجر مفلس اجرا شده و باعث خسارت به داینین گردیده باشد ، حکم به مسترد نمودن اموال ، کاهش تضمین یا سایر تدابیری که لازم داند ، صادر نماید .

تجارت غیر مجاز

ماده سی و یکم :

(1) هرگاه متولی تشخیص دهد که قبل از آغاز رسیدگی قضیه افلاس ، مدیر از اجتناب ناپذیر بودن افلاس تاجر مفلس آگاهی داشته ، محکمه تجارتي میتواند به اساس درخواست متولی به پرداخت وجه پولی توسط مدیر غرض اضافه نمودن به دارایی هایی تاجر مفلس با تشخیص مقدار آن حکم صادر نماید .

(2) هرگاه محکمه تشخیص دهد که مدیر اقدامات لازم را غرض به حد اقل رسانیدن خسارات به داینین اتخاذ نموده است، محکمه تجارتي حکم مندرج فقره (1) این ماده را صادر نمی نماید .

ترک دارایی

ماده سی و دوم :

(1) متولی میتواند ، پیشنهاد کتبی خویش را مبنی بر ترک دارایی های شامل اموال تحت حجز به دلیل اینکه مصارف نگهداری ، محافظت و فروش اموال بیشتر از مفادی که داینین دارای طلبات تضمین ناشده از فروش آن بدست می آورند میباشد ، به داینین ارایه نماید .

(2) داینین میتواند ، در خلال پانزده روز کاری بعد از دریافت اطلاعیه علیه پیشنهاد ترک دارایی اعتراض نمایند . در صورتیکه بالانقضای این مدت هیچ یک از داینین علیه پیشنهاد اعتراض ننمایند ، پیشنهاد ترک دارایی تایید شده محسوب می گردد . هرگونه تصمیم به ترک دارایی از طرف متولی غرض ثبت در دفتر رسمی ثبت قضایای افلاس به محکمه تجارتي تقدیم می گردد .

- (3) هرگاه یکی از داینین در خلال میعاد مندرج فقره (1) این ماده علیه پیشنهاد ترک دارایی اعتراض نماید ، متولی میتواند به محکمه تجارتی عارض و حکم محکمه را در مورد مطالبه نماید .
- (4) اموال ترک شده ، ملکیت دولت محسوب می گردد .

اجرای قراردادها

ماده سی و سوم :

- (1) نقل تمام قرارداد های نافذه در مطابقت با حکم ماده دهم این قانون که در آن تاجر مفلس در زمان آغاز رسیدگی قضیه افلاس طرف قرارداد بوده و دارای حقوق و وجایب قراردادی میباشد به متولی ارایه می گردد .
- (2) متولی به اسرع وقت بعد از آغاز قضیه هریکی از قراردادها را از لحاظ اینکه قرارداد ادامه یابد یا در مقابل اجرت مناسب به شخص ثالث واگذار یا فسخ گردد، بشمول آثار و مصارف گزینه های مذکور، ارزیابی مینماید .

(3) متولی بعد از ختم ارزیابی ، پیشنهاد کتبی خویش را مبنی بر ادامه ، واگذاری یا فسخ قرارداد به محکمه تجارتی ارایه می نماید .

(4) طرف مقابل قرارداد هایی که فسخ گردیده اند، مطابق حکم ماده چهل این قانون حق ثبت طلب خویش را در خلال بیست روز کاری بعد از دریافت اطلاعیه فسخ قرارداد از جانب متولی ، جهت دریافت خسارات ناشی از فسخ قرارداد مطابق این قانون دارا میباشد . طلب مذکور از لحاظ تقدم دارای عین درجه با سایر طلباتی که علیه تاجر مفلس قبل از آغاز رسیدگی قضیه موجود است ، میباشد .

(5) در قرارداد های که ادامه می یابند ، باقیداری های پولی و سایر تخلفات در اجرای قرارداد قبل از آغاز رسیدگی قضیه افلاس باعث ایجاد طلبات تضمین نشده می گردد، در صورتیکه قرارداد بعد از اتخاذ تصمیم به ادامه آن نقض گردد، طلب طرف مقابل جهت جبران خساره تاحدودی که قانون مجاز دانسته، مطابق حکم ماده سی و هفتم این قانون طلب اداری محسوب می گردد .

(6) شخصی که اجرای قرارداد به وی واگذار گردیده است ، اهلیت اجرای قرارداد را داشته و باقیداری های پولی و سایر تخلفات در اجرای قرارداد را به ارتباط قرارداد های که به وی واگذار می گردید، به اسرع وقت بر طرف نموده و مکلف میباشد تا زمینه اجرای قرارداد را به شکل مداوم در میعاد مندرج آن مهیا سازد .

(7) هرگاه قرارداد که تاجر مفلس در آن طرف بوده، حاوی احکامی باشد که به موجب آن ثبت افلاس یا آغاز رسیدگی قضیه افلاس تاجر مفلس سبب فسخ قرارداد یا لغو ویاکاهش حقوق تاجر مفلس گردد، در این صورت طرف مقابل چنین قرارداد مکلف است قبل از فسخ قرارداد یا لغو کاهش حقوق تاجر مفلس، اجازه محکمه تجارتی را اخذ نماید.

(8) هرگاه قرارداد از طرف متولی واگذار گردد و قرارداد مذکور حاوی احکامی باشد که به موجب آن واگذاری قرارداد مشروط به کسب موافقه طرف مقابل باشد، در این صورت طرف مقابل نمی تواند بدون اجازه محکمه تجارتی حکم مذکور را اعمال نماید.

(9) هرگاه در قرارداد های انکشافی دولت، حقوق دولت مبنی بر افلاس قراردادی پیش بینی شده باشد، احکام این قانون سبب محدودیت در تحصیل حقوق متذکره نمی گردد.

فروش دارایی ها

ماده سی و چهارم :

(1) هرگاه محکمه تجارتی مطابق حکم فقره (4) ماده هجدهم این قانون اجازه ادامه تجارت را به تاجر مفلس اعطا نماید، تاجر مفلس میتواند، مطابق حکم ماده بیست و پنجم این قانون اجناس و خدمات را که عرفاً غرض پیشبرد تجارت لازم است به فروش رساند، تاجر مفلس صورت حساب تمام فروشات را هفته وار به متولی ارایه می نماید، مگر اینکه متولی طور دیگری هدایت دهد.

(2) متولی میتواند، اموال منقول و غیر منقول تحت حجز را جدا از آنچه عرفاً غرض پیشبرد تجارت لازم است تحت شرایط ذیل بفروش رساند:

1- هر نوع فروش اموال تحت حجز توسط متولی تابع شرایطی میباشد که از جانب محکمه تجارتی وضع گردیده است.

2- فروشات از طریق مزایده علنی یا فروش خصوصی صورت میگیرد.

(3) متولی قبل از فروش اموال تحت حجز، جلسه داینین را جهت ارزیابی فروش دایر می نماید.

(4) متولی اطلاعیه فروش را در خلال ده روز کاری قبل از فروش به تاجر مفلس و داینین ارسال مینماید. اطلاعیه حاوی معلومات مندرج ضمیمه شماره (4) این قانون میباشد.

- (5) متولی در جلسه ای که غرض ارزیابی فروش اموال تحت حجز دایر گردیده است ، به تمام طرفین ذیدخل فرصت می دهد تا اظهارات خویش را در مورد فروش مذکور ارایه نمایند .
- (6) هرگاه داینین به فروش اموال تحت حجز رای دهند، متولی میتواند به فروش اموال اقدام نماید . صورت جلسه داینین غرض ثبت در دفتر رسمی ثبت قضایای افلاس به محکمه تجارتی ارایه گردیده و نقل آن به تمام داینین ارسال می گردد .
- (7) هرگاه فروش اموال از جانب داینین تایید نگردد ، متولی میتواند به محکمه تجارتی عارض و صدور حکم را در مورد مطالبه نماید .
- (8) هرگاه اموال قابل فروش در حالت نابودی بوده یا ارزش آن در حالت تقلیل باشد، متولی میتواند به محکمه تجارتی عارض و رسیدگی عاجل را غرض فروش اموال مطالبه نماید . محکمه تجارتی در خلال پنج روز کاری بعد از دریافت درخواست تصمیم خویش را در مورد فروش اموال صادر مینماید .
- (9) متولی بعد از فروش اموال، مکتوبی را در مورد اموال فروخته شده ، اسم هریکی از خریداران ، پول حاصل شده را از درک فروش هر قلم از اموال و در صورتیکه اموال طور عمده فروخته شده باشد، مجموع پول حاصل شده را از درک فروش اموال بصورت کل غرض ثبت در دفتر رسمی ثبت قضایای افلاس به محکمه تجارتی ارایه می نماید . در صورتیکه اموال از طریق مزایده به فروش رسیده باشد، متولی اظهاریه ای جداگانه راکه حاوی حق الزحمه پرداخت شده به دلال میباشد ، رانیز ثبت می نماید .
- (10) تمام عواید حاصل شده از فروش اموال بعد از وضع مصارفی که توسط محکمه تجارتی تایید گردیده است ، در حساب امانت تحویل بانک می گردد .
- (11) متولی یا تاجر مفلس بعد از فروش اموال، اسناد لازم راجهت تکمیل پروسه انتقال به خریداران اجرا می نماید .
- (12) اموالی که تحت این ماده به فروش می رسد ، عاری از تمام دیون تضمین ناشده تاجر مفلس بوده و مشتری در مقابل دیون ، دارای مسئولیت نمی باشد، مگر اینکه قرارداد فروش طوری دیگر صراحت داشته باشد .
- (13) فروش اموال می تواند عاری از دیون تضمین شده باشد مشروط بر اینکه داین رضایت داشته یا عواید حاصله از فروش جهت پرداخت کامل

دیون تضمین شده کافی بوده و به داین پرداخت گردد و یا به حساب امانت به نفع داین گذاشته شود .

پول حاصله از جمع آوری و فروش اموال تحت حجز

ماده سی و پنجم :

(1) متولی در قضایای که مؤظف به رسیدگی آن میباشد ، حساب امانت بانکی جداگانه راجهت استفاده اختصاصی برای هر قضیه افتتاح می نماید .

(2) مبالغ حاصله از فروش اموال تحت حجز ، توسط متولی به حساب امانت تحویل بانک می گردد .

(3) متولی صورت حساب تمام سپرده ها ، برداشت ها یا سایر فعالیت های مرتبط به حساب امانت بانکی را طور ماهوار یا حسب درخواست محکمه به محکمه تجارتی ارایه می نماید .

(4) هرگاه تاجر مفلس شرکت دولتی یا نیمه دولتی باشد و مطابق حکم ماده چهارم این قانون تحت شرایط افلاس قرار گیرد ، متولی مکلف است ، قوانین مربوط به تمویل و حسابداری شرکت های دولتی را نیز رعایت نماید .

فصل پنجم

رسیدگی و پرداخت طلبات

طلبات تضمین شده

ماده سی و ششم:

(1) تمام دعاوی و اقدامات حقوقی توسط داینین طلبات تضمین شده مطابق حکم ماده شانزدهم این قانون ، در جریان رسیدگی قضیه افلاس تعلیق میگردند ، مگر اینکه محکمه تجارتی بر اساس درخواست داین دارای طلب تضمین شده حالت تعلیق را رفع و به داین اجازه دهد تا حقوق خویش را علیه مال مرهونه اعمال نماید .

(2) طلب داینین دارای طلبات تضمین شده از عواید حاصله از فروش اموال مرهونه تضمین کننده دیون آنها بعد از وضع مصارفی مؤجه که توسط متولی به اجازه محکمه تجارتی غرض حفاظت و فروش مال مرهونه صورت گرفته ، پرداخت می گردد ، مگر اینکه قرارداد قسط تایید شده توسط محکمه تجارتی مطابق حکم ماده چهل و هفتم این قانون طوری دیگری حکم نموده باشد .

(3) بعد از وضع عواید حاصله از فروش مال مرهونه ، مبلغ باقیمانده به حیث طلب تضمین ناشده محسوب گردیده و توام با سایر طلبات تضمین ناشده پرداخت می گردد .

طلبات اداری

ماده سی و هفتم:

(1) پرداخت طلبات اداری بر پرداخت طلبات تضمین ناشده مطابق با حکم ماده سی و نهم این قانون مقدم است .

(2) طلبات اداری شامل موارد ذیل میباشد :

1- حق الزحمه متولی که مطابق حکم ماده سی و هشتم این قانون توسط محکمه تجارتی تایید گردیده است .

2- مصارف مؤجه که توسط متولی حین رسیدگی قضیه افلاس صورت گرفته است .

3- در قضایای که محکمه تجارتی به ادامه فعالیت تجارتی تاجر مفلس اجازه دهد ، طلبات مرتبط به مبالغ پرداخت ناشده و وجایب ادا ناشده که مربوط به فعالیت تجارتی میگردد .

4- حق الزحمه اهل خبره که در جریان رسیدگی قضیه افلاس استخدام و مطابق حکم جزء (3) فقره (2) ماده بیست و چهارم این قانون تایید گردیده است .

5- حق الزحمه و مصارف مفتش مستقل که مطابق حکم ماده دوازدهم این قانون تعیین گردیده است .

(3) مصارف مؤجه که به منظور حفاظت و نگهداری مال مرهونه صورت گرفته است ، توسط عواید حاصله از فروش مال مرهونه قبل از توزیع آن به داینین دارای طلبات تضمین شده ، مجرا میگردد .

حق الزحمه متولی

ماده سی و هشتم :

(1) متولی در برابر خدمات حقیقی و ضروری ارایه شده در ارتباط با مدیریت قضیه افلاس مستحق دریافت حق الزحمه مناسبی که توسط داینین تعیین می گردد ، می باشد .

(2) داینین در تعیین پرداخت حق الزحمه متولی مطابق حکم ماده هفتم این قانون ارزش خدمات ارایه شده توسط متولی را با در نظر داشت تمام جوانب مربوط بشمول مدت زمان سپری شده در ارایه خدمات ، بهای

خدمات ارایه شده مطابق عرف و نیز خدمات راکه جهت اداره سریع و منظم قضیه که لازم و ضروری بوده ، در نظر میگیرند .

(3) پرداخت حق الزحمه مندرج این ماده به متولی ، صرف با تایید داینین بعد از تدویر جلسه داینین صورت میگیرد. تمام داینین و تاجر مفلس ، مستحق دریافت اطلاعیه تدویر جلسه و معلومات در مورد مبالغ درخواست شده ، بیست روز کاری قبل از تدویر جلسه بوده و میتوانند اظهارات خود را در جلسه ارایه نمایند . در صورتیکه داینین پرداخت حق الزحمه را مطابق این ماده تایید ننمایند ، متولی میتواند به محکمه تجارتی عارض و تایید پرداخت را مطالبه نماید .

حق تقدم طلبات

ماده سی ونهم :

(1) پرداخت طلبات بر اساس پلان تصفیه از لحاظ حقوق تقدم به ترتیب ذیل صورت می گیرد:

- 1- طلبات تضمین شده .
 - 2- وجوه مالی حاصله بعد از آغاز رسیدگی قضیه افلاس تاحدودی که در فقره (4) ماده بیست و پنجم این قانون پیش بینی گردیده است .
 - 3- طلبات اداری مطابق حکم ماده سی و هفتم این قانون .
 - 4- طلبات مربوط به مزد کارکنان قبل از آغاز رسیدگی قضیه افلاس ، مشروط بر اینکه مقدار مجموع طلب از سه ماه مزد کارکن تجاوز ننماید .
 - 5- طلبات مربوط به مالیات قابل پرداخت مطابق احکام قانون که قبل از آغاز رسیدگی قضیه افلاس واجب الادا باشد .
 - 6- طلبات تضمین نشده .
 - 7- حقوق تاجر مفلس یا نماینده وی .
- (2) هرگاه پول حاصله از فروش اموال تحت جز توسط متولی جهت پرداخت کامل طلبات کافی نباشد ، پرداخت طلبات به ترتیب مندرج فقره (1) این ماده به تناسب وجوه موجود صورت میگیرد .

ثبیت و تثبیت طلبات

ماده چهلیم

(1) داین جهت مستحق شدن پرداخت در قضیه افلاس مکلف است ، طلب خود را مطابق احکام این ماده ثبت نماید.

- (2) طلبات در آدرس مندرج اطلاعیه آغاز رسیدگی قضیه افلاس نزد متولی ثبت میگردد .
- (3) طلبات به تاریخ مندرج اطلاعیه آغاز رسیدگی قضیه افلاس ثبت می گردد و میعاد آن چهل و پنج روزکاری بعد از ارسال اطلاعیه آغاز رسیدگی قضیه افلاس می باشد به استثنای طلبات مربوط به فسخ قرارداد که در میعاد مندرج ماده سی و سوم این قانون ثبت می گردد .
- (4) طلب به صورت تحریری و به شکل تجویز شده توسط متولی بوده و حاوی معلومات مندرج ضمیمه شماره (5) این قانون میباشد .
- (5) در ارزیابی و تثبیت طلبات موارد ذیل رعایت می گردد :
 - 1- متولی صحت ، اندازه و نوعیت طلبات تضمین شده ، تضمین ناشده و دارای حق تقدم ثبت شده راجهت تعیین استحقاق پرداخت بصورت کلی یا قسمی ارزیابی می نماید .
 - 2- ارزیابی طلبات در خلال نود روزکاری بعد از تاریخ نهایی ثبت طلبات یا تاریخ بعدی که از جانب محکمه تجارتي تعیین می گردد ، صورت می گیرد .
 - 3- متولی بعد از خاتمه ارزیابی ، در مورد تایید یا رد کلی یا قسمی طلب و معیار ارزیابی داین را طور کتبی مطلع می سازد . داین میتواند ، در خلال بیست روزکاری بعد از دریافت اطلاعیه ، اعتراض خویش را علیه نتیجه ارزیابی به محکمه تجارتي ارایه نماید .
 - 4- صحت و مبلغ طلب بر اساس قانون مربوط بر طلب تثبیت می گردد . وسایل که جهت دفاع در برابر صحت و مبلغ طلب برای تاجر مفلس مهیا بود، به متولی نیز مهیا می گردد . برای طلبات مشروط یا مورد منازعه با در نظر داشت کلیه حقایق مربوط مبلغ ثابت تعیین می گردد .
 - 5- متولی فهرست علنی طلباتی را که از بابت قضیه افلاس مستحق پرداخت ، تثبیت گردیده است تهیه و نگهداری نموده و آنرا در محکمه تجارتي ثبت می نماید . داینین میتوانند در خلال ده روزکاری بعد از دریافت خاتمه ارزیابی از جانب متولی ، اعتراض خود را علیه نتیجه ارزیابی به محکمه تجارتي ارایه نمایند .
 - (6) تاجر مفلس میتواند ، مبلغ طلب خود را در بدل مبلغ طلب داین مجرا نماید ، مشروط بر اینکه شرایط ذیل تکمیل گردد :
 - 1- معامله قبل از تاریخ آغاز رسیدگی قضیه افلاس عقد گردیده باشد .

2- تاجر مفلس و داین دارای دیون متقابل ، قروض متقابل یا سایر وجایب متقابل در برابر همدیگر باشند .

3- دین داین از درک معامله فوق الذکر باشد .

(7) هرگاه داین به دلیل عدم دریافت اطلاعیه مناسب موفق به ثبت طلب خویش نگردد میتواند در خلال یک سال بعد از تاریخ نهایی ثبت طلبات که از جانب متولی به اطلاع داینین رسانیده شده ، به محکمه تجارتی عارض و ثبت طلب خویش را مطالبه نماید . در اینصورت چنین پنداشته میشود که طلب در داخل میعاد ثبت گردیده است . در صورتی که محکمه تجارتی لازم داند ، داین مستحق دریافت پول از درک توزیع اموال با در نظر داشت اموال باقیمانده می گردد .

توزیع پول حاصله از فروش اموال تحت حجز ماده چهل و یکم .

(1) توزیع پول حاصله از درک مدیریت قضیه افلاس که در آن پلان تصفیه تایید گردیده ، مطابق احکام این ماده تنظیم می گردد . احکام این ماده بر قضایایی که در آن انعقاد قرارداد قسط تایید گردیده باشد ، تطبیق نمی گردد .

(2) پرداخت طلبات در ختم مدیریت قضیه افلاس صورت می گیرد . اما متولی میتواند در این مدت توزیع موقتی اموال را به طلبکاران پیشنهاد نماید .

(3) متولی قبل از توزیع اموال به داینین اطلاعیه ای را در مورد پیشنهاد توزیع اموال بشمول جزئیات اشخاص مستحق و مبالغ قابل تقسیم به محکمه تجارتی ارایه می نماید . نقل اطلاعیه به تاجر مفلس و داینین ارسال می گردد . هرگونه اعتراض علیه پیشنهاد توزیع اموال از جانب داین در خلال ده روز کاری بعد از تاریخ دریافت اطلاعیه مبنی بر پیشنهاد توزیع اموال صورت می گیرد . در صورت عدم اعتراض داینین در خلال میعاد متذکره ، پیشنهاد توزیع اموال ، تایید شده محسوب میگردد . در صورت درج اعتراض توسط داین ، متولی به محکمه تجارتی عارض و تصمیم محکمه مبنی بر تایید پیشنهاد توزیع اموال را مطالبه می نماید .

(4) هرگاه در جریان توزیع موقتی اموال ، طلباتی موجود باشد که هنوز مورد منازعه است یا مصارف مدیریت قضیه در آینده محتمل باشد ، متولی مبلغی را بعنوان ذخیره در اطلاعیه مبنی بر پیشنهاد توزیع اموال غرض پرداخت طلبات مذکور در آینده درج می نماید .

(5) هرگاه پیشنهاد توزیع اموال توسط داینین یا محکمه تجارتی تایید گردد ، طلبات براساس حق تقدم مطابق حکم ماده سی ونهم این قانون پرداخت می گردند . در صورتیکه وجوه مربوط غرض پرداخت کامل طلبات شامل صنف دارای حق تقدم کافی نباشد ، طلبات صنف متذکره به تناسب مبلغ هر طلب پرداخت می گردد.

فصل ششم

قرارداد قسط

ارزیابی قرارداد قسط توسط متولی

ماده چهل و دوم :

(1) متولی بعد از آغاز رسیدگی قضیه افلاس به اسرع وقت امور مالی و تجارتی تاجر مفلس را غرض تثبیت موجودیت احتمال منطقی انعقاد قرارداد قسط جهت ایجاد نتایج مطلوبتر نسبت به پلان تصفیه برای داینین ، تاجر مفلس و اشخاص ذیدخل ارزیابی مینماید . متولی در جریان ارزیابی باداینین ، تاجر مفلس و اشخاص ذیدخل طوریکه لازم بداند مشوره مینماید .

(2) متولی در خلال سی روزکاری بعد از جلسه مقدماتی داینین ، پیشنهاد خویش را مبنی بر انعقاد قرارداد قسط باتاجر مفلس به محکمه تجارتی ارایه می نماید .

(3) محکمه تجارتی در خلال پانزده روزکاری بعد از ارایه پیشنهاد از جانب متولی حکم خویش را در مورد انعقاد قرارداد قسط، صادر مینماید .

(4) هرگاه محکمه تجارتی به انعقاد قرارداد قسط حکم نماید ، متولی مکلف است ، موارد مندرج این قانون که مرتبط به تایید قرارداد قسط میباشد را تطبیق نماید . در صورت صدور حکم محکمه تجارتی مبنی بر عدم انعقاد قرارداد قسط ، متولی پلان تصفیه را مطابق حکم ماده بیست و ششم این قانون ارایه می نماید .

ترتیب قرارداد قسط

ماده چهل و سوم :

(1) هرگاه محکمه تجارتی به انعقاد قرارداد قسط حکم نماید ، متولی قرارداد قسط را که حاوی شرایط ذیل باشد ، ترتیب مینماید :

1- در شرایط موجود باعث حصول بیشترین مبلغ گردد .

- 2- نتایج متوقعه از قرارداد منطقاً قابل حصول بوده و طور واقعینانه طرح گردیده باشد .
- 3- عدالت و حقوق داینین و اشخاص ذیدخل تأمین گردد .
- 4- منافع داینین ، شخص ثالث و سایر اشخاص ذیدخل را با در نظر داشت حق تقدم مطابق حکم ماده سی و نهم این قانون رعایت گردد .
- 5- احکام این قانون رعایت گردد .
- (2) متولی در مورد شرایط مندرج قرارداد قسط با داینین ، تاجر مفلس و اشخاص ذیدخل طوریکه لازم بداند مشوره مینماید .
- (3) قرارداد قسط میتواند ، مطابق قانون دربرگیرنده شرایط در مورد رسیدگی به طلب داینین و اموال تحت حبزبشمول موارد ذیل باشد :
- 1- تعدیل شرایط بازپرداخت طلب تضمین شده و تضمین ناشده داینین .
- 2- رفع دیون .
- 3- ارایه دیون جدید به داینین تاجر مفلس یا انتقال مالکیت دارایی تاجر مفلس به داینین در بدل طلبات موجود داینین و خاتمه مالکیت کلی یا قسمی تاجر مفلس بر دارایی مذکور .
- 4- ابقای مالکیت کلی یا قسمی شخص مفلس بر اموال تحت حبز .
- 5- فروش کلی یا قسمی اموال تحت حبزو استفاده عواید حاصله از فروش مذکور جهت پرداخت دیون داینین یا سرمایه گذاری در تجارت تاجر مفلس .
- 6- سرمایه گذاری نقدی یا بصورت اعطا دارایی از جانب یک یا بیشتر از یک شخص در تجارت تاجر مفلس ، مشروط بر ارایه دیون جدید یا انتقال مالکیت دارایی تاجر مفلس در بدل سرمایه گذاری مذکور و استفاده از عواید حاصله از این سرمایه گذاری جهت پرداخت طلب داینین یا سرمایه گذاری بیشتر در تجارت تاجر مفلس .
- 7- اجرای سایر معاملات مطابق احکام قانون .

قرارداد قسط قبل از آغاز قضیه افلاس

ماده چهل و چهارم :

- (1) هرگاه شخص مفلس پیشنهاد انعقاد قرارداد قسط را قبل از آغاز قضیه به داینین ارایه نموده باشد، ارزیابی مندرج ماده چهل و دوم این قانون از جانب متولی شامل ارزیابی پیشنهاد مذکور نیز می گردد .

(2) هرگاه متولی تشخیص دهد که تاییدی پیشنهاد تاجر مفلس به منفعت داینین و اشخاص ذیدخل میباشد ، متولی غرض تایید متن پیشنهادی تاجر مفلس در مورد قرارداد قسط با تعدیلات که متولی در حدود احکام این قانون آنرا لازم می داند ، اقدامات مقتضی را اتخاذ می نماید .

محتویات قرارداد قسط

ماده چهل و پنجم :

(1) متولی متن قرارداد قسط را حد اکثر در خلال (90) روز کاری بعد از صدور حکم محکمه تجارتی مبنی بر انعقاد قرارداد قسط ثبت می نماید، مگر اینکه از جانب محکمه تجارتی تمدید گردد .

(2) متن پیشنهادی قرارداد قسط حاوی موارد ذیل میباشد :

1- فهرست تمام طلبات تضمین شده با تفکیک نوعیت و ارزش مال مرهونه و شرایط بازپرداخت طلبات .

2- مبلغ قابل پرداخت و شرایط بازپرداخت طلب تضمین نشده .

3- پیشنهاد برای شروع، تداوم و اتخاذ اقدامات در موارد مندرج مواد بیست و نهم ، سی ام ، سی و دوم ، سی و سوم و سی و چهارم این قانون .

4- معلومات در مورد اهداف و اهلیت تاجر مفلس جهت اجرای قرارداد قسط غرض قادر ساختن داینین به تصمیم گیری در مورد انعقاد قرارداد قسط .

(3) قرارداد قسط در برگیرنده محدوده زمانی جهت اجرای قرارداد متذکره میباشد ، محدوده زمانی بعد از تاریخ تایید آن از جانب محکمه تجارتی بیش تر از پنج سال نمیباشد ، محکمه تجارتی میتواند، مدت اجرای قرارداد را برای سه سال دیگر تمدید نماید .

طلبات تضمین شده تحت قرارداد قسط

ماده چهل و ششم :

(1) قبل از تایید قرارداد قسط از جانب محکمه تجارتی که بر طلبات تضمین شده مؤثر میباشد ، صاحب طلب تضمین شده در مورد انعقاد قرارداد قسط رای موافق بدهد ، مگر اینکه محکمه تجارتی تشخیص دهد که صاحب طلب تضمین شده غرض تایید قرارداد قسط مستحق رای نمی باشد .

(2) هرگاه محکمه تجارتی تشخیص دهد که شرایط ذیل تکمیل گردیده است ، صاحب طلب تضمین شده مستحق حق رای نمی باشد :

1- صاحب طلب تضمین شده حق حبس خویش را بر مال مرهونه حفظ می نماید .

2- پرداخت دین صاحب طلب تضمین شده طبق شرایط مشابه با شرایط مندرج در قرارداد اصلی منعقد میانه داین و تاجر مفلس صورت می گیرد .

شرایط تایید قرارداد قسط

ماده چهل و هفتم :

(1) متولی جلسه داینین را غرض تایید متن پیشنهادی قرارداد قسط در خلال سی روز کاری بعد از ثبت آن دایر می نماید اطلاعیه تدویر جلسه حد اقل بیست روز کاری قبل از تدویر جلسه به تاجر مفلس وداینین ارایه می گردد .

(2) داینین متن پیشنهادی قرارداد قسط را در صورتی که هریکی از داینین دارای طلب تضمین شده که مستحق حق رای می باشند و در مورد پرداخت طلبات تضمین شده رای مثبت دهند ، تایید می نمایند .

(3) تایید قرارداد قسط از جانب داینین دارای طلب تضمین نشده به اشکال ذیل صورت می گیرد:

1- کسب شصت و شش فیصد آرای داینین با در نظر داشت ارزش دیون آنها (اکثریت مبلغی) .

2- کسب آرای اکثریت داینین شخصاً یا از طریق نماینده آنها .

(4) به منظور تطبیق احکام مندرج فقره های (1، 2 و 3) این ماده صاحب طلب و مبلغ طلب با در نظر داشت فهرست ارایه شده مطابق حکم ماده دهم این قانون از جانب تاجر مفلس ، تعیین می نماید ، مگر اینکه متولی اعتراض خویش را علیه طلب به محکمه تجارتی ارایه نماید .

(5) محکمه تجارتی متن پیشنهادی قرارداد قسط را با تکمیل شرایط ذیل تایید می نماید :

1- شرایط مندرج فقره (1) ماده چهل و سوم این قانون را دارا باشد .

2- نسبت به پلان تصفیه نتایج مطلوبتر را به داینین ، تاجر مفلس وسایر اشخاص ذیدخل به بار آورد .

3- داینین به انعقاد قرارداد قسط مطابق احکام این ماده رای مثبت بدهند .

4- تاجر مفلس تعهد کتبی خود را مبنی بر اجرای شرایط وضع شده از جانب محکمه تجارتی در قرارداد قسط ارایه شده نزد محکمه تجارتی ثبت نماید .

5- محکمه تجارتی تشخیص دهد که تاجر مفلس اهلیت لازم را غرض اجرای کامل وجایب مندرج قرارداد قسط دارا بوده و قرارداد قسط با حسن نیت پیشنهاد و احکام این قانون در آن رعایت گردیده است .

آثار تایید یا رد قرارداد قسط

ماده چهل و هشتم :

(1) تایید قرارداد قسط دارای آثار ذیل میباشد :

1- قرارداد قسط بر تمام اشخاص که اطلاعیه را دریافت و فرصت رای دهی برای آنها میسر بوده ، لازم الاجرا میباشد ، اگرچه این اشخاص علیه انعقاد قرارداد قسط رای داده باشند یا اعتراض خود را ثبت نموده باشند .

2- تایید قرارداد قسط مسئولیت تاجر مفلس را در برابر طلبات رفع می نماید ، مگر اینکه در قرارداد قسط طوری دیگری تصریح گردیده باشد .

(2) هرگاه قرارداد قسط رد گردد، محکمه تجارتی تصمیم اتخاذ می نماید که تلاش برای انعقاد قرارداد قسط ادامه یابد یا به متولی هدایت میدهد تا پلان تصفیه را ثبت نماید .

(3) محکمه تجارتی در اتخاذ تصمیم مندرج فقره (2) این ماده دلایل رد قرارداد قسط ، پیشنهاد متولی و منافع داینین ، تاجر مفلس و سایر اشخاص ذیدخل را در نظر می گیرد . در صورتیکه محکمه تجارتی تصمیم اتخاذ نماید که تلاش مبنی بر انعقاد قرارداد قسط ادامه یابد، میعاد مناسبی راجهت ثبت متن تعدیل شده قرارداد قسط توأم با شرایطی که از جانب آن محکمه مناسب تشخیص می گردد ، تعیین می نماید .

نظارت متولی بر اجرای قرارداد قسط توسط تاجر مفلس

ماده چهل و نهم :

(1) متولی مکلف است ، بعد از تایید قرارداد قسط ، از اجراءات تاجر مفلس نظارت نموده و به محکمه تجارتی از رعایت مواد قرارداد توسط تاجر مفلس ، در هر ربع یا وقت کمتر ، طبق هدایت محکمه تجارتی ، گزارش دهد .

(2) متولی بعد از ادای وجایب مندرج قرارداد قسط توسط تاجر مفلس از تکمیل مسئولیت های تاجر مفلس نزد محکمه تجارتی تصدیق می نماید . تمام داینین از تصدیق مذکور ذریعه ارسال اطلاعیه مطلع گردیده و حق دارند تا اعتراض خود را بر تصدیق مذکور در خلال بیست روز کاری به محکمه تجارتی ارایه نمایند . در صورت عدم موجودیت اعتراض بر تصدیق مذکور ، این تصدیق نهایی محسوب می گردد و در صورت موجودیت اعتراض بر تصدیق مذکور ، محکمه تجارتی ، در خلال ده روز کاری تصمیم خویش را مبنی بر صحت ادای وجایب مندرج قرارداد قسط توسط تاجر مفلس صادر می نماید .

(3) مسئولیت تاجر مفلس تحت پروسه افلاس با نهایی شدن تصدیق ادای وجایب مندرج قرارداد قسط توسط تاجر مفلس ، خاتمه می یابد .

فصل هفتم ختم قضیه و اعتراضات

حسابات نهایی

ماده پنجاهم :

(1) متولی بعد از ختم مدیریت قضیه افلاس که شامل حل و فصل تمام منازعات مربوط به طلبات و اموال تحت حجز ، واگذاری اموال ، پول جمع آوری شده از درک معاملات تابع بطلان و فروش و ترک اموال تحت حجز می گردد ، گزارش حسابات نهایی را غرض ثبت در دفتر رسمی ثبت قضایای افلاس به محکمه تجارتی ارایه می نماید .

(2) گزارش حسابات نهایی بر علاوه معلوماتی که محکمه تجارتی لازم داند شامل معلومات ذیل نیز می گردد :

1- فهرست تمام اموال تحت حجز در زمان آغاز رسیدگی قضیه افلاس .

2- فهرست تمام اموال تحت حجز که در جریان مدیریت قضیه افلاس و بعد از آغاز رسیدگی قضیه افلاس حصول گردیده اند .

3- فهرست تمام فروشات اموال تحت حجز که شامل عواید حاصله از فروش اموال مذکور نیز می گردد .

4- فهرست تمام پرداخت های صورت گرفته در جریان مدیریت قضیه افلاس که شامل طرف دریافت کننده پرداخت ، مبلغ پرداخت شده ، تاریخ و هدف پرداخت نیز می گردد .

(3) حسابات نهایی غرض بررسی تاجر مفلس داینین در دفتر رسمی ثبت قضایای افلاس قابل دسترس میباشد .

(4) متولی جلسه نهایی داینین را غرض تایید حسابات نهایی دایر می نماید . اطلاعیه تدویر جلسه بیست روزکاری قبل از تدویر جلسه ارایه می گردد . داینین بعد از استماع اظهارات طرفین ذیدخل در قضیه ، غرض تایید کلی یا قسمی حسابات نهایی رای دهی را آغاز یا به متولی هدایت می دهند تا حسابات نهایی را مجدداً ثبت نماید .

(5) بعد از تایید حسابات نهایی ، قضیه افلاس خاتمه یافته و متولی به استثنای حالت مندرج ماده پنجاه و یکم این قانون مسئولیتی در رابطه به قضیه افلاس ندارد . رفع مسئولیت متولی در رابطه به قضیه افلاس مسئولیت وی را در برابر تخلفات مندرج فقره (1) ماده هشتم این قانون متاثر نمی سازد .

اعاده حیثیت و انحلال

ماده پنجاه و یکم :

(1) متولی در خلال پنج روزکاری بعد از تایید حسابات نهایی مطابق حکم ماده پنجاهم این قانون ، موارد ذیل را به محکمه تجارتی ارایه می نماید .

1- رویداد جلسه نهایی داینین که مطابق حکم فقره (4) ماده پنجاهم این قانون دایر گردیده است .

2- در صورتیکه تاجر مفلس شخص حکمی باشد ، سند انحلال شرکت که شکل آن از طرف دفتر ثبت مرکزی تعیین می گردد .

(2) محکمه تجارتی با انقضای میعاد اعتراضات مندرج ماده پنجاه و دوم و سپری شدن سی روزکاری از ارایه اسناد مندرج فقره (1) این ماده موارد ذیل را انجام میدهد :

1- در صورتیکه تاجر مفلس شخص حکمی باشد ، سند انحلال را تصدیق و به دفتر ثبت مرکزی ارسال مینماید .

2- در صورتیکه تاجر مفلس شخص حقیقی باشد به اعاده حیثیت تاجر مفلس حکم صادر می نماید .

(3) در صورتیکه تاجر مفلس شخص حکمی باشد با ثبت انحلال آن در دفتر ثبت مرکزی، منحل می گردد.

اعتراضات به محکمه

ماده پنجاه و دوم :

- (1) تصامیم اتخاذ شده متولی قابل اعتراض در محکمه تجارتی میباشد.
- (2) اعتراضات در خلال پانزده روزکاری از تاریخ صدور تصمیم از جانب متولی به محکمه ارایه می گردد.
- (3) ثبت اعتراض باعث تعلیق مدیریت قضیه افلاس و انفاذ تصمیم متولی نمی گردد، مگر اینکه صراحتاً توسط محکمه تجارتی حکم گردیده باشد.
- (4) محکمه تجارتی قبل از تعلیق کلی یا قسمی تطبیق تصمیم متولی، طی جلسه قضایی با حضور تمام طرفین ذیدخل در قضیه و استماع اظهارات آنها، تشخیص می دهد که شرایط ذیل تکمیل گردیده است :
 - 1- عارض ثابت نموده که اعتراض وی ایجاب رسیدگی رami نماید.
 - 2- عارض ثابت نموده که در صورت عدم تعلیق تطبیق تصمیم متولی، متحمل خسارات جبران ناپذیری گردد.
 - 3- عارض تضمین کافی را غرض جبران خسارات احتمالی تعلیق بر متولی، داینین و سایر طرفین ذیدخل با در نظر داشت تمام جوانب قضیه بشمول مدت دوام تعلیق به محکمه تجارتی ارائه نموده است.
 - 4- تعلیق در راستای منافع عمومی می باشد.

جرایم مربوط به افلاس

ماده پنجاه و سوم :

مرتکبین جرایم مربوط افلاس مطابق احکام قانون جزاء مجازات می گردند.

عدم تطبیق قانون تعرفه محصول دولتی

ماده پنجاه و چهارم:

احکام تعرفه محصول دولتی در محاکم جمهوری افغانستان منتشره جریده رسمی شماره (710) سال 1368 و تعدیلات آن بر قضایای مندرج این قانون تطبیق نمی گردد .

انفاذ

ماده پنجاه و پنجم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد. با انفاذ آن اصولنامه افلاس و ورشکست مورخ 15 قوس 1321 ملغی می شود .

ضمیمه شماره (1) قانون افلاس

محتویات درخواست

درخواست افلاس که مطابق احکام این قانون ارایه می گردد، بر علاوه معلومات مندرج اصول محاکمات تجارتی شامل موارد آتی نیز می گردد:

1- اسم ، محل سکونت فعلی ، شماره تلیفون و نشانی پست الکترونیکی (ایمیل) تاجر مفلس .

2- در صورت امکان ، تمامی عناوینی که تاجر مفلس در خلال دوسال اخیر استفاده نموده است .

3- معلومات عمومی در مورد نوعیت تجارت تاجر مفلس و در صورت امکان درج تمامی محلاتی که تاجر مفلس در آن تجارت نموده است .

4- معلومات در مورد اینکه تاجر مفلس شرایط مندرج ماده چهارم این قانون را تکمیل می نماید. این معلومات شامل موارد ذیل می گردد:

- در صورتی که درخواست افلاس ارادی باشد ، صورت حسابهای مالی تاجر مفلس که شامل دارایی و دیون وی در زمان تقدیم درخواست می باشد .

- در صورتیکه درخواست افلاس غیر ارادی باشد، اسناد مربوط به دیون پرداخت نشده .

5- اسم ، کار فرما و محل سکونت فعلی شخصی که به عنوان متولی نامزد گردیده است .

6- معلومات در مورد روش های تماس گیری با شخصی که به عنوان متولی نامزد گردیده توأم با معلومات در مورد اهلیت و تجربه وی .

7- در صورتی که افلاس طور داوطلبانه ثبت گردیده باشد، اظهاریه مبنی بر اینکه تاجر مفلس خواهان انعقاد قرارداد قسط می باشد و یا خیر در صورت موجودیت چنین درخواست معلومات مختصر در مورد چگونگی احیای مجدد تجارت نیز در عریضه درج می شود.

ضمیمه شماره (2) قانون افلاس

محتویات اطلاعیه آغاز رسیدگی قضیه افلاس

(اطلاعیه آغاز رسیدگی قضیه افلاس که مطابق ماده بیستم این قانون از جانب متولی نشر می گردد، شامل موارد آتی می باشد :

1- اسم، و محل سکونت فعلی، تاجر مفلس توام با تمامی عناوینی که تاجر مفلس در خلال دو سال اخیر استفاده نموده است (در صورتی که متولی از چنین عناوین مطلع باشد)

2- شماره دوسیه ای که از طرف محکمه تجارتی برای قضیه تعیین گردیده است

3- اسم محل سکونت فعلی شماره تیلیفون و نشانی پست الکترونیکی (ایمیل) متولی

4- اطلاعیه آغاز رسیدگی قضیه افلاس که مطابق حکم فقره "2" ماده بیستم این قانون از جانب متولی به داینین ارسال می گردد بر علاوه موارد مندرج فقره "1" این ماده شامل موارد آتی می باشد .

4- زمان تاریخ و محل برگزاری جلسه مقدماتی داینین.

5- تاریخی که تمامی داینین باید طلبات خویش را ثبت نمایند توام با محل ثبت طلبات مذکور.

ضمیمه شماره (3) قانون افلاس

آجندای جلسه داینین

آجندای که توسط متولی تهیه و به داینین و شخص متولی در جلسه مقدماتی داینین که مطابق ماده بیست و یکم این قانون تدویر گردیده توزیع می گردد شامل اما نه محدود به موارد آتی می باشد :

1- استجواب تاجر مفلس در مورد اجراءات، اموال و دیون تاجر مفلس و سایر مسائل مربوط به امور مالی وی .

2- بحث در مورد چگونگی ادامه تجارت الی تصمیم نهایی در مورد پلان تصفیه و یا انعقاد قرارداد قسط.

- 3- تشخیص بهترین روش جهت پرداخت طلبات داینین به شمول فروش تجارت بصورت عمده و یا به اجزا .
- 4- ارزیابی لزوم تعیین قیمت اموال تحت حجز.
- 5- ارزیابی پیشنهادات تاجر مفلس یا متولی درمورد ادامه فعالیت تجارت تحت قرارداد قسط.
- 6- ارزیابی اموالی که تاجر مفلس خواهان معافیت آن گردیده و اتخاذ تصمیم درمورد درج اعتراض بر علیه معافیت مذکور تحت ماده بیست و هشتم این قانون.

ضمیمه شماره (4) قانون افلاس

محتویات اطلاعیه فروش

- اطلاعیه فروش که مطابق حکم ماده سی و چهارم این قانون از جانب متولی به تمامی داینین ارسال می گردد شامل موارد آتی می باشد:
- 1- زمان ، تاریخ و محل برگزاری جلسه داینین غرض تصمیم گیری درمورد فروش اموال.
 - 2- زمان ،تاریخ و محل پیشنهادی متولی جهت فروش اموال.
 - 3- جزییات اموال قابل فروش .
 - 4- ارزش تخمینی اموال و منبع تخمین مذکور .
 - 5- قیمت قابل پرداخت .
 - 6- مصارف احتمالی فروش اموال به شمول حق الزحمه قابل پرداخت به دلال.

ضمیمه شماره (5) قانون افلاس

محتویات طلب

- طلباتی که مطابق حکم ماده چهلیم این قانون از جانب داینین ثبت می گردد شامل موارد آتی می باشد:
- 1- اسم داین و شخصیکه فورمه طلب را امضا می نماید ،محل سکونت فعلی داین و در صورت امکان ،شماره های تلیفون و نشانی های پست الکترونیک داین و شخصیکه فورمه طلب را امضا نموده است .
 - 2- مبلغ و مبنای طلب و جزییات اموالی که به عنوان مال مرهونه درج گردیده اند .

- 3- در صورتی که طلب تضمین شده باشد، مدعی اسناد کافی را جهت اثبات صحت و نافذ بودن تضمین ارائه شده مطابق احکام قانون در طلب خویش نماید.
- 4- در صورتی که طلب مربوط پرداخت مزد کارکنان گردد مدعی میعاد که در آن مزد پرداخت نگردیده و اندازه مزد پرداخت نشده را درج طلب خویش نماید.
- 5- در صورت امکان، سایر اسناد مرتبط جهت اثبات صحت طلب با آن ضم می‌گردد.

از متحدالمالهای ستره محکمه

متحدالمال شماره (1756-1683)

دارالانشاء مؤرخ 1396/11/30

ریاست محترم تدقیق و مطالعات بتأسی از هدایت مقام محترم ستره محکمه، طرح رهنمود توضیحی پیرامون تطبیق کود جزاً در قضایای جزائی را، با توجه به قاعده اصل عدم رجعت قانون به ماقبل و رعایت نفع متهم با در نظر داشت زمان ارتکاب جرم، بشرح ذیل غرض غور شورایی عالی تقدیم نموده است:

((از لحاظ حقوقی و قانونی خصوصاً در عمل، با توجه به زمان ارتکاب جرم، قانون حاکم در زمان ارتکاب جرم، موضوع نفع متهم و حالات مصرحه در قانون جدید، محاکم بعد از انفاذ کود جزاً در رسیدگی به قضایای تحت کار شان به یک سلسله حالات مواجه خواهند شد، بمنظور تطبیق یکسان قوانین و ایجاد رویه واحد و تأمین بهتر عدالت با توجه به ماده (۱۷) کود جزاً نکات زیر را در رسیدگی قضایای جزائی ملاک عمل قرار خواهند داد.

۱. رسیدگی به جرایم که قبل از انفاذ کود جزا و در زمان نافذ بودن قوانین جزائی قبلی ارتکاب یافته اند توسط قوانین جزایی قبلی صورت میگیرد، مشروط به اینکه احکام قوانین قبلی که در زمان ارتکاب جرم، نافذ بوده به نفع متهم باشد.

۲. اگر در جریان مراحل محاکماتی و قبل از صدور حکم قطعی، قانون جدید نافذ گردد، این نکته مطرح نظر باشد که احکام قوانین سابق به حال متهم مساعد است یا حکم قانون جدید، محاکم با در نظر داشت آن اجراءات نمایند، چنانچه فقره (۱) ماده (۱۷) کود جزا چنین صراحت دارد: مرتکب جرم به موجب قانونی مجازات میگردد که قبل از ارتکاب جرم نافذ شده باشد مگر اینکه قبل از صدور حکم قطعی قانون جدیدی وضع گردد که به نفع متهم باشد.

مطابق فقره (۲) ماده (۱۷) کود جزا حالات ذیل به نفع متهم است:

۱. حد اقل مجازات را کمتر ساخته باشد.
۲. با حفظ حد اقل، حد اکثر مجازات را کمتر ساخته باشد.
۳. مجازات به درجه پائین تر تنزیل یافته باشد.
۴. حالات مخففه را بیشتر ساخته باشد.
۵. حالات مشدده را کمتر ساخته باشد.
۶. سایر مواردی که در قانون جدید به نفع متهم توجیه گردد.

3- به صورت عمومی در صورتیکه محاکم تحتانی، مطابق قوانین جزائی قبلی حکم صادر نموده باشند.

در مواردیکه در مرحله ابتدائیه به قوانین نافذ سابق حکم صادر شده باشد، در مرحله استیناف قانون جدید نافذ شود، یا در مرحله ابتدائیه و استیناف مطابق قوانین نافذ سابق حکم صادر شده باشد و در مرحله غور فرجامی قانون جدید نافذ شود، در تمام این حالات (باتوجه به قانون نافذ و حاکم در زمان ارتکاب جرم و نفع متهم) به قانونی عمل میشود که در آن برای متهم نفع باشد، زیرا هدف از وضع قوانین جزائی تامین عدالت و مساعد بودن آن به حال و نفع متهم است.

4- در محاکم فوقانی (استیناف و فرجام) قضایایی که بعد از انفاذ کود جزا رسیدگی میشود. در مواردیکه محکمه ابتدائیه به قوانین نافذه قبلی حکم صادر نموده و موضوع در مرحله استیناف که برای محکمه ابتدائیه محکمه فوقانی است، تحت رسیدگی باشد، یا محکمه استیناف به قوانین نافذ قبلی حکم نموده است و قضیه در مرحله فرجامی قرار داشته باشد و مرحله فرجامی برای محکمه استیناف محکمه غور قانونی و فوقانی است، یا محکمه ابتدائیه و استیناف هر دو به قوانین نافذ سابق حکم نموده باشند و موضوع در مرحله غور فرجامی باشد در تمام حالات فوق اگر در محاکم فوقانی به تفصیلی که در فوق گذشت مطابق قوانین نافذ سابق، موضوع تحت رسیدگی قرار گیرد، حتماً موضوع زمان ارتکاب جرم، قانون نافذ در زمان ارتکاب جرم و نفع متهم در نظر گرفته شود اما اگر در مراحل فوقانی دوسیه منجر به نقض باشد و رسیدگی به آنها مطابق کود جزا صورت گیرد، محاکم با در نظرداشت نفع متهم، تعدیلاً حکم نمایند نه نقضاً.

5- به صورت عموم جرایمی که بعد از انفاذ کود جزا ارتکاب می یابند، مرتکبین آن مطابق احکام کود جزا محاکمه میشوند.

قابل ذکر است که با انفاذ کود جزا احکام قوانین جزائی مندرج ماده (۹۱۶) این قانون و سایر قوانین که با حکمی از احکام کود جزاء، در مغایرت قرار داشته باشد، ملغاً میگردد، محاکم به هدایت مندرج ماده (۹۱۶) توجه نمایند تا به قوانین ملغاً حکم صادر نگردد.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با اصل طرح متذکره در جلسه مورخ 1396/11/23 مقام محترم شورایعالی ستره محکمه مطرح و طی تصویب شماره (1383) هدایت ذیل صدور یافت.

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تائید است، جهت توحید مرافق قضائی و اجراءات یکسان به جمیع محاکم متحدالمال گردد.))
 هدایت فوق مقام محترم شورایعالی ستره محکمه بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط اخبار و طرح رهنمود توضیحی پیرامون تطبیق کود جزأ در قضایای جزائی نقلاً نگاشته شد، البته آنرا به مراجع ذیربط تعمیم نموده عندالموقع مطابق آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل میاورند.

طرز العمل

توزیع و استفاده از وسایط نقلیه

تصویب شماره 1448 مورخ 1396/12/1

هدف

ماده اول :

این طرز العمل به منظور تنظیم بهتر نحوه توزیع استفاده و حفاظت وسایط نقلیه مربوط ستره محکمه وضع گردیده است .

ساحه تطبیق

ماده دوم :

(1) احکام این طرز العمل به استثنای اعضای شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا بالای تمام منسوبین اداری و قضائی قوه قضائیه قابل تطبیق میباشد.

(2) احکام این طرز العمل در مورد وسایط زرهی و غیرزرهی ملکیت قوه قضائیه و کلیه وسایط مربوط قطعات محافظت قضات که در مربوطات قوه قضائیه از آن استفاده میگردد قابل تطبیق میباشد.

طرز توزیع

ماده سوم :

وسایط نقلیه مندرج این طرز العمل به اساس پیشنهاد ریاست های مرکزی ستره محکمه و روسای محاکم استیناف مرکز و ولایات از طریق آمریت عمومی اداری قوه قضائیه بعد از استیذان رئیس ستره محکمه توزیع میگردد .

موردتوزیع

ماده چهارم:

- ستره محکمه وسایط نقلیه راجهت حمل و نقل قضات و روسای ادارت مربوطه قرارذیل توزیع مینماید
- (1) برای آمریت عمومی اداری قوه قضائیه مطابق تشکیل و برای روسای ادارات مرکزی ستره محکمه یک یک عراده واسطه نقلیه .
 - (2) برای مستشاران قضایی یک یک عراده واسطه نقلیه .
 - (3) برای اعضای مسلکی ادارات مرکزی واسطه نقلیه .
 - (4) برای روسای محاکم استیناف روسای محاکم شهری و روسای محاکم اختصاصی مرکز یک یک عراده وسایط نقلیه .
 - (5) به سایر اشخاص حسب ضرورت مبرم توسط آمریت عمومی اداری قوه قضائیه بعد از استیذان رئیس ستره محکمه .

ساحه و حدود استفاده

ماده پنجم :

- (1) وسایط نقلیه مندرج این طرز العمل بمنظور اجرای امور رسمی حمل و نقل کارمندان و انتقال مواد مورد ضرورت ادارات ستره محکمه مورد استفاده قرار میگیرد .
- (2) استفاده از وسایط نقلیه مربوطه ادارات ستره محکمه بغرض اجرای امور شخصی ممنوع میباشد .
- (3) شخص متخلف علاوه بر جبران خساره مستوجب مجازات قانونی نیز پنداشته میشود .
- (4) وسایط نقلیه مربوط قوه قضائیه خارج از وقت رسمی مورد استفاده قرار گرفته نمیتواند مگر اینکه ضرورت ادارات مربوطه خارج از وقت رسمی مطابق پلان کار ایجاب نماید .

منع استفاده

ماده ششم:

- (1)- منسوبین قضائی و اداری مندرج ماده چهارم این طرز العمل نمیتوانند بیشتر از یک واسطه نقلیه داشته باشند مگر طبق تشکیل .
- (2)- منسوبین ستره محکمه اعم از قضات و کارمندان اداری با وجود داشتن جواز (لایسنس) نمی توانند وسایط نقلیه مندرج ماده (3) این طرز العمل را خود رانندگی نمایند کنترل و چک نمودن هیئت فنی از این امر مستثنی میباشد .

مکلفیت اداره ترانسپورت

ماده هفتم :

- وسایط نقلیه مندرج ماده (3) این طرز العمل بر طبق مشخصات تخنیکی کمپنی تولید کننده حفاظت گردیده اداره ترانسپورت مکلف است واسطه نقلیه را عند الاقتضا ترمیم و بصورت دوام دار فعال نگهدارد.
- 2- ترمیم و تهیه روغنیات و وسایط نقلیه مربوط قطعه محافظت قضات که در مربوطات قوه قضائیه مورد استفاده قرار میگیرد از حکم فقره (1) این ماده مستثنی میباشد.
- 3- وسایط نقلیه مندرج ماده سوم این طرز العمل بعد از کار شبانه و در ایام تعطیل در مقر پارکینگ ستره محکمه و یا پارکینگ کمپلکس های مربوط قوه قضائیه و در ولایات در داخل محوطه محکمه که امنیت آن تامین شده باشد نگهداری میشود متخلف مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد.
- 4- اداره ترانسپورت مکلف است بادر نظر داشت اوضاع جوی و وسایط نقلیه را عیار و وسایط مذکور را از برف، باران و امثال آن نگهداری و از پاکی و نظافت آن مراقبت نمایند.
- 5 اداره ترانسپورت مکلف است راننده مربوط را به رعایت جدی مقررات ترافیکی متوجه سازد .

مکلفیت راننده گان

ماده هشتم:

- (1)- راننده گان وسایط نقلیه مکلف به نگهداری، تنظیم سرویس تخنیکی و اخذ مواد سوخت کافی بوده و حسب ضرورت از عوارض تخنیکی وسایط مذکور عندالموقع به اداره ترانسپورت اطلاع دهند.

(۲) راننده گان وسایط نمی توانند از وسایطی که موظف به راننده گی آن گردیده اند در امور شخصی خود استفاده نمایند .

تعمیل مفاد این طرز العمل

ماده نهم :

اداره ترانسپوت، استفاده کننده گان و راننده گان وسایط نقلیه موظف، مکلف اند احکام این طرز عمل را تعمیم نمایند.

انفاذ

ماده دهم :

دوکتور عبدالله عطائی

پیوست به گذشته

قانون جزای بین المللی

مقایسه میان اساسنامه محکمه رواندا و محکمه یوگسلاوی سابق:

در مقایسه کوتاهی ویژگیهای هر یک از محکمه های رواندا و یوگسلاوی سابق در زمینه های ذیل روشن می شود:

الف : وجوه اختلاف:

- 1- اساسنامه : برخلاف اساسنامه محکمه یوگسلاوی که بنا به درخواست شورای امنیت در قطعنامه شماره 1993/808 توسط دبیرکل سازمان ملل متحد تهیه گردیده، و عیناً مورد قبول شورای امنیت واقع شد، اساسنامه محکمه رواندا رأساً توسط شورای امنیت تهیه گشت.
- 2- کنوانسیون های "ژینو" : در اساسنامه محکمه یوگسلاوی سابق به نقض کنوانسیون های ژینو 1949، و تخلف از قوانین و اعراف جنگی که مرتبط به جنگهای بین المللی می باشد اشاره نموده اما در محکمه جزای رواندا به این جرائم اشاره نشده است زیرا جنگهای مسلحانه در رواندا ماهیت داخلی داشته اند.

3- ماده سوم مشترک قوانین ژینو: در اساسنامه محکمه رواندا به نقض ماده 3 مشترک کنوانسیونهای "ژینو" و پروتوکول دوم الحاقی نیز اشاره شده است، که مرتبط به نزاعهای داخلی می باشند، اما در اساسنامه محکمه یوگسلاوی سابق - با توجه به بین المللی بودن جنگ در بوسنی هیرزگووین مورد اشاره قرار نگرفته است با آنهم "کمیسین خبرگان" در مورد قابلیت ماده 3 مشترک و نیز پروتوکول دوم الحاقی " که به مخاصمات داخلی مربوط می شود" در مورد جنایتکاران یوگسلاوی اظهار داشت که " ماده 3 مشترک در حال حاضر بخشی از حقوق بین المللی عرفی شده، و برای دولت های که به کنوانسیون ژینو نپیوسته اند نیز الزام آور است ".

4- از لحاظ صلاحیت سرزمین:

مطابق ماده 7 اساسنامه محکمه رواندا صلاحیت محکمه به قلمرو کشور های همسایه در ارتباط با نقضی قوانین بشردوستانه از سوی اتباع رواندا تسری می یابد، در حالیکه صلاحیت محکمه یوگسلاوی سابق محدود به قلمرو یوگسلاوی سابق است زیرا بسیاری از متهمین به جرائم ضد بشری در رواندا در اثر جنگها به کشورهای همسایه "زائیر"، و اوگاندا در اردوگاه های پناهندگان زندگی میکردند، در حالیکه بسیاری متهمین کشتارگاه های یوگسلاوی سابق دریکی از جمهوریت های یوگسلاوی سابق به مناصب سیاسی، نظامی، ویا اداری گماشته شده بودند.

5- از لحاظ صلاحیت زمانی : در مورد محکمه یوگسلاوی سابق این صلاحیت به اعمال ارتکاب یافته پس از اول ژانویه 1991 تسری می یابد، بدون آنکه نقطه پایانی برای اعمال صلاحیت محکمه تعیین شده باشد . در حالیکه در مورد محکمه رواندا صلاحیت زمانی محکمه محدود به اول ژانویه 1994 الی 31 دسامبر 1994 است. و دلیل آنکه در اساسنامه محکمه رواندا صلاحیت محکمه به قبل از حادثه سقوط طیاره رئیس جمهور "6 اپریل 1994" تسری داده شد آن بود که طراحی و زمینه سازی های قبلی برای نسل کشی را نیز در برگیرد.

6- اجرای مجازاتها: در مورد اجرای مجازاتها اساسنامه رواندا "در ماده 26" تصریح کرده است که حکم حبس محکومان میتواند در رواندا یا در کشورهایی که تمایل خود را به پذیرش محکومان به شورای امنیت اعلام کرده باشند سپری شود برعکس اساسنامه یوگسلاوی سابق در مورد این که آیا اشخاص را میتوان در زندانهای یوگسلاوی سابق حبس کرد

ساکت است، اما در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد آمده است که حبس باید در خارج از این سرزمین سپری شود، زیرا بسیاری از حاکمان فعلی یوگسلاوی با جنایتکاران صرب از هر لحاظ احساس قرابت می کنند، و این امر می تواند بر چگونگی اجرای مجازات حبس علیه جنایتکاران صرب در این کشور اثر گذارد.

7- مقر محکمه : مقر محکمه یوگسلاوی سابق به موجب اساسنامه آن شهر "لاهای" می باشد، چرا که به گفته دبیرکل سازمان ملل متحد امکان تشکیل محکمه در یوگسلاوی سابق یا کشورهای همسایه وجود نداشت. اما در محکمه رواندا شورای امنیت به موجب قطعنامه شماره 977 فوریه 1995 در اثر گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد مقر محکمه را در شهر "آروشا" در جمهوری تانزانیا قرار داد.

به هر حال محکمه جزای بین المللی به جرم نسل کشی، جرائم علیه بشریت و موارد نقض ماده 3 مشترک در کنوانسیونهای "ژینو" و پروتوکول الحاقی دوم کنوانسیونها در مورد نزاعهای مسلحانه داخلی هستند می پردازد.

ب- وجوه اتفاق:

اساسنامه های محکمه های یوگسلاوی سابق - و رواندا در موارد ذیل با یکدیگر توافق دارند:

از نگاه اساسنامه : هر دو اساسنامه به جرائم علیه بشریت " ماده 3 اساسنامه محکمه رواندا " و نیز به جرم نسل کشی " ماده 2 اساسنامه محکمه رواندا " اشاره کرده اند.¹

زیرا رسیدگی به تجاوزات برخلاف ماده 3 توافقات چهارگانه ژینو 1949 و پروتوکول الحاقی دوم از اختصاص هر دو محکمه بوده است، زیرا دیدگاه اکثر فقهاء و عمل کرد قضائی " رویه های قضائی " بر آن است

¹ - در ماده 2 نظامهای اساسی محکمه رواندا آمده است : این محکمه مرتکبان جنایت گشتار دسته جمعی که به منظور از بین بردن - گروه های سیاسی، نژادی، یا مذهبی، و تجاوز بر سلامتی جسمی و یا روحی این گروه ها انجام می شود را محاکمه میکند و در ماده 3 آمده است این محکمه مرتکبان جرائم علیه بشریت که بر اساس اعتبارات سیاسی نژادی و یا مذهبی انجام شده شامل جرائم برده گیری، تبعید، بازداشت، تعذیب، سرقت در رواندا را محاکمه می کند.

که باید قضای بین المللی از تجاوزات بر حقوق بین المللی بشردوستانه در جنگهای مسلحانه بین المللی و داخلی رسیدگی کند.

1- منع اعمال مجازات مضاعف و اعدام: اساسنامه هر دو محکمه مقرراتی در مورد شناسائی صلاحیت محکمه های ملی در کنار محکمه بین المللی، و نیز منع اعمال مجازات مضاعف دارند در هر دو اساسنامه اعمال مجازات اعدام منع شده است این امر همانطور که دولت رواندا نیز اظهار داشته است، می تواند مشکل را باشد، زیرا مجرمان اصلی که در محکمه بین المللی رواند مورد محاکمه قرار میگیرند از مجازات اعدام فرار میکنند، ولی مجرمان دست دوم ممکن است پس از محاکمه شدن در دادگاه های داخلی رواند محکوم به مجازات اعدام گردند.

2- تعداد قضات : هر دو محکمه یازده قاضی دارند که پنج قاضی در محکمه تجدید نظر و شش قاضی در دو محکمه ابتدائی انجام وظیفه میکنند. قضات باید شرایط قضات دیوان بین المللی دادگستری را داشته باشند، آنان از سوی دولتهای عضو مجمع عمومی نامزد و از سوی شورای امنیت به مجمع معرفی می شوند و سپس مانند قضات دیوان بین المللی دادگستری با اکثریت مطلق آراء انتخاب می گردند.

3- ضرورت همکاری با محکمه : مطابق هر دو اساسنامه دولتها موظف به همکاری با محکمه بین المللی شده اند، به علاوه در قطعنامه ایجاد محکمه رواندا، کشورها موظف شده اند که دبیرکل را از اقداماتی که به موجب قانون داخلی خود در راستای اجرای مضامین قطعنامه و اساسنامه محکمه انجام داده اند مطلع سازند.¹

¹ - د: سعید سالم جویلی : تنفيذ القانون الدولي الانساني، مرجع سابق ص 192 و ما بعد آن .

- د: حسین میر محمد صادقی : حقوق جزای بین المللی، مرجع سابق ص 171 و ما بعد آن .

- دکتور مسعد عبدالرحمن زیدان : تدخل الامم المتحدة فی النزاعات، مرجع سابق ص 262.

- انتونیوکاسه سه : حقوق کیفری بین المللی، مرجع سابق ص 423.

- د: حسام احمد هنداوای : التدخل الدولي الانساني، دار النهضة العربية، القاهرة 1997 ص 150.

- د: علی رضا عبدالرحمن : مبدأ الاختصاص الداخلي، دار النهضة العربية، القاهرة 1997 ص 468.

سر انجام قضات محکمه رواندا در روزهای 24 و 25 می 1995 از سوی مجمع عمومی برای مدت چهار سال انتخاب شدند، این شش نفر از کشورهای سوئد، سنیگال، بنگلادش، روسیه، آفریقای جنوبی، و تانزانیا بودند. و خارنوال همان طور که قبلاً یاد آور شدیم آقای ریچارد جی گلدستون یعنی همان خارنوال محکمه یوگسلاوی سابق بود. پس از تشکیل و تعیین صلاحیتهای محکمه جزای رواندا رئیس محکمه در هفتمین گزارش سالیانه در ماه مارس 2002 نوشت محکمه 80 تن از دست اندرکاران جنایت در رواندا را رسماً متهم کرده که 60 تن آنان در زندان بوده، و 20 تن دیگر تاکنون از انتظار پنهان بوده و آزاد اند. بدین سان قاسم مشترک میان محکمه یوگسلاوی سابق، و رواندا همان مسئولیت جنائی فردی، عدم حصانت رؤسای کشورهای از مسئولیتهای جنائی بین المللی، و عدم تذرع زیر دستان و سربازان به صادر شدن اوامر به آنان، و عدم حکم به مجازات اعدام است.

11-2 ریشه کن کردن - کشتار دسته جمعی

وفق نص ماده "1/7/ب" از اساسنامه محکمه جزای بین المللی اعمال ریشه کن کردن دست کم با قتل بیش از یک تن و یا در آوردن قربانیان به حالتی که حتماً سبب هلاکت آنان گردد صورت میگیرد. چه جنایتکار برای رسیدن به این هدف از وسائل مختلف کشتار همانند اسلحه آتش را استفاده کرده، و چه هم غذا و یا آبهای نوشیدنی را مسموم کرده، و یا اینکه از دست رسی قربانیان به غذا و دارو ممانعت کند، البته محاصره شهروندان غیرنظامی، و جلوگیری از رسیدن غذا و دارو به آنان از جمله اعمال کشتار دسته جمعی به حساب می رود. در اینجا این نقطه گفتنی است که میان جنایت کشتار دسته جمعی به حسب مفهوم نص ماده "6" نظام محکمه جزای بین المللی به عنوان "نسل کشی" و میان کشتار دسته جمعی به عنوان یکی از عناصر مادی جنایت علیه بشریت وفق ماده "7" نظام محکمه جزای بین المللی، فرق واضحی ملاحظه نمی شود، امری که

د. عبدالله محمد صدیق : نظریة الاستنقاذ والتدخل - پایان نامه دکتوراه ما در " کلیة الشریعة و القانون بالازهر الشریف ص 285.

در وهله اول باید ذکر آن تکرار نمی شد، اما با دقت بیشتر فرق میان این جنایت از زاویه های مختلف روشن میشود.

فرق اول: کشتار دسته جمعی " وفق ماده "6" اساسنامه محکمه جزای بین المللی عبارت است از "جنایتی که هدف آن از بین بردن مجموعه ای معینی انسانی است که دارای ملیت، یا نژاد و یا هم مذهب معینی اند". و عملیات کشتار علیه آنان بنا به همین صفتها انجام میگردد. آنچنانکه علیه مسلمانان بوسنی هیرز وگوین - بدست نیروهای صرب - در یوگسلاوی سابق و درگیریهای مذهبی و دینی میان مسلمانان و هندوها، ویا در گریپها نژادی میان هندوها و دیگر نژادها در هندوستان صورت گرفت. اما جنایت " کشتار دسته جمعی" به عنوان نوعی از انواع جنایت های ضد بشری وفق ماده "7" اساسنامه محکمه جزای بین المللی عبارت است از کشتار دسته جمعی ای که علیه شهروندان غیرنظامی به شکل کلی یا جزئی انجام گرفته، و به عنوان حمله گسترده و منظم دولت، ویا از سوی سازمانهای دولتی ویا غیر دولتی صورت گیرد. که از آن جمله کشتارگاه های صربها علیه مسلمانان بوسنی، ویا اعمال قتل اسرائیل در شهرک قانا در جنوب لبنان در سال 1996 را نامبرد که این شهروندان غیرنظامی به مقر سازمان ملل متحد پناه برده، اما جنگنده های اسرائیل آن را بمباران کرده، بیش از 100 نفر را کشته و ده ها تن دیگر را مجروح کرده است.

فرق دوم: ماده "2" توافق نامه مبارزه با جنایت " کشتار دسته جمعی " سال 1948 از سوی سازمان ملل متحد اشکال این جنایت را حصرأ بر شمرده که عبارت است از :

- 1- قتل اعضای یک گروه انسانی
- 2- تجاوزات جسیم علیه این گروه از نگاه جسمی یا روحی
- 3- تضییق شرائط زندگی بر آنان بگونه ای که سبب هلاکت آنان باشد
- 4- منع توالد و تناسل آن گروه
- 5- انتقال دادن کودکان از گروهی به گروه دیگری.

این حالتها پنج گانه خود آن حالاتی است که در ماده "6" اساسنامه محکمه جزای بین المللی آمده است. و از آنکه توافق نامه مزبور جنایت "کشتار دسته جمعی" را جنایت مستقلی دانسته اغراض حدوث آن را اختلاف ملیت، نژاد، و یا مذهب تعیین کرده است، همانگونه ماده "6" اساسنامه محکمه جزای بین المللی نیز اختلافات مزبور را سبب و انگیزه

ارتکاب این جنایت دانسته است. از اینجا است که مضمون و دلالت و شروط جنایت "کشتار دسته جمعی" بر اساس توافق نامه سال 1948 و ماده "6" اساسنامه محکمه جزای بین المللی با مضمون دلالت و شروط جنایت "کشتار دسته جمعی" علیه شهروندان غیر نظامی و فق ماده "7" اساسنامه محکمه جزای بین المللی به عنوان نوعی از انواع- جنایت علیه بشریت فرق میکند. و با در نظر داشت این مطلب میتوان گفت که "کشتار دسته جمعی" به عنوان نوعی از انواع جنایت علیه بشریت با "کشتار دسته جمعی" بر اساس ماده "6" اساسنامه محکمه جزای بین المللی از نگاه اشکال، و عناصر مادی فرق نداشته، اختلاف آن با در نظر داشت ظروف و حالتهای ارتکاب "کشتار دسته جمعی" هویدا می شود، که ارتکاب این جنایت به عنوان جنایت مستقل ممکن است علیه هر مجموعه انسانی دارای او صاف- نژادی، ملیتی و یا مذهبی صورت گیرد که انگیزه حدوث جنایت علیه آنان همان داشتن نژاد، ملیت و یا مذهب آنان باشد، در حالیکه "کشتار دسته جمعی" به عنوان نوعی از انواع "جنایت علیه بشریت" ممکن است علیه هر مجموعه از شهروندان غیر نظامی صورت گیرد که حدوث آن ضمن حمله گسترده و منظم دولت و یا تبانی و تشویق آن از عمل کرد سازمانهای دولتی و یا غیر دولتی باشد. پس عمل جرمی "کشتار دسته جمعی" به عنوان فرعی از فروع "جنایت علیه بشریت" شرط نیست که هدف و انگیزه آن نژادی، دینی و یا قومی باشد، بلکه ممکن است کشتار دسته جمعی جزئی از سیاست کلی آن دولت شناخته شده باشد.¹

1- محکمه جزای بین المللی برای روندا عناصر این جرم را در چارچوب جنایت علیه بشریت چنین توصیف کرده است 1- متهم یا زیر دستان وی در قتل اشخاص معین یا مشخصی شرکت نموده باشد، 2- فعل یا ترک فعل غیر مشروع و عمدی باشد. 3- فعل یا ترک فعل مزبور باید بخشی از یک برنامه گسترده و منظم باشد. 4- غیر نظامیان هدف حملات باشند. و در حیثیات حکم محکمه جزای بین المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه "تادیچ" آمده است "... تبعیض بر ضد قربانیان بر مبنای سیاسی، یا اجتماعی، یا مذهبی از عناصر ضروری این جرم نیست". در همین دوسیه "پرونده" شعبه دیوان به این نتیجه رسیده است که متهم "تادیچ" از بابت جرم "کشتار دسته جمعی" ریشه کن کردن "مجرم می باشد؛ هر چند دلایلی موجود است که تعداد کمی از زنان و کودکان و پیروان در پوتو کاری "potocari" در

3-11 برده گیری - عبودیت -

ماده 1/7/ج نظام اساسی محکمه جزای بین المللی برده گیری را یکی از اشکال جنایت علیه بشریت میداند، بنابر اساسنامه دیوان کیفری بین المللی "I.C.C" که در این زمینه مفهوم نوپائی را بدست داده است به برده گی گرفتن را چنین تعریف میکند " اعمال هرگونه سلطه و اختیار در رابطه با حق مالکیت بریک انسان و سلب حق ملکیت به شکل کلی یا جزئی می باشد، از جمله اعمال چنان سلطه و اختیاری قاچاق انسانها بویژه زنان و کودکان است."

در ملحق اساسنامه محکمه جزای بین المللی ارکان این جنایت بگونه ذیل بیان شده است :

- 1- متهم سلطه گری را بریک شخص یا بیش از آن بر اساس مالکیت انجام داده، و اعمال خرید، و فروش، ویا عاریت دادن را بر آنان وارد کرده و آزادی آنان را سلب کند
- 2- این تصرفات به عنوان حمله گسترده و منظم علیه شهروندان غیر نظامی صورت گیرد.
- 3- متهم خود بداند که کار آن جزئی از حمله منظم و گسترده علیه این شهروندان است.

البه آنچه نسبت به رکن اول این جنایت " ... اعمال خرید و فروش، و عاریت " در حال حاضر چندان و جودی ندارد، آنچه از اشکال به برده

باریکه"سر بر پنیچا"Srebrenica" کشته شده اند، تقریباً تمامی کسانی که پس از سقوط سربرینیچا به قتل رسیده اند مسلمانان بوسنیائی در سن خدمت نظام" عسکری" بودند، نحوه انتخاب قربانیان در "پوتوکاری" گرد آوری آنان در مراکز باز داشت، انتقالشان به محل های اعدام، کشتار فرصت طلبانه افراد یک ستون نظامی در جاده "پراتوناچ" بلا فاصله پس از بازداشت ، بدون هیچ شک و شبهه ای نشان میدهد که همه مردان مسلمان بوسنیایی که درس عسکری" خدمت نظام" بودند باز داشت شده و یا بطرز دیگری بدست نیرو های صرب افتادند، بطور منظم اعدام شده اند لذا جرم ریشه کن کردن در سر برینیچا اتفاق افتاده است.

د - عبدالفتاح بیومی حجازی : المحکمة الجنائية الدولية، مرجع سابق ص 514 و مابعد آن

- آنتونیو کاسه سه : حقوق کیفری بین المللی، مرجع سابق ص 89.

- احمد عبدالحکیم عثمان : الجرائم الدولية، مرجع سابق ص 175.

گیری وجود دارد شاید هولناک تر و سخت تر از آن باشد، که عبارت است از برده گی گیری جنسی از راه مافیای جنایت های تنظیم یافته، و تجارت بانوان و کودکان، به خصوص در مناطق فقیر نشین، و یا مناطقی که از جنگهای داخلی رنج برده، و به قحط و خشک سالی و یا سیلابهای بزرگ مبتلا می شوند، زیرا آنگاه که بانوان و یا کودکان بدست این گروه ها افتادند رهائی یافتن از چنگال آنان امر بسیار دشواری بوده که در بسیاری از حالت ها به مرگ حتمی منجر می شود. در فقره 7/1/ز اساسنامه محکمه جزای بین المللی حاکم برده گیری معاصر را بیان کرده و جرائم – زورگیری جنسی، اکراه بر فعل فحشاء، حمل قسری، تعقیم قسری، بیگاری، و هر نوع تجارت بر زنان و کودکان را از اعمال برده گیری دانسته است.¹

در واقع قانونگذار بین المللی نظر به خطرناک بودن این نوع جنایت ها سعی کرده است آن را با بیش از یک نص قانونی مجازات کند، تا مجرم در جلو محکمه جزای بین المللی نتواند از طائله قانون برهد. از این جهت است که مشرع مسأله کشتار دسته جمعی را یک بار به حسب نص ماده 6 اساسنامه عقوبت کرده و بار دیگر آن را وفق ماده 1/7/ب به عنوان جنایت علیه بشریت عقوبت می کند. همچنان است جنایت برده گیری که یک بار به حسب ماده 7/1/ج محکمه جزای بین المللی مجازات گردیده، و بار دیگر در فقره 7/1/ز ضمن عملیات استعباد جنسی مجازات گردیده است، و این امر در واقع کارشایسته ای است که بیان گر تلاش قانونگذار بین المللی برای پیگیری کردن از این نوع جنایت ها به صرف نظر از وصف جرمی آن است. شعبه بدوی دیوان جزای بین المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه کونارچ عناصر این جنایت را واضح تر بیان می کند:

بر اساس این تعریف ویژگیهای به بردگی گرفتن عبارت است از سلطه و مالکیت، تضعیف یا اعمال کنترل بر استقلال یک فرد یا آزادی انتخاب، یا آزادی نقل مکان فرد، تهدید یا استعمال زور، خوف از خشونت، سوء استفاده از اختیارات، فشارهای روانی، بیگاری گرفتن، که البته طولانی

1- د. محمود شریف بسیونی : المحكمة الجنائية الدولية، مرجع سابق ص 214.

بودن مدت در این سلطه گریها شرط ممنوعیت مصادیق به برده گی گرفتن است.¹

4-11 جنایت اخراج یا کوچ اجباری جمعیت

فقره A6/1 ماده 7 نظام محکمه جزای بین المللی این امر را جنایت علیه بشریت دانسته و ارکان آن را چنین بیان کرده است :

¹ - شعبه بدوی محکمه جزای بین المللی برای یوگسلاوی سابق دوتن را به جرم " به بردگی گرفتن " مجرم شناخته و در حیثیات حکم آن آمده است " کونراچ - فرمانده یک دسته کشفی ارتش صرب بوسنی - متشکل از حدود پانزده تن - در سال 1992 به همراه سرباز دیگری به نام " DP6 " دو دختر جوان را به مدت شش ماه در یک خانه دور افتاده محبوس نموده و در این مدت بارها به آن دو تجاوز جنسی کردند، و اجازه هیچ گونه تصمیم گیری راجع به زندگی شان به آن دو ندادند. آن دو دختر مجبور بودند هرگونه فرمانی را اجابت کنند، به کارهای خانه رسیدگی نمایند و هیچگونه فرصتی برای فرار از آن خانه یا از دست دو فرد متجاوز نداشتند. بد رفتاریهای دیگری نیز نسبت به آن دو بعمل آمده بود. مثلاً کونراچ سرباز دیگری را به خانه آورده و در قبال دریافت 100 مارک آلمانی به او اجازه داد که در صورت تمایل به دو دختر تجاوز کند. با آن دو دختر بمثابه اموال شخصی کونراچ و " DP6 " رفتار می شد. " شعبه بدوی همچنین رأی داد که متهم دیگری بنام " کوواچ " نیز زنان زیادی را به برده گی کشیده است. وی در مواقع مختلف دختران را بازداشت و چند گاهی در آپارتمان خود نگه می داشت و به هتک ناموس، و تحقیر و ترذیل آنان دست می زد، او در تمامی موارد به ضرب و شتم و تهدید و آزار روانی دختران پرداخته و آنان را در وحشت دائم نگه میداشت. آنها امکان ترک آپارتمان را بدون همراهی " کوواچ " یا شخص دیگری از ساکنین آپارتمان نداشتند. هرگاه مردان در منزل نبودند دختران در داخل آپارتمان محبوس می شدند، و راهی برای خروج و جود نداشت. درب های آپارتمان فقط در زمان حضور مردان باز می شد. خطر بازداشت مجدد همواره در ذهنشان بود، در طول مدت حبس در آپارتمان کوواچ دختران وظیفه رسیدگی به کارهای خانه همانند پخت و پز، و نظافت را به عهده داشتند. شعبه بدوی به این نتیجه رسید که " کوواچ " عملاً بر دختران محبوس در آپارتمانش حق مالکیت اعمال می نمود. وی از هرلحاظ عملاً مالک آنها بود و برکوچکترین حرکات شان مسلط بوده، و با آنها مثل مال رفتار می کرد و اقدامات فوق را قاصدانه و آمرانه به اجرا می گذاشت. مراجعه شود به : انتونیو کاسه سه : حقوق کیفری بین المللی، مرجع سابق ص 91. - د. عبدالفتاح - بیومی : المحکمة الجنائية الدولية، ص 527. - احمد عبدالحکیم عثمان : الجرائم الدولية، مرجع سابق ص 185. د. حسنین عبید : الجريمة الدولية، دار النهضة العربية، القاهرة 1979 ص 261.

- 1- متهم یک شخص یا بیش از آن را از یک جای به جای دیگر یا از کشوری به کشور دیگر برخلاف مبادی قانون بین المللی منتقل کند.
 - 2- شخص و یا اشخاص انتقال یافته در محل اقامت اول به شکل قانونی وجود داشته باشند.
 - 3- متهم از وجود قانونی افراد انتقال یافته مطلع باشد.
 - 4- این تصرف به عنوان حمله گسترده و منظم علیه مجموعه از جمعیت انجام شود.
- گفتنی است که اخراج و کوچ اجباری هر دو متضمن تخلیه اجباری و غیرقانونی افراد از سرزمین محل اقامت ایشان می باشد. لیکن این دو در حقوق بین الملل عرفی به یک معنی نیست. اخراج یعنی انتقال به خارج از مرزهای کشور، در حالیکه کوچ اجباری به معنای جابجایی در داخل سرزمینهای یک کشور می باشد. از جمله مثالهای عملی عملیات اخراج و کوچ اجباری اقدامات اسرائیل از سال 1948 در قبال ملت فلسطین است که در حدود چهار میلیون فلسطینی را در کلیه انحاء جهان به خصوص کشورهای عربی همسایه همانند، سوریه، لبنان، اردن، و مصر به اضافه کشورهای خلیج مهاجرت کرده، و به عودت به فلسطین موافقت نمی کند. گذشته از آنکه دولت اسرائیل هرگاهی مجموعه از فلسطینیان را از منطقه ای به مناطق دیگر فلسطین اشغال شده و یا خارج از آن طرد میکند که از آن جمله است طرد مجموعه از فلسطینیان که به کنیسه - المهد - در شهر بیت لحم پناه برده، و پس از حصول توافق با مقامات اشغال گر شماری از این افراد به اروپا و شمار دیگری به شکل نهائی به غزه مطرود گشته، و حق بازگشت به خانه و زندگی خود را ندارند. و از جمله مثالهای عملی " ترانسفر " اخراج و کوچ بدست نیروهای صرب در بوسنی هیرزگووین " 1991 - 1995 " و جنگ صربها علیه ایالت " کوزوفا " " 1997 - 1999 " صورت گرفت که در این رویدادها هزاران تن از شهروندان مسلمان بوسنی به منظور تخلیه شدن اماکن اقامت و شهر و روستاهای آنان به نفع اقلیت صربها از شهرها و روستاهای آنان اخراج و کوچانیده شدند. در حالیکه ماده 49 توافقات " ژینو " هرگونه کوچ و اخراج را به صرف نظر از جایی که به آن انتقال

داده می شوند ممنوع میدارد، زیرا هیچ سبب قانونی و شرعی برای اجازه دادن به چنین کاری وجود ندارد.¹ اخراج و کوچ اجباری چه از سوی دولت اشغال گر، و چه هم از سوی دولت ملی انجام شود اگر ضرورت امنیتی و حالت جنگ نباشد نامشروع است.²

و با آنکه دولت ملی میتواند مجموعاتی از شهروندان را از جایی به جای دیگری اقامت دهد، آنچنانکه در عملیات کوچ اجباری شهروندان یوگسلاوی در زمان مارشال - تیتو - صورت گرفت که وی به منظور مخلوط ساختن اجناس و نژادهای مختلف جمهوری یوگسلاوی مجموعاتی از صربها، کرواتها و مسلمانان را در ایالت های یکدیگر اقامت میداد تا این جمهوریت ها با یکدیگر ارتباط خونی و نژادی پیدا کنند، تجربه را که صدام حسین رئیس جمهور اسبق عراق نیز در سالهای دهه هفتاد قرن 20 به کار بست وعده از شهروندان عرب را به مناطق کرد نشین شمال جایگزین نمود تا همزمان به ایجاد توازن جمعیت و تحقیق امنیت داخلی از استقلال خواهی کردها و ترکمن ها نیز جلوگیری کند. امری که در هر دو کشور برخلاف باور رهبری آن سبب انفجار اوضاع و درگیریهای خونین گردیده که کلیه منطقه بالکان و عراق را به آتش جنگ کشیده، و سبب از بین رفتن دولت مرکزی آن شد. و بدین سان روشن است که عملیات کوچ اجباری اگرچه در داخل کشور و از سوی دولت ملی هم باشد. باز هم با وجود اختلاف سلیقه، نژاد، مذهب، یا ملیت بحرانهای زیادی را در پی دارد.

لذا قانونگذار بین المللی در ماده 1/7 د اساسنامه محکمه جزای بین المللی تصریح کرده است که کوچ اجباری شهروندان در چارچوب سیاست عمومی چه خارج از کشور و چه هم در داخل کشور به هر صورت آن مشمول ممنوعیت بوده، مگر آنکه حالت ضرورت و فوق العاده همانند

¹ - د. محی الدین عشاوی : حقوق المدنیین تحت الاحتلال الحربی، عالم الکتب، القاهرة 1976 ص20 و مابعد آن .

² - د. ارشید عبدالهادی الحوری : حقوق المدنیین فی ارض الاحتلال و فی اثناء النزاعات المسلحة، دار الکتب القانونیه، المحلة الکبری، مصر، 2002 ص56.

عملیات نظامی، وباء فراگیر، یا بحران طبیعی همانند آب خیزی یا زمین لرزه آن را اقتضاء کند.¹

از قضایای عملی کوچ و اخراج اجباری حکم یکی از شعب بدوی دیوان جزای بین المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه "کرسیتیچ" است که در این قضیه شعبه مزبور به این نتیجه رسید که در روزهای 12-13 ژوئیه سال 1995 حدود 25000 نفر از غیرنظامیان مسلمان بوسنیائی به زور از باریکه سربرینکا به اراضی تحت کنترل مسلمانان بوسنیائی منتقل شدند، که هنوز داخل در سرزمین دولت بوسنی هیرزگووین بود. - انتقال مزبور اجباری بوده و در اجرای یک سیاست کاملاً سازمان یافته با هدف بیرون راندن جمعیت مسلمان بوسنیائی از آن باریکه بعمل آمده بود. شعبه بدوی نتیجه گرفت که غیرنظامیانی که از سربرینیکا بیرون رانده شدند، مشمول فعل اخراج نبوده بلکه مشمول تعریف "کوچ اجباری" بوده اند که جرمی علیه بشریت است.²

¹ - د. حسن سعد سند: الحماية الدولية لحق الانسان في السلامة الجسدية، دار النهضة العربية، القاهرة، 1999 ص 339.

² - انتونیوکاسه سه : حقوق کیفری بین المللی، مرجع سابق ص 93.
- د. صلاح عبدالبدیع شلبی : التدخل الدولي و مأساة البوسنة و الهرسك، دار النهضة العربية، القاهرة، 1996 ص 80 و ما بعد آن - د. حسین میرصادقی : حقوق جزای بین المللی، مرجع سابق ص 51.

دلانجو په آوارولو کې د مینځگړیتوب رول

په دې څېړنه کې مونږ لومړی دلانجې په هکله لنډې خبرې کوو چې اصلاً لانجه څه ته وایي اوولې رامینځته کېږي ، بیا د مینځگړیتوب په تاریخچې غږیږو ، ورپسې په اسلام کې د مینځگړیتوب په باب گړیږو او په پای کې په خپل گران هیواد افغانستان کې دلانجو په حل کې د مینځگړیتوب په رول او اهمیت رڼا اچوو .

الف : لانجه څه ته وایي او ولې رامینځته کېږي ؟

لانجه (conflict) د لاتیني (configure) او (conflicts) له کلمې څخه اخیستل شوی ده. چې دشخړي، لانجې، منازعې، اختلاف، ټکر، کشمکش ، جگړې اوداسې نورو معنائو په مفهوم ژباړل کېدای شي . په فلسفې لحاظ د ټولنې د بیلابیلو طبقو ، ډلو ، گروپونو او قشرونو تر مینځ فلسفې ، مفکورې ، ایډیالوژیکې ، نظامي اوسیاسي ، نظریاتي ټکراوتصادم ته وایي ، چې د متضادو اړخونو تر مینځ بیلابیل دريځونه ونيول شي .

داروا پوهنې له مخې د بیلابیلو کسانو، گروپونو او خلکو تر مینځ توپیرونو او اختلافونو له دود، دستور، جغرافیوي چاپیریال د ژوند سببونو اوداسې نورو اړخونو څخه سرچینه اخیستې وي .

د ویبستر (Webster) ډکشنري له مخې (conflict) د جگړې یا مبارزې معنا کړي ، یعنې لانجه د دوو ډلو تر مینځ فزیکي مقابلي ته وایي ، خو په پراخه توګه په نظریو ، غوښتنو اوموخو کې یوڅرګند توپیر او اختلاف دی .

د ویبستر ډکشنري دوهم تعریف داسې دی چې له لانجې څخه مطلب دغوښتنو یا نظریاتو تصوری اختلاف دی چې ډلې خپلو روانو هدفونو ته په دوامداره توګه نه شي رسیدلی .

دهاکر او ویلمات (Haker and wilmat) له نظره لانجه لږ تر لږه د دوه بنسټیزو ډلو تر مینځ یوه څرګنده مبارزه ده ، چې د بیلابیلو موخو

اومحدودو سرچینو په هکله بیل تصور اود هدفونو په لاس ته راوړنو کی دیواوبل په چارو کی مداخله کوي . دجان دیوی (John Dewy) له نظره لانجه یوه څرگنده مبارزه ده ، چی د دوویا خوسره ترلیو گروپونو په مینځ کی چی له خپل ځانگړي تصور، لږو سرچینو او دنورو د لاسوهني څخه د خپلو موخو دلاسته راوړلو لپاره مینځ ته راځی . له پورتنیو توضیحاتو وروسته په لنډه توگه ویلای شو چی لانجه دانسانانو دژوندانه له ځانگړنو څخه گڼل کیږی . لانجه یوه طبیعی چاره ده چی د انسانانو په ژوندانه کی د ژوندانه له فردي او فاميلي کچي څخه نیولي د نړیوالی کچي تراریکو پوري رامينځ ته کیږی . لانجه هغه مهال پېښیږي چی د افرادو ، ډلو اوبنسټونو دافکارو،گټواوغوښتنو ترمینځ اختلاف اوتکررامینځ ته شی . دانسانانو د پیدایښت له پيله ترننه دبشري ټولنو ترمینځ په بیلابیلو بڼولانجو شتون درلود . د دي ترڅنگه د تاریخ په اوږدوکی د بشریت په مینځ کی دلانجو دحل یوه ډیره اغیزناکه اومعموله طریقه مینځگریټوب ؤ . مینځگریټوب داسي یوه لاره چاره ده چی کولای شو په بیلابیلو کچو دهرډول لانجی په حل کی تري گټه واخلو .

ب: دمینځگریټوب تاریخچه :

مینځگریټوب ، له سوله ییزي لاري داخلافتاتو د آواری او حل اوفصل لپاره دیوی رویی اومیتود په عنوان دبشري ټولنو په بیلابیلو فرهنگونو کی اوږد تاریخ لري . له لرغونو زمانو څخه دعوه ، لانجه اواختلاف په بشري ټولنو کی شتون لري او ددی لانجو د آواري لپاره هم د حل لاري اومیتودونه موجود ؤ چی په هرعصر او زمانه کی یی تغیر اوتکامل موندلی دی .

مینځگریټوب په نننی نړی کی یوه نوي پدیده نده مینځگریټوب له پخوا وختونو راهیسي د افرادو، ډلو، قومونو ، گوندونواو هیوادونو ترمینځ دیومعمول میتود او روش په څیرشتون درلودلی دی . په لومړنیوټولنو کی یی د مینځگریټوب له طریقی څخه د لانجی د آواری اوحل اوفصل او

دجگړې دمخنيوي لپاره د دريم اړخ په واسطه استفاده کوله او په دې ترڅ کې مینځگړیتوب د لانجی د دواړوخواوو تر مینځ د اړیکو دتامين لپاره يوه وسيله وه .

مینځگړیتوب له تاريخ څخه په وړاندنیو ټولنو کې په ټوله نړۍ کې هم معمول او دود ؤ. دمثال په توگه په لرغوني مصر، يونان ، روم ، شمالي امريکا، افريقا ، لرغوني چين او نورو هيوادونو کې د لانجو په آوارۍ کې يومنل شوی اصل گڼل کيده . دهند په هيواد کې مینځگړیتوب ديو عرفي اصل له جملې څخه بلل کيده چې هغه يې د(پنچائيت) په نامه يا دا وه چی د لانجو په آوارې کې تري گټه اخيستل کيده .

له تاريخ څخه دور اندنیو خلکو تر مینځ له مینځگړیتوب ځینی موخه د دښمنو خواو ياد لانجی دارخونونږدي کول ؤ ترڅو يوله بله کښيني خپل اختلافات دخبرواتروله لاري او په نه تاوتریخوالي ولاړاویا دناپلوي دريم شخص (دريمگړي يا مینځگړی) او دواړو خواوو ته دمنني وړشخص په واسطه حل اوفصل کړی .

ج : مینځگړیتوب په اسلام کی :

جوته ده چې مینځگړیتوب يوله هغه مسایلو څخه دی چې د اسلام دمبین دین په تاريخ کې د منل شویو لارو چارواو دلانجوپه حل اوفصل کې دیوي ډیرې غوره په کار راتلونکې طریقې په څیر د ځانگړی ځای ځایگی درلودونکی دی . اسلام خپلو پیروانو ته امرکوی چی ، د لانجې دحل ، د دواړو خواوو تر مینځ دلانجی په شاوخوا کې دسولي د رامينځ ته کولو او ټینگښت په موخه په وساطت (واسطه کیدلو) او مینځگړیتوب لاس پوري کړی ، په خپل مینځ کی اصلاح د دريمگړي شخص د منځگړیتوب په معنا دی او په سولي اوجورجاري سره د دوومسلمانانو تر مینځ د اختلاف حل اوفصل مومنانو ته د اسلام له ټینگواو امر و څخه دی . الله تعالی جل جلاله په قرآن کریم کی فرمایي : ژباړه : سوله غوره ده .¹ همدارنگه الله تعالی جل جلاله په قرآن کریم کی فرمایي : ژباړه (که چیرې د مؤمنانو دوه ډلې يوله بل سره لانجې يا جگړې ته راپاڅیږي ، دهغوی تر مینځ سوله وکړی

¹النساء سوره آیه 128

1(البته د ښکېلو او دښمنو ډلو تر مینځ وساطت او مینځگړیتوب په ټولنه کی دنظم او امنیت د خونديتوبه او ساتنې لپاره خوراړین دی . له همدی کبله د پورتنی آیت د صراحت پر بنسټ قرآن کریم دریمه ډله (دریمگړي) چي په جگړه کي ښکېل نه دي مکلف گرځوی چی د هغوی په مینځ کي چی په جگړه اودښمنی کي دي په اصلاح لاس پوري کړي او د دوی تر مینځ سوله ټینګه کړي . همدارنګه په بل ځای که فرمایي : ژباړه : (له خدایه ووریری او په خپل مینځ کی سوله وکړی)² په همدی ترتیب فرمایي : ژباړه : (مومنان سره وروڼه دی ، نودخپل ورونو تر مینځ سوله وکړی)³

مفسرین دپورتنی آیت شریف په تفسیر کی لیکي چی دمومنانو تر مینځ په اړیکو کي اصل ، محبت اودوستی اوسوله ده ، لانجه اوجگړه یواستنایی حالت دی . د لانجی د پېښیدو پرمهال مسلمانان مکلف دی چی هغه خپل اصل ته چی عبارت له سولی ، اتفاق ، ورورگلوی ، دوستی او مرستي څخه دی وروگرځوي .

پورتنی آیتونه ټول د دریمگړی شخص یا د دریمگړي شخص یا د دریمي ډلي د (مینځگړیتوب) له لاري دوساطت په اصل دلانجو دحل اوفصل دیو سوله ییز میتود په څیر صراحت لري .

دپیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم په احادیثو کي هم د خپلمنځی شخړو اود اختلافاتو او دښمنیو په حل اوفصل سپارښتنه له پام وراهمیت ځینی برخمنه ده . پیغمبر اکرم (ص) په یوه روایت کي فرمایي :

ژباړه : (په خپل مینځ کی اصلاح د لمانځه او روژي له یوکلن عبادت څخه غوره دی)⁴ او په بل ځای کي یي وفرمایي : ژباړه : په خپل مینځ کي اصلاح دسرو زرو او مال له صدقی ورکولو څخه افضله ده (بیا هم له انحضرت (ص) ځینی منقوله ده چی فرمایي : ژباړه : (په خپل مینځ کي اصلاح دنبوت له ځانگوڅخه یوه ځانګه ده).⁵

1- سوره حجرات آیه 9

2- الانفال سوره آیه 1

3- سوره حجرات آیه 10

4- ابو داود،ترمذی و نسایی

5- ابن ابی جمهور حسایی ،عوالی اللأیی (قم) : سید الشهداء ، چاپ اول ، 1403 ق (ج 1 ، ص 266.

همدارنگه پیغمبر اکرم (ص) فرمایلی دي: (که چیری ظالم وویښی اونوموړی له خپل ظلم څخه راونه گرځوي، ډیر ژر به څښتن تعالی (ج) د ظلم عواقب (پایلی) په ټولو باندې رابښکته کړي).

حضرت محمد (ص) پخپله په خپل عملي ژوندانه کې د مینځگړي په عنوان دلانجوپه آواري او حل اوفصل کې بنسټیز رول آدا کړی دی.

د دوه قبیلو (اوس) او (خزرج) ترمینځ دحضرت محمد (ص) د مینځگړیتوب داستان د اسلام په تاریخ کې د دی مدعا څرگند گواه دی.

(اوس) او (خزرج) په مدینه کې دوه میشتی او استوگني قبیلې وې او کلونه کلونه یوله بل سره په جگړه اودښمنۍ کې وې. دا دوه قبیلې هیڅکله د چاپه مشرتابه او واکمنۍ سره نه جوړیدلې. خو دپیغمبر(ص) په مشرتابه د مسلمانانو دهجرت پرمهال یې دمینځگړي په عنوان د ده په مشرتوب هوکړه وکړه چې د انحضرت (ص) دمنځگړیتوب په پایله کې دی دواړو قبیلو چی کلونه کلونه یې په خصومت او دښمنۍ کې تیرول، د وروڼو په څیر یې له نوي سره د سولي او آرامۍ په فضا کې ژوند پیل کړ. د حدیبیې سوله چی دفتح په سورت کی ترې یادونه شویده د لومړني او رښد په هکله ده چی دحضرت محمد (ص) او پیروانو له خوا یې له مخالفینو سره دمکي د زیارت دمراسمو دسرته رسولو په خاطر پري هوکړه وشوه. او دا پېښه دمسلمانانو لپاره له خورا زیات اهمیت ځینی برخمنه ده. حضرت محمد (ص) د مینځ ته راغلی لانجي دحل په موخه دحدیبیې دسولی پرمهال د(بدیل بن ورقا) د مذاکري اومینځگړیتوب له لاری له خپلو مخالفینو سره د سولي تړون لاسلیک کړ.

هغه مهال چی حضرت معاویه (رض) له حضرت علی (ک) سره د(صفین) په سیمه کی په جگړه ونښت. له یو څه مودی وروسته د شام خلکو قرآنونه دنیزو په څوکو پورته کړل او دواړه خواوی یې سولي ته راوبللي او دقرآن کریم په رڼا کی د دوی د لانجو دحل او آواری غوښتونکی شول. دواړو خواوو جگړه و دروله او هوکړه یې وکړه ترڅو دخپلو اختلافاتو موضوع دکال په پیل کې دحکمیت له لاري د(ارزح) په سیمه کی(په شام کی دیوي سیمي نوم دی) حل اوفصل کړي. دحضرت علی (ک) له خوا ابوموسی اشعری او دمعاویه (رض) له اړخه عمرو بن ابی العاص د حکمانو په توگه وټاکل شول ترڅو شته اختلاف ته رسید نه (رسیدگی) وکړی. له دی پېښی لږ وروسته دخوارجوقضیه مخي ته راغله. دحضرت علی (ک) یوشمیر پلویان له ده ځینی بیل شول او

د حضرت علی (ک) او حکمیت په نسبت یې خپل مخالفت اعلان کړ. هغوی د (لاحکم الا لله) یعنې (حکم دالله (ج) له خوا دی) شعار پیل کړ. خوارج دحروراء په نامه سیمه کې (کوفي ته نږدې یوه سیمه ده) راغونډ شول. حضرت علی (ک)، عبدالله بن عباس د مینځګړي په توګه هغوی ته واستاوه چې له ډیرو زیاتو مباحثو وروسته خوارجو د عبدالله بن عباس مینځګړیتوب ونه مانه، چې حضرت علی (ک) دنهروان په سیمو کې له دوی سره په جګړه ونښت چې له دواړو خواوو څخه زیات کسان په کې ووژل شول. که څه هم د عبدالله بن عباس مینځګړیتوب له ماتې سره مخامخ شو خو په هغه زمانه کې له مینځګړیتوب څخه په سوله ییزه توګه دلانجی د آوازي او حل دیوه میتود په څیر ګټه واخیستل شوه.

د: مینځګړیتوب او مینځګړی :

1- مینځګړیتوب: چې په انګلیسي ژبه کې د (Mediation) په نامه یادېږي، هغه فعالیت دی چې دهغه پربنسټ ناپلوی فرد (مینځګړی) د لانجې له دواړو خواوو سره په یوه اختلاف کې مرسته کوي ترڅو په یوډوه اړخیز توافق لاس ومومي.

2- مینځګړی: چې په انګلیسي ژبه کې د (Mediator) په نامه یادېږي له یو دریمګړي، بیطرفه (ناپلوي) اودمنني وړ شخص ځینی عبارت دی چې دیوې لانجې په حل کې رول ترسره کوي. نوموړی دتصمیم نیولو صلاحیت او واک نه لري خوله دواړو خواوو سره مرسته کوي ترڅو دحل په یوې داسې لارې چارې چې د لانجې د دواړو خواوو ګټې تامین کړي، لاس ومومي. مینځګړی یوازې د لانجې دواړو خواوو ته لارښوونه کوي اومرسته ورسره کوي چې هغوی پخپله وروستی هوکړې ته ورسېږي.

څرنگه چې مینځګړیتوب یوه اختیاري پروسه ده اودمینځګړي په واسطه او دلانجی د دواړو خواوو په توافق او هوکړې صورت مومي، نودمینځګړیتوب لپاره د اختلاف ددواړوخواوو موافقت، هغوی دمینځګړیتوب دپایلو په مننه نه ملزموي، دمینځګړیتوب دواړه خواوې کولای شي له مینځګړیتوب څخه په لاس راغلي پایلې ومنې یا یې رد کړي، مګر دا چې هغوی خپل ځان له وړاندي څخه د مینځګړیتوب دپایلو په منلو مکلف وبولي. مینځګړیتوب یودارنگه میتود او لاره چاره ده چې پراخه استعمال لري او په هر ډول قضیو او یالانجو کې دتطبیق وړده. مینځګړیتوب نه یوازې په فردی کچه د لانجو په حل اوفصل او آوازي کې

په کارورل کيږي ، بلکی په ملي کچه (دقومونو، گوندونو او دپلوه لانجو) او په نړیواله کچه (دهیوادونو اونړیوالو سازمانونو په لانجو) کي هم خوراډیر استعمال لري .
هـ : د مینځگریټوب شرایط :

- ✓ د مینځگریټوب لپاره باید لاندینی شرایط شتون ولری .
- ✓ د مینځگریټوب فیزیکی شتون.
- ✓ د مینځگریټوب د دواړو خواوو شتون.
- ✓ په مینځگریټوب کي دلانجی د دواړو خواوو مشروعیت .
- ✓ د مینځگریټوب د دواړو خواوو په رسمیت پیژندل باید هر لوری خپل مقابل اړخ د مینځگریټوب په بهیرکي دحضور اوگډون په موخه په رسمیت وپیژني .
- ✓ د لانجی د دواړو خواوو ترمینځ د اختلاف شتون .
- ✓ د اختلاف وړ موضوع په هکله دحل د یوي لاري د موندلو لپاره دلانجی د دواړو خواوو رښتیني لیوالتیا او د مینځگریټوب له لاري دخبرو اترو لپاره چمتو والی .
- ✓ د لانجی د دواړو خواوو تصمیم په پایلي د لاس موندلو لپاره دیو دریمگری ناپلوي او خپلواک لوري په مرسته چی دلانجی په هیڅ لوري پوري تړاو نه لري .
- ✓ دمخکینی هو کړي په صورت کي د مینځگریټوب د پایلي د منلو لپاره د لانجی د دواړو خواوو تصمیم .

و : د مینځگریټوب بنسټيزي ځانگړني :

د مینځگریټوب له بنسټيزو ځانگړنو څخه یوي دهغه اختیاري والی دی . په دي معنا چی لومړي : مینځگریټوب د مینځگریټوب لپاره د لانجی دواړو خواوو ته په وړاندیزکي کوم مجبوریت نه لري .
دوهم : له هغه لوري چی د مینځگریټوب لپاره د مینځگریټوب وړاندیز کيږی دهغه په منلوانه منلوکي دااختیاروالادی . دریم : دا چی د مینځگریټوب نظر د(حکم) دنظر په خلاف ، الزامي نه دی او مشورتی جنبه لري او دواړه خواوي د مینځگریټوب له خوا د وړاندي شو یو حل لارو په منلومکلفي نه دي .

ز : په افغاني ټولنه کې د مینځګړي ځانګړتیاوي :

په افغاني ټولنه کې دلانجول، د جرګې اومرګې په وسیله ډیر لرغونې تاریخ لري . له تاریخي څیړنو څخه څرګندېږي چې لرغونو آریانیانو به خپلې زیاتره ستونزې، ستري اوکوچنې مسئلې د جرګو مرکوله لاري حل اوفصل کولې . دوی په عمومي توګه دوه ډوله جرګې درلودې چې یوې ته یې سبها او بلې ته یې سمیټې ویله . په دې جرګو کې په یوه کې عوام او په بله کې خواص راټولیدل .

د (سبها) جرګه په کلیوکې جوړیده اود کلي وړي پېښې به په کې فیصله کیدلې ، دا جرګه به په هرلوي کلي کې جوړیده اوځانګړی ځای او خونه ورته ټاکل شوي وه چې ټول خلک به یې له استثناء په کې راغونډیدل اوخپلې شخړې اولانجې به یې په کې فیصله کولې ، له ځینو نخبو نښانو څخه ښکاري چې ښځوبه هم برخه په کې درلوده . دې جرګو ته زمونږ اوسنۍ کلیوالي جرګې ورته دي .

(سمیټې) هم یو ډول قومي جرګه وه مګر د(سبها) غونډې دملت ټول خلک نه شوای په کې راغونډیدلای، بلکې دامجلس به خاص دقوم درېشیانو(شاعران اوفکرې لارښوونکي) نجباوو مخورو اولویوکسانوؤ چې پخپله پاچابه هم په کې ګډون کاوه .

البته دې جرګو مرکو د زمانې په تیرید وسره د خپلې ټولنې د ځانګړتیاوو له مخې مینځګړي ته هم ځانته ځانګړنې بیلې کړي دي چې لاندې ورته لنډه نغوته کیږي .

✓ عمر: د احترام ورمشران

✓ مهارت : د لانجې د آوارۍ په هکله پوره معلومات ، پوهه اولیاقت ولري ، لکه نرخیان، سپین ږيري ، دیني علماء ، خانان، ملکان، مخورین اود نفوذ خاوندان.

✓ عزت: مذهبي خلک لکه سیدان ، علماء کرام ، پیران .

✓ سپیڅلتیا: هغه کسان د مینځګړي په توګه منل کیږي چې تقوی او سپیڅلتوب یې خلکو ته څرګند وي .

✓ ناپلوي توب : ښه مینځګړی هغه څوک دی چې د ولس په دود او دستورله ټولوبنه پوه شي او همدارنګه دلانجې له دواړو غاړو سره ښې اړیکې ولري اویا دهغوی دباورواواعتقاد څخه برخمن وي او دکوم اړخ پلوي ونه کړي .

✓ نیک شهرت : ښه نوم ، ښه کورنۍ غړی ، صداقت ، اعتماد اوباورخاوند وي ، ځکه د دوی دچلند له مخي لانجي ، جوړوونکي او رنګوونکي شکلونه غوره کولای شي . د دې لپاره چې لانجه له وړانوونکي حالت څخه راوګرځي ، باید مینځګړی دپادو شویواو صافو درلودونکی وي. دپوره پوهي اوتجربي له مخي د لانجي په هکله په خاص مهارت معلومات راغونډ کړي ، دلانجي حجم او شدت راکم کړي ، ښه مورال ولري اوناپلوی واوسي . ټولي پریکړي د پاک وجدان له مخي په پوره عدالت اوانصاف خاص د الله تعالی جل جلاله د رضا دحاصلولو په منظور وکړي .

په پای کې باید یادونه وکړو چی په هیواد کي دمینځګړیتوب د پروسې د قانوني کولو لپاره څوکاله وړاندي د افغانستان د اسلامي جمهوریت دعدلي وزارت له خوا دمصالحې او مینځګړیتوب دقانون مسوده په (19) مادوکي د ترمیمي عدالت کاري ډلې په واسطه جوړه شوه ،چی د دې کړنولیکونکی هم د هغي په تسوید کي ونډه اخیستی وه .

دنوموړی مسودی په لومړۍ ماده کي د دې قانون موخی دارنگه تصریح شوي وی .

د مصالحې (جوړجاری) اودمینځګړیتوب قانون لاندنیو موخو ته درسیدلو په منظور وضع کيږي .

1- داسلامي فرهنگ د و دول د سولي اوسازش (جوړجاری) او د دواړو خواوو داصلاح پر بنسټ.

2- داختلافاتو په حل اوفصل کي دخلکو اوسیمه ییزي ټولني د ګډون پیاوړي کول .

3- دفردي اوقومي شخړوله سختیدا،پراخیدا څخه مخنیوی .

4- له عرفي (دودیز) عدالت سره د رسمي عدالت د سیستم تر مینځ داریکو تنظیم او دهغوی ترمینځه داریکي پیاوړي کول .

5- دخپلوارتکابي اعمالو پروړاندي مسؤلیت منلو ته د سرغړوونکو اومقصرانو هڅول .

6- د جرم پرقربانیانو وارد شویو خسارو ته لومړیتوب ورکول اوله جرم څخه د راولاړشویو زیانونو کمښت .

7- د دوسیو دحجم اوعدلی او قضایی بنسټونو دکارکمښت

هیله ده چی پورته ذکرشوي قانون خپل دتائید ، تصویب ، توشیح او انفاذ پراوونه ووهی او دهغه په عملی کیدا سره زمونږ جگړه خپلی ټولنه د لانجو له مصیبت څخه د خلاصون په لورگامونه پورته کړي .
په گران هیواد کي د لانجو دکمښت په هیله !

اخځلیکونه :

- 1- اصول وفنون میانجیگری در حل وفصل منازعات ، سعید مراد (راهی) مطبعه احمدی ، کابل ، اسد 1387 هـ.ش .
 - 2- پښتو ، پښتانه او پښتونولی ، څیرنوال سید محی الدین هاشمی ، وحدت کتاب پلورنځی ، جلال آباد ، 1389 هـ.ش .
 - 3- په افغانستان کي د قانون جوړونی پیلامه ، قضاوتپوه حضرت گل حسامی ، سعید خپرنځی ، کابل ، 1395 هـ.ش .
 - 4- جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران ، روح الله فروزش ، انتشارات خرسندی ، چاپ دوم ، تهران ، 1393 هـ.ش .
 - 5- د لانجی حل ، غلام صدیق (نجات ، خروټی) د میوند خپرنځی ټولنی مطبعه ، کابل ، 1388 هـ.ش .
 - 6- عدالت ترمیمی ، دکتر حسین غلامی ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی چاپ سوم ، تهران ، 1391 هـ.ش .
- او د لیکوال نورخواره واره یاد دښتونه .

ترجمه تتبع و نگارش: قاضی فضل الرحمن "فضلی"

ضمانت های حقوق متهم در قانون اساسی

معنی لغوی کلمه متهم :

متهم صیغه اسم مفعول مأخوذ و مشتق است از مصدر اتهام و تهمت چنانچه گویند اتهم الرجل : (صارت به الریبه) متهم گردید شخص یعنی شک به وی متوجه گردید و یا (اتهمه بكذا ای أدخل علیه التهمه و ظنها به) متهم ساخت او را یعنی داخل ساخت بروی تهمت را و گمان آن را بر وی نمود، پس معنی کلمه تهمت در لغت عربی همانا عبارت از شک و گمان می باشد و متهم عبارت از شخصی می باشد که تحت اتهام و تهمت قرار گرفته باشد.

و نزد فقها معمول چنان بوده و می باشد که لفظ و یا جمله (مدعی علیه) را بدیل کلمه متهم ذکر می نمایند و استناد شان برگرفته شده از کلمه (ادعاء) بوده و ادعاء را چنین تعریف می نمایند که : (قول يطلب الانسان به اثبات حق علی الغير) ادعاء عبارت از قولی است که ذریعه آن شخص اثبات حقی را بالای غیر مطالبه می نماید، ولی معنی لغوی کلمه دعوی با معنی لغوی کلمه (التهمه) متفاوت میباشد زیرا معنی لغوی کلمه تهمت چنانچه فوقاً از آن تذکر بعمل آمد عبارت از اخبار مطلق می باشد.

کلمه (التهمه) در بعضی از احادیث حضرت رسول اکرم محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم نیز به ملاحظه می رسد چنانچه حضرت ابوهریره رضی الله تعالی عنه حدیث مبارکی را بدین شرح روایت نموده است :
(انه لا يجوز شهادة خصم و لا ظنین قیل و ما الظنین؟ قال كالمتهم فی دینه)¹

¹ حقوق و ضمانات المتهم فی الشریعه الاسلامیه و القانون تألیف عبدالحمید اسمعیل الانصاری صفحه (9) الطبعة الاولى القاہرہ

ادای شهادت خصم و ظنن جواز ندارد پرسیده شد ظنن یعنی چه؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند ظنن مثل شخصیکه راجع به دیانت و دین داری اش مورد اتهام قرار گرفته باشد.

تعریف متهم در اصطلاح فقها و دانشمندان حقوق :

فقهاء و دانشمندان راجع به معنی اصطلاحی متهم تعاریف متعددی دارند بعضی از آنها متهم را چنین تعریف نموده اند که : (بأنه الشخص المسؤول تحرك قبله الدعوى الجنائية لتوافر دلائل كافية على ارتكاب جريمة او اشتراكه فيها و ذلك بهدف توقيع العقاب عليه)¹

متهم عبارت از شخصی است که بنا بر موجودیت دلایل کافی الزام علیه او من حیث فاعل و یا شریک جرم تحریک دعوای جزائی صورت گرفته و هدف از آن تطبیق مجازات بروی باشد.

عده از آنها متهم را تعریف نموده اند که : (الاتهام هو اتخاذ قرار فتح تحقيق من طرف القاضي المفوض لذلك ضد شخص شارك في القيام بجريمة كفاعل أصلي او شريك)²

اتهام عبارت از اتخاذ تصمیم قاضی ذیصلاح مبنی بر گشودن صفحه تحقیق راجع به شخصی می باشد که در ارتکاب جرم من حیث فاعل اصلی و یا شریک جرمی مشارکت نموده باشد.

چنانچه اتهام تعریف گردیده که عبارت از (صفت عارضه می باشد که بعد از موجودیت مجموعه از دلایل شخص به آن متصف می گردد.) خطورت اتهام نشان دهنده آن است که شخص متهم را به صدمه روحی مواجه ساخته و صدمه متذکره باعث فشار های روحی و انفعالات عدیده متباین گردیده متهم تصور می نماید که وی مورد توجه عام قرار داشته و انگشت اشاره همه به طرف او می باشد و علاوه بر آن از دیدگاه افراد و اشخاصیکه از حقیقت مرحله اتهام آگاهی ندارند مجرم حقیقی پنداشته می شود که در آن صورت اعتماد خود را از دست داده من حیث یک شخص غیر معتمد در جامعه باقی مانده ولو که در نهایت امر حکم به برائت وی نیز صدور یافته باشد. زیرا افراد و اشخاصیکه از قوانین آگاهی ندارند

لسان العرب تألیف ابن منظور جلد 5 صفحه (50) و مقالة (حقوق المتهم فی الاسلام) تحقیق طه جابر العلوانی مجله المسلم المعاصر العدد (35) صفحه (50)¹
معجم المصطلحات القانونیه فی التشريع الجزائري تألیف ابتسام القرام صفحه (154)²

معتقد بر آنند که حکم به برائت افاده آن را نمی نماید که متهم جرم منسوبه را مرتکب نگردیده است زیرا بدین باورند که دودی بدون آتش بوجود نمی آید.¹

و تعریف متهم از دیدگاه فقه اسلامی عبارت از آن است که : (من ادعی علیه فعلاً محرماً یوجب عقوبته من عدوان یتعذر اقامه البینه علیه).² متهم عبارت از شخصی است که راجع به ارتکاب فعل حرامی که مستوجب مجازات وی بوده مورد ادعا قرار گرفته و اقامه شهود بر وی غیر ممکن باشد.

و بعضی از فقها متهم را چنین تعریف نموده اند : (من یظن فیه ما نسب الیه من تهمة، ای من فعل محرم یوجب عقوبته مثل القتل و السرقة). متهم عبارت از شخصی است که راجع به اتهام منسوبه مورد شک قرار گرفته باشد بدین معنی که نسبت ارتکاب فعل محرمی که ایجاب مجازات وی را می نماید به او شده باشد مثل جرائم قتل و سرقت.

با در نظر داشت اختلاف موجود بین فقهاء و حقوقدانان راجع به تعریف مشخص و معین متهم به این نتیجه می رسیم که در مواد مندرج اکثریت قوانین جزائی تعریف دقیق متهم سراغ نمی گردد متهم از دیدگاه فقه مقارن عبارت از شخصی می باشد که گرفتار گردیده و تحت نظارت سلطات قضائی قرار داشته باشد ولو که امر گرفتاری و یا تعقیب عدلی او صادر نگردیده باشد ولی شخصیکه متهم پنداشته می شود و یا به عباره دیگر به مثابه متهم می باشد همانا عبارت از شخصی است که در پارچه جلب و یا امر دستگیری من حیث جانی و یا تحت پیگرد شهرت او درج گردیده باشد.³

در قوانین راجع به متهم تعریفات متعددی صورت گرفته است بعضی بدین نظر اند که متهم عبارت از شخصی است که در مورد اش دلایل

ضمانات المتهم أثناء التحقيق الابتدائی صفحه (15) و انظر كذلك الاتهام المشرع فی مرحلة التحقيق الابتدائی صفحه (4)¹
ضمانات المتهم أثناء مرحلة التحقيق ، الابتدائی فی الشریعه الاسلامیه و التشریع الجنائی صفحه (11)²
قانون الاجراءات الجنائیه الايطالی الجدید صفحه (114)³

کافی الزام و قرائین قوی غرض نسبت دادن اتهام و تحریک دعوی جزائی موجود بوده باشد.

و بعضی را باور بر آن است که متهم عبارت از شخصی است که از طرف خائنوالی ارتکاب عمل جرمی و یا امتناع از عمل مشروع به وی نسبت داده شده علیه او دعوی جزائی اقامه گردیده که بالآخر آن حریت و آزادی وی مقید گردیده باشد و هدف از آن اثبات مسئولیت وی در قبال جرم مورد نظر بوده باشد، و یا متهم در دعوی جزائی همانا عبارت از مدعی علیه بوده و راجع به ارتکاب عملی که به اساس حکم قانون جرم شناخته شده باشد در مورد اش شبهاتی عرض اندام نموده باشد برابر است که فاعل اصلی و یا شریک جرمی دانسته شده باشد.

و بعضی از حقوقدانان متهم را چنین تعریف نموده اند که متهم عبارت از شخصی است که در مورد اش دلایل کافی الزام مبنی بر ارتکاب جرم مشخص و یا سهیم بودن در ارتکاب آن موجود و از طرف سلطات قضائی اتهام به او منسوب گردیده باشد.¹

و یکی از تعریفات مبین آن است که شخص زمانی صفت متهم را کسب می نماید که هیأت تحقیق اتهام را به او نسبت داده و اجراءات تحقیق چون استجواب، گرفتاری، تفتیش منزل در مورد اش آغاز گردد.² از خلال تعریفاتی که از آنها تذکر بعمل آمد واضح می گردد که عده را نظر بر آن است که قبل از تحریک دعوی صفت متهم به شخص ثابت می گردد و احياناً بعد از تحریک دعوی زمانی صفت متهم به شخص ثابت می گردد که متهمین دیگری نیز شامل قضیه گردند ولی نظر مسلم این است که صفت متهم به شخص ثابت نمی گردد مگر بعد از تحریک دعوی جزائی و نسبت دادن اتهام به وی از طرف خائنوالی، و قبل از آن یعنی در مرحله کشف شخص دارای صفت تحت اشتباه، مشککی منه و یا مظنون می باشد نه متهم.

تعریف متهم از دیدگاه قانون :

بعد از اینکه آراء و نظریات فقهی را راجع به تعریف متهم مورد غور و تعمق قرار داده و اختلاف آنها را راجع به اینکه در کدام مرحله از مراحل

دراسه فی اصول المحکمات الجزائیه جلد (1) صفحه (147) ¹
شرح المبادئ العامة فی قانون الاجراءات و المحاکمات الجزائیه الکویتی صفحه (71) ²

اجراآت اطلاق لفظ و یا صفت متهم به شخص صورت می گیرد تذکر دادیم تعریف متهم را در پرتو قوانین مختلف با در نظر داشت اینکه تعریف دقیقی از متهم در اکثریب قوانین سراغ نمی گردد قرار شرح ذیل مورد بحث قرار میدهیم:

متهم از دیدگاه قانون فرانسه :

قانون اجراآت جزائی کشور فرانسه متهمین را به سه دسته تقسیم بندی و توضیح نموده است طوریکه در مرحله تحقیق متهمین را بنام (Incipie) و در پیشگاه محاکم جنحات و قباحتات بنام (Prevenu) و در پیشگاه محکمه جنایات اطلاق اسم (Accuse) را بالای آنها نموده است.

قضاء فرانسه اشاره بر آن نموده است که در قانون صادره (8) دسمبر سال 1879 نص قانونی مبنی بر ضمانت های لازم به شاهد مظنون وجود ندارد و این امر باعث حرمان شاهد از ضمانت ها و حقوقی گردیده که حین استجواب به متهم پیش بینی گردیده است مثل حق دفاع، استعانت جستن از وکیل مدافع و غیره، با وجود آنکه شبهاتی مبنی بر ارتکاب جرم در مورد شاهد موجود می باشد هیأت تحقیق به استماع شهادت شاهد بعد از ادای سوگند وی ادامه میدهند. و با وصف موجودیت شبهات اتهام را به او نسبت نمی دهند که در نتیجه از حق الدفاع وی را محروم می سازند ولی ماده (105) قانون اجراآت جزائی در صورت موجودیت دلایل قوی الزام علیه شاهد قاضی تحقیق را مکلف نموده که به استماع شهادت وی ادامه نداده اتهام را به او متوجه سازد و هرگاه هدف از عدم توجیه اتهام محروم ساختن متهم از ضمانت های حق الدفاع بوده باشد اجراآت تحقیق را به بطلان مواجه می سازد.

قانون مذکور مرحله دیگری را نیز پیش بینی نموده است که همانا عبارت از مرحله وسطی بین اشتباه و اتهام میباشد و مرحله متذکره متعلق به شاهی می باشد که تحت اشتباه بوده باشد که او را به اصطلاح فرانسه (Lesuspect) نامند ماده (73) قانون اجراآت جزائی فرانسه در مورد صراحت به آن دارد که شخص تحت اشتباه متلبس به جرم بعد از گرفتاری به نزدیکترین مرکز پولیس ضبط قضائی سوق داده شود و ماده (75) قانون

مذکور به احضار نمودن شخص تحت اشتباه به پیشگاه خارنوالی صراحت دارد و ماده (71) صلاحیت توقیف شخص تحت اشتباه را به ارگان خارنوالی داده است.

و همچنان قانون مذکور تصریح نموده است بر اینکه شاهد تحت اشتباهی که شهرت اش منحنیث مظنون درج اوراق گردیده حق دارد تا حین استماع شهادت صفت شاهد بودن خویش را رد و تقاضا بعمل آورد تا مثل متهم با او تعامل صورت گیرد تا همه ضمانت های حق الدفاع که در قانون مصرح است برایش تضمین گردد. قابل تذکر است که قانون اجراءات جزائی فرانسه در مورد وضع ضوابط و تعریف محدد و مشخص متهم سکوت اختیار نموده و تنها به توضیح حقوق متهم اکتفی نموده است.¹

(ادامه دارد)

ضمانات المتهم و حقوقه فی قانون الاجراءات الجزائیه صفحه (35)¹

تألیف: دکتر ابراهیم محمد الحریری
ترجمه: قضاوتپوه غوث الدین مستمند غوری
پیوست به گذشته

القواعد و الضوابط الفقهیه لنظام القضاء فی الاسلام

(بنیاد های فقهی نظام قضاء در اسلام)

مبحث دوم

قواعد و اساسات فقهی در مورد شهادت و در مورد شهود

1- الْأَحْوَطُ التَّوَقُّؤُ مِنْ عَدَالَةِ الشُّهُودِ، وَيُتَأَكَّدُ ذَلِكَ فِي الْحُدُودِ:¹

ترجمه: اقدام احتیاطی تر، اطمینان یافتن از عدالت شهود است، و این کار در شهودی که در مورد حدود شهادت می دهند بیشتر تأکید شده است. این قاعده بیان میدارد که اصل در شهادت مسلمین که بر بالای همدیگر شان ادای شهادت می نمایند، عدالت است، مگر آن کسی که در عدالت وی به سبب ظهور فسق و فجوری خدشه وارد شده باشد، و یا متهم به ولاء یا قرابتی به مشهود له، گردد.

حضرت عمر (رض) به محضری از صحابه (رض) بدون آنکه کسی از آنان انکار و مخالفتی کرده باشد به ابو موسی اشعری (رض) چنین نوشت: «الْمُسْلِمُونَ عُذُولٌ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا مَجْلُوداً فِي حَدٍّ، أَوْ مُجَرَّباً عَلَيْهِ شَهَادَةُ زُورٍ، أَوْ ظَنِيناً فِي وِلَاءٍ أَوْ قَرَابَةٍ.» ترجمه: مسلمانان همه در ادای شهادت بر همدیگرشان عادل اند، مگر کسی که به حدی از حدود، دُرّه زده شده و یا به دادن شهادت دروغ تجربه شده باشد و یا به نسبت ولاء و یا قرابتی به مدعی متهم باشد.

و از بسیاری از تابعین به همین گونه روایت شده است. بنا به اساس این قاعده امام ابوحنیفه گفته است که برای قاضی لازم نیست که در غیر از حدود از عدالت شهود سوال نماید، و در حدود احتیاطاً از

¹ - ادب القاضی للحصاف شرح الجصاص 289، و ما بعد آن با تصرف.

عدالت شان سوال کند، و در این مسأله شاگردانش ابویوسف و محمد با او مخالفت کرده اند و گفته اند: در تمام شهادت های که در مورد حقوقی ادا می شود که بموجب آن قاضی بر ضرر مشهود علیه حکم صادر می کند، باید از عدالت شهود سوال نماید.

استدلال ابوحنیفه روایتی است از پیامبر (ص) که ایشان شهادت بادیه نشینان عرب را قبول نمود و از عدالت شان پرسان نکرده و گفت: «مَنْ اِسْتَقْبَلَ قِبْلَتَنَا وَ اَكَلَ ذَبِيحَتَنَا فَذَاكَ مُسْلِمٌ»¹ یعنی کسیکه رو به قبله ما نماز بخواند و حیوانی را که ما ذبح می کنیم از گوشت آن بخورد پس او مسلمان است.

و به این حدیث حسن بصری بر ایاس بن معاویه وقتی که او شهادت شخصی را رد نمود استدلالی کرده و گفت: ای فرومایه چرا شهادت این شخص را رد کردی؟ ایاس در جوابش گفت: ای شیخ، خداوند می گوید: «مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ» (البقره 282/2) ترجمه: از گواهانی که می پسندید (به گواهی انتخاب کنید) - و این شخص خاین است و شهادتش پسندیده نیست، مگر باید گفت که ایاس اصل عدالت را انکار نکرده و بلکه شهادت آن شخص را از این رو قبول نکرده که برای او چیزی ظاهر و آشکار شده که موجب سقوط شهادتش بوده است.

گذشته از این بر قاضی واجب است در اولین برخورد به شهود به دیده احترام بنگرد نه به دیده شک و تحقیر و توهین، زیرا ظاهر شهود بر آنچه که خبر می دهند، دلالت نمی کند، چنانکه برخی از قضات در ارزیابی مردم به عرف و عادات سرزمین های شان متأثر می باشند، خصوصاً در مورد اشخاص غریب و مسافر که به آنان ارزشی قایل نمی شوند، و پیامبر (ص) گفته اند: «اَكْرَمُوا الشُّهُودَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْيِي بِهِمُ الْحُقُوقَ» ترجمه: شهود را احترام کنید، چون که خداوند (ج) بوسیله آنان حقوق مردم را زنده می کند، یعنی به سبب شهادت شهود حقوق مردم را ثابت می سازد و حقوق ضایع شده و دوباره به حق دار آن میرسد.

این از حرمت گذاشتن به شهود نیست که آنان را به خاطر جنسیت شان یا به جهت رنگ پوست شان مورد تحقیر و توهین قرار داد، و یا آنان را به دروازه قاضی محبوس و منتظر گذاشت.

خلاصه سخن در این مسأله این است: که رأی حنفیان و کسانی که با آنان

¹ - حدیث من استقبل قبلتنا ... صحیح البخاری صلاه 28، و احمد فی المسند 199/3

موافق اند فرموده اند: «خَيْرُ أُمَّتِي قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ» ترجمه: بهترین امتان من کسانی اند که در زمان من زندگی دارند، سپس کسانی که به آنان نزدیک اند و بعد از آن کسانی که به این ها نزدیک اند. در حالیکه ابوحنیفه از جمله تابعین بود، زیرا او برخی از صحابه را دریافته بود، و نیز جمع کثیری از تابعین را درک کرده بود، و کمترین احوال وی این است که او از جمله تبع تابعین بود، پس او از این جهت از جمله شخصیت های قرون ثلاثه شمرده می شود، قرونی که عدالت در آنها کمتر خدشه دار میگردد. اما بعد از عصر ابوحنیفه کذب و ناراستی در بین امت آشکار شد و اغلب مردم چنان بودند که به عدالت شان اعتماد کرده نمی شد.

اما در حدود، اطمینان از عدالت شهود بصورت بسیار مؤکد بر قاضی واجب است زیرا در حدود قاضی مأمور به احتیاط است به جهت عمل به قول پیامبر (ص) که فرموده اند: «أَدْرَأَوِ الْحُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ» یعنی حدود را به شبهه های که در آن ها دیده شود، دفع و رد نمائید.

و هم چنان بر قاضی واجب است که در کار شهود به تحقیق و بررسی بپردازد، چون از پیامبر (ص) در داستان معز بن مالک هنگامی که بالای خویش به زناء اقرار نمود، روایت شده است که فرمود: «لَعَلَّكَ قَبَّلْتَ لَعَلَّكَ لَمَسْتَ» یعنی شاید بوسه کرده باشی، شاید لمس کرده باشی.

و آن حضرت برای شهودی که به زناء شهادت میدادند، می گفت: آیا شما میدانید که زناء چیست؟ تا آنکه بررسی و تحقیق خویش را در مورد انجام می داد، سپس به اقامه حد بر مشهود علیه می پرداخت. زیرا امام به دست یافتن به وسایل دفع و رد حدود مأمور است. وقتی که چنین است ما در مسأله خود باید بگوییم: سزاوار است که قاضی از عدالت شهود سوال کند تا آنکه در شهادت شان جرحی وارد شود و از مشهود علیه حد ساقط گردد.

برای قاضی لازم است که در مورد پرسیدن از شهود معتمدترین شخصی را که به او دسترسی دارد انتخاب نماید، شخصی که از همگان در امانت داری خود بزرگتر باشد، و از همه در امور مردم آگاه تر باشد، و از همه در قوت تمیز خویش داناتر باشد، پس آن شخص را در مسأله پرسیدن از احوال شهود برگزیند، و مکتوب تزکیه سِرِّی خویش را به او بدهد، و اسمای شهود و صفات شان و قومیت و محل سکونت شان را بنویسد، و هم چنان از مردم اهل ثقه و اعتماد و اهل امانت از همسایگان شهود، از

کسانی که صلاحیت آن را داشته باشند که از آنها پرسیده شود، از کسانی که عادل، زیرک و آگاه باشند و بی خبر نباشند، پرسش به عمل آورد. همان گونه که قاضی باید پرهیزگار، زیرک و از اهل تمیز باشد، مزکی باید نیز چنین باشد، و از همین رو تزکیه غلام (برده) و کافر را جواز نداده اند.

هم چنان هر شخصی که جایز نیست در حقوق شهادت بدهد، جواز ندارد که مزکی باشد چنانکه جواز ندارد که قاضی بوده باشد، زیرا وقتی که مزکی باشد قایم مقام قاضی قرار میگیرد.

2- إِنَّمَا تَكُونُ الشَّهَادَةُ عَلَى الْيَقِينِ لَا عَلَى الظَّنِّ¹

ترجمه: شهادت فقط بر یقین استوار می باشد، نه بر ظن و گمان بردن. شاهد این قاعده فرموده پیامبر (ص) است: «هل ترى الشمس؟ على مثلها فاشهد اودع»² یعنی آیا قرص آفتاب را می بینی؟ اگر به مانند این آفتاب برایت معلوم است، پس شهادت بده یا اگر چنین نیست از شهادت دادن خودداری کن.

اصل این حدیث نزد حاکم از حدیث ابن عباس (رض) است که گفت: نزد پیامبر (ص) یاد شد که شخصی به یک حادثه یی شهادت می دهد، پس آن حضرت (ص) به من چنین گفت: (یا ابن عباس لا تشهد الا على ما يضيئ لك كضياء هذه الشمس و اوما رسول الله بيده الى الشمس و في رواية «كنز العمال»): «هل ترى الشمس؟ على مثلها فاشهد اودع» یعنی ای ابن عباس! شهادت مده مگر بر آن کاری که برای تو مثل این آفتاب روشن باشد و رسول خدا با دست مبارکش به سوی آفتاب اشاره نمود، و در روایت کتاب «كنز العمال» چنین است: «آيا آفتاب را می بینی؟ بر مثل روشنی این آفتاب اگر برایت روشن بود، پس شهادت را ادا کن و گر نبود آن را ترک کن.»

و این صورت نمی پذیرد مگر به علم و آگاهی، یا به معاینه و به چشم سر دیدن به استثناء شهادت در مواردی که به سماع و شنیدن صحت می یابد مانند شهادت نکاح، نسب، موت و دیگر اموری که فقهاء بر آن تصریح

¹ - الموسوعة الفقهية 219/26، و كذا علم القضاء ادلة الاثبات لاحمد الحصري 198-197/1، والقاموس المحيط 372

² - حدیث: هل ترى الشمس ... و رد بالفاظ مختلفة رواه الحاكم 98/4، و قال حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه، و كنز العمال 13/7

کرده اند، اما غير از اين ها، پس معاینه در آن شرط است، چنانکه معنی لغوی آن نیز همین را افاده می کند، در القاموس المحيط آمده است: شهادت: عبارت است از یک خبر قطعی و یقینی و از همین جمله است این گفته خداوند سبحان: «وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا» (یوسف 81/12) ترجمه: و ما جز به آنچه میدانستیم گواهی ندادیم.

بنابر این واجب است تا شاهد معلوماتی را از مشهود به داشته باشد که هرگونه شک و اشتباهی را از شهادتش دور نماید، لذا برای این حالت کلمه شهادت اختیار گردیده است که شاهد چنان است که کار را مشاهده کرده یا در حکم آن بوده که عیاناً آن را مشاهده می کند، جای که فقهاء شهادت سماعی را در برخی از اموری که در آن ها شهادت به شایع بودن و شهرت قضیه را استحساناً جایز دانسته اند، و قیاساً جواز ندارد، اما اگر در همچو موارد استثنایی مانند شهادت بر نکاح، دخول (ثبوت عمل جنسی مرد با زن)، ثبوت نسب، موت و ولایت قاضی، شهادت به سماع و شهرت قضیه قبول نشود، باعث تعطیل احکام شده و مردم نیز به حرج و مشقت و سختی مواجه میگردند، پس هرگاه سماع در همچو موارد از شخصی که به دیانت و امانت داری قابل اعتماد است صورت بگیرد، و از موضوع به اثر سماع خویش به ادای شهادت بپردازد، پس باکی ندارد که شهادتش شنیده شود، و محمد بن حسن شیبانی (رح) شهادت سماعی را مشروط به این ساخته است که باید خبری که به شاهد رسیده است به حد تواتر باشد، (یعنی از گروه کثیری شنیده باشد که توافق شان بر کذب و دروغ محال باشد) و بنابر این جواز ندارد که به اخبار دو مرد و یا یک مرد و دو زن که خبر را از آنها شنیده است، شهادت بدهد، جای که صفات عدالت در شهود نیز ضرور پنداشته می شود، و غیر از او دیگر علماء آن را جایز دانسته اند، و قول محمد بن حسن (رح) بهتر قابل قبول است، زیرا خبری که به حد تواتر رسیده باشد، مفید یقین بوده و شک و ظنی در آن راه ندارد، و از طرف دیگر اموری بر شهادت مرتب میگردد از قبیل اثبات حق برای دیگری و یا عدم اثبات آن برای او لذا واجب است تا شاهد در شهادتش یک امر یقینی را بگوید، خواه به طور معاینه و چشم دید خودش باشد یا نقل از اخباری باشد که شک و گمان ها در آن راه نداشته باشد، و این مصداق فرموده پیامبر (ص) است که به شاهد فرمود: «هل ترى الشمس؟ علی مثلها فاشهد اودع» یعنی آیا آفتاب را می بینی؟ اگر موضوع مثل این آفتاب برایت روشن است، پس شهادت بده، وگرنه خودداری کن.

هرگاه در عصر نبوی (ص) چنین باشد، در زمان ما امروز چه فکر می‌کنی، شخصی به ادای شهادت مبادرت می‌ورزد که از او مطالبه نشده است، و این از نشانه‌های قرب قیامت است «یشهدون و لا یشهدون» یعنی مردم به حالی در می‌آیند که بدون آنکه از آنان خواسته شود، شهادت می‌دهند. و چه قدر شهود دروغین بسیار شده است، که یکی می‌آید و به اثر شهادت دروغ دین خود را به مقابل بهای اندکی از دنیا می‌فروشد، از خداوند سبحانه و تعالی از آنچه که بی دینان و بدبختان بدان دچار گردیده‌اند، بخشش و عافیت را می‌خواهیم.

برخی از مردم به شهادت شان بخل می‌ورزند و از ادای آن خودداری می‌کنند، این کار شان یا به طرفداری و پشتیبانی اهل باطل است یا اینکه به یک زهد دروغین و ریایی باور دارند، در حالیکه الله سبحانه و تعالی به این آیه کریمه از آن نهی فرموده‌اند: «وَلَا تَكْنُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْنُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ» (البقره 283/2) ترجمه: و شهادت و گواهی را کتمان و پنهان نکنید! و هرکس آن را کتمان کند، پس دل او گناه کار است.

3- من لا تجوز شهادة القاضي له لا يجوز قضاء له:¹

ترجمه: هرکسیکه شهادت قاضی به نفع او جواز نداشته باشد، قضاوت قاضی نیز برای او جواز ندارد.

در کتاب «ادب القاضي» از خصاف شرح جصاص چنین آمده است: «اصل این است که قضاوت قاضی برای هرکسی که شهادت قاضی برای او جواز داشته باشد جواز دارد، و برای هر کسیکه شهادت قاضی برای او جایز نباشد، قضاوتش هم برای او جایز نیست، و هم چنان قضاوت قاضی بر ضرر کسیکه شهادت قاضی بر ضرر وی روا باشد جواز دارد، و کسی که شهادت قاضی بر ضرر وی جایز نباشد، قضاوت قاضی نیز بر ضرر وی روا نیست.»

جمهور فقهاء از جمله شافعیان، حنفیان و در یک روایتی از حنبلیان به این باور اند که برای قاضی جایز نیست که قضایای را که به خودش مربوط می‌شود یا به اصول یا به فروع او ارتباط دارند، یا به کسی مربوط باشند که شهادت قاضی برای او قبول نمیشود، مورد رسیدگی قرار دهد، اگر در موارد مذکور حکم صادر کند حکم وی نافذ نیست، زیرا قضاوت در

¹ - ادب القاضي للخصاف شرح الجصاص ص 404، نظام القضاء في الاسلام ص 122، المحلى 43/9، و الموسوعة الفقهية 326/33

موارد فوق در معرض اتهام روی گردانی از حق و جانبداری قرار میگیرد، (و باید قاضی از چنین اتهامی به دور بماند.) و بنابر این فقهاء عدم جواز شهادت طفل و غلام را تصریح و تصویب کرده اند، و به همین گونه است شخص غیر مسلمان که قضاوت و شهادت وی بالای مسلمان جواز ندارد. پس قاضی مقرر کردن غلام جواز ندارد زیرا قضاء عبارت از ولایت داری و اختیارمندی است و غلام بر نفس خودش ولایت کامل ندارد، پس بر غیر از خود بر طریق اولی ولایت نخواهد داشت.

ابن حزم (ظاهری) در قبول شهادت غلام و قضاوت او با جمهور علماء نزاع و مخالفت ورزیده است.

اما طفل، پس مقرر کردن او به وظیفه قضاء جواز ندارد، اگر بوظیفه قضاء مقرر شود قضاوت وی صحت ندارد و نافذ نمی گردد، زیرا پیامبر (ص) دستور داده است به پناه جستن به خداوند (ج) از امارت اطفال، و فرموده اند: «نَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ رَأْسِ السَّبْعِيْنَ وَمِنْ اِمَارَةِ الصَّبِيَّانِ»¹ ترجمه: به خداوند پناه بجوئید از آمدن سر هفتاد و از امارت اطفال و کودکان. از طرف دیگر طفل بر نفس خود ولایت ندارد، پس بر دیگری غیر از خود نیز ولایت داشته نمی تواند.

مجنون (دیوانه) و معتوه (بی عقل) قیاس به طفل می شوند که قضاوت و شهادت آنان درست نیست و هم چنان کسی که بسبب سال خوردگی و پیری یا به سبب مریضی در فکر و نظرش خللی وارد شده باشد، قضاوت و شهادتش درست نیست، بلکه عدم ولایت دادن شان به قضاء و عدم شهادت شان اولی است.

هم چنان شخص کافر: پس عهده دار شدن وی وظیفه قضا را در بین مسلمانان جایز نیست، و اگر به وظیفه قضاء مقرر هم شود، قضاوت وی درست نمی شود و بجز از حالت ضرورت حکم قضایی وی نافذ نمی گردد، زیرا قضاء عبارت از ولایت داری و اختیارمندی است، در حالیکه غیر مسلم بالای مسلم ولایتی ندارد، بدلیل این فرموده خداوند (ج): «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (النساء 141/4) ترجمه: و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

¹ - حدیث: تَعُوْذُوا بِاللّٰهِ مِنْ رَأْسِ السَّبْعِيْنَ ... رواه الامام احمد فی مسنده 326/2، والمنتقى من نيل الاوطار 273/8

ولی هرگاه حاکم ظالمی از راه زور و استبداد به قدرت رسید، و کافری را به وظیفه قضاء برگماشت، پس این قاضی ضرورت پنداشته شده بر رغم بطلان تقرر وی، قضاوت وی نافذ می گردد تا مصالح مردم معطل نشود، و مثل این مسأله است، حکم شهادت وی. (که در زمان ضرورت صحت می یابد.)

4- تجوز الشهادة على الشهادة عند تعذر الاصل¹:

ترجمه: شهادت بر شهادت در وقتی که دسترسی به شهادت شاهد اصلی متعذر باشد، جواز دارد.

عبارت زیرین در «الموسوعة الفقهية» آمده است:

«گاهی پیش می آید که شاهد مقبول الشهادت به علت سفر، یا مریضی و یا کدام عذر دیگری نمیتواند خودش در پیشگاه قاضی به ادای شهادت بپردازد، پس دو نفر که دارای اهلیت شهادت می باشند بر شهادت وی شهادت میدهند و از آن دو نفر خواسته میشود که شهادت وی را بگیرند و به نزد قاضی ببرند، پس این دو شاهد در انتقال آن شهادت و بردن آن به لفظ مخصوص آن در تحمل و اداء به نزد قاضی به جای شاهد اصلی می ایستند و قائم مقام او شمرده می شوند، زیرا ضرورت آن را خواهش می کند، و به اتفاق فقهاء شهادت بر شهادت جز در صورتی که شهادت اصل متعذر باشد، قبول نمی شود. مگر ناگفته نباید گذاشت که در مواردی که شهادت بر شهادت در آنها جواز دارد در بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد.

مالک، ابو ثور و در یک قول از شافعی بر این مذهب رفته اند: که شهادت بر شهادت در همه امور خواه دعوای حقوق مالی باشد یا جزایی جایز است.

حنفیان و حنبلیان به این نظر اند: که شهادت بر شهادت در مورد هر گونه حقی که به شبهه ساقط نمی گردد جواز دارد، پس در قضایایی که به شبهه ساقط می گردد مانند حدود و قصاص قبول نمی شود.

این امر راجع میشود به اجتهاد قاضی هنگامی که به یکی از دو قول استناد می نماید، هرگاه دید که شهادت بر شهادت دارای آن گونه قوت و اطمینانی که به آن خاطر جمع می شد، به قول اول استناد نماید، و در غیر آن به قول دوم استناد نموده و آن را در حقوقی که به شبهه دفع ورد

¹ - الموسوعة الفقهية 238/26، و علم القضاء ادلة الاثبات للحصري 288/1

نمیگردند، مورد قبول قرار دهد. والله اعلم.

5- کل شهادة تضمنت جر مغنم للشاهد، او دفع مغرم عنه تُردُّ:¹

ترجمه: هرگونه شهادتی که در ضمن خود منفعتی را برای شاهد داشته باشد، یا زیان و خساره را از او دفع نماید، رد گردیده و قابل قبول نیست. و مانند این است قاعده: «التهمه تقدر في التصرفات اجماعاً» یعنی در برابر تهمت قرار گرفتن از روی اجماع علماء در تصرفات شخص زیان وارد می کند.

حنفیان بر رد این شهادت به این فرموده پیامبر (ص) استدلال نموده اند: «لا شهادة لجار المغنم و لا لدافع المغرم» یعنی برای کسی که منفعتی را از شهادتش بدست می آرد و زیان و خساره را از خود دفع و رد می کند، شهادتی نیست.

پس این حدیث در عدم قبول شهادت کسی که شهادتش نفعی را به او میرساند یا زیان و خسارتی را از او دفع می کند، صراحت دارد، و نیز حنفیان بدین فرموده پیامبر (ص) استناد کرده اند که فرمود: «لا تقبل شهادة الولد لوالده، ولا الوالد لولده ولا المرأة لزوجها، ولا الزوج لامرأته، ولا العبد لسیده، ولا المولى لعبده، ولا الاجير لمن استأجره.» ترجمه: شهادت فرزند برای پدرش، شهادت پدر برای فرزندش، شهادت زن برای شوهرش، شهادت شوهر برای زنش، شهادت غلام برای بادرش، شهادت بادر برای غلامش، و شهادت مزدور برای کسی که او را به مزدوری گرفته است، قبول نمی شود.

صورت استدلال به این حدیث شریف این است که در شهادت برخی از این گروه برای برخ دیگرشان اتهام جلب منفعت برای شاهد و دفع ضرری از وی وجود دارد.

علاوه بر این در رد شهادت کسانی که در حدیث شریف آمده اند، بجز از اجیر برای مستأجرش اشکالی ندارد، حنفیان در تفسیر این قسمت از حدیث شریف مذکور گفته های دارند از جمله:

¹ - الحمزاوی ص/120، و شرح القواعد الفقهیه للشیخ احمد الزرقاء/485، والفروق للقرافی 43/4، والمغنی لابن قدامة 167/10، و علم القضاء للحصری 1/319، 257، 245، و فتح القدیر للکمال الحنفی 6/33، 21/6، و مواهب الخطاب 6/157، و مغنی المحتاج 4/435، 433، و روضه القضاة للسمنانی 1/252 و وسائل الاثبات للزحیلی/130

- * شهادت اجير برای مستأجرش در حادثه که او را به اجرت گرفته است به علت پیدا شدن تهمت، قبول نمی شود.
- * شهادت شاگرد خاصی که ضرر استادش را که او را به اجرت گرفته است ضرر خودش می شمارد، قبول نمی شود.
- * گفته اند: شاگرد خاص عبارت است از کسی که با خود استاد و خانواده او نان می خورد و مزد معلوم و معینی ندارد و آن معنی این فرموده پیامبر (ص) است: «لا شهادة للقانع باهل البيت» برای کسی که با نان خوردن با خانواده قناعت ورزیده است، شهادتی نیست.
- * گفته اند: مراد به اجیر، اجیر سالانه یا ماهانه یا روزانه است و او عبارت است از اجیر واحد خاص.
- بنابر آن شهادت اجیر مشترک برای کسیکه او را به اجرت گرفته است قبول می شود، و مالکیان شهادت دلالی را که در شهادتش اتهامی وارد باشد، رد کرده اند، و این در صورتی است که غرض وی دست یافتن به منفعتی زیاد از سبب شهادت وی باشد، و اما اگر حالت طوری باشد که اجرت دلالی او تغییر نکند و فرقی در آن نیاید، پس شهادت وی قابل قبول است زیرا در این صورت اتهامی بر او وارد نیست.
- شافعیان به رد شهادت شخص داین (طلبکار) برای مدیون متوفایش یا مدیون محجور علیه اش به علت افلاس، و به رد شهادت امانت گذار برای امانت دار، و به رد شهادت شخص برای ضامنش، و به رد شهادت عاقله به جرح مشهود قتل و بالاخره به رد تبادل شهادت ها به نفع یکدیگر بخاطر احتمال جورآمد در بین شان، قایل اند.
- دکتور محمد الزحیلی در کتابش «وسائل الاثبات» صورت های را که شاهد در آنها نفعی را برای خود جلب یا ضرری را از خود دفع می کند چنین برشمرده است:
- أ- قرابت: جمهور علماء گفته اند: شهادت پدر برای فرزندش هر چند پایان برود، و هم چنان شهادت فرزند برای پدرش هر چند بلند برود، و به همین گونه شهادت شوهر برای زنش و شهادت زن برای شوهرش قبول نمی شود.
- ب- خصومت و دشمنی: باید شاهد دشمن مشهود علیه نباشد و دشمن عبارت است از کسی که از او بد می برد، و زوال نعمت او را آرزو می کند، و به خوشحالی او غمگین و به اندوه او شادمان می شود.
- ج- (هم چنان قبول نمی شود) که شخص داین (طلبکار) برای مدیون

(بدهکار) مفلس خویش یا برای شریک خویش شهادت بدهد، یا وکیل در مورد اثبات دعوایی شهادت بدهد که وکیل همان دعوی بوده باشد.

گزارش اجراءات محاکم مرکز وولایات کشور درمورد رسیده گی به قضایای تجاوز جنسی و خشونت علیه زن در سال 1396

الف : قضایای تجاوز جنسی :

به اساس گزارشات واصله، طی سال 1396 از جانب محاکم ابتدائیه و استیناف مرکز وولایات کشور درمورد 235 قضیه تجاوز جنسی که از جانب ارگانهای عدلی محول ان محاکم گردیده ، رسیده گی بعمل آمده و متهمین قضایا که بالغ بر 309 تن میشوند، به جزا های لازم از جمله 2تن به اعدام ، 76 تن به حبس دوام ، 101 تن به حبس طویل ، 51 تن به حبس متوسط ، 22 تن به حبس قصیر ، 17 تن به جریمه نقدی محکوم و 49 تن از متهمین بنابر عدم موجودیت دلایل الزام بری الذمه شناخته شده اند .
به ملاحظه آمار و ارقام دست داشته محاکم ذیل از لحاظ رسیده گی به قضایای فوق در صدر قرار دارند:

محاکم ولایت کابل	34 قضیه
محاکم ولایت تخار	27 قضیه
محاکم ولایت جوزجان	21 قضیه

محاکم ولایت بلخ	21 قضیه
محاکم ولایت کندز	20 قضیه
محاکم ولایت کندهار	19 قضیه
محاکم ولایت هرات	17 قضیه
که به تعقیب محاکم ولایات فوق، محاکم ذیل :	
محکمه استیناف سمنگان با رسیده گی	11 قضیه
به	
محکمه استیناف بدخشان با رسیده گی	11 قضیه
به	
محکمه استیناف بادغیس با رسیده گی	11 قضیه
به	
محکمه استیناف پروان با رسیده گی	7 قضیه
و محکمه استیناف بامیان با رسیده گی	7 قضیه

در ردیف دوم قرار دارند. همچنان محاکم استیناف ولایات دایکندی، هلمند، میدان وردگ، کاپیسا، غزنی، پنجشیر، فاریاب، پکتیا، نیمروز، ننگرهار، لغمان، سرپل و بغلان هرواحد الی پنج قضیه را مورد رسیده گی قرار داده ولی محاکم استیناف ولایات پکتیکا، فراه، غور، کنر، خوست، ولوگر فاقد دوسیه های حل و فصل شده تجاوز جنسی در سال گذشته بوده اند.

ناگفته نماند که ده ها دوسیه دیگر باهمین وصف جرمی تحت دوران محاکم قرار داشته که در مواعید معینه قانونی روی آنها تصامیم لازم اتخاذ میگردد.

گفتنی است که در سال 1395 (207) قضیه شامل (232) متهم از جانب محاکم مرکز و ولایات مورد رسیده گی قضائی قرار گرفته و در مورد آنها تصامیم لازم قضائی اتخاذ گردیده است.

ب : قضایای خشونت علیه زن :

قرار گزارشات بدست آمده ، در سال 1396 مجموعاً به تعداد 973 قضیه خشونت علیه زن به اتهام 1296 تن از جانب محاکم ابتدائیه و استیناف مرکز و ولایات کشور حل و فصل گردیده و به اثر آن 12 تن محکوم به اعدام ، 103 تن محکوم به حبس دوام ، 109 تن محکوم به حبس

طویل ، 132 تن محکوم به حبس متوسط ، 493 تن محکوم به حبس قصیر و 245 تن محکوم به جرایم نقدی محکوم گردیده و به تعداد 204 تن از متهمین نسبت عدم موجودیت دلایل الزام بری الذمه شناخته شده اند. براساس گزارشات واصله محاکم:

محاکم ولایت کابل	192 قضیه
محاکم ولایت بلخ	125 قضیه
محاکم ولایت دایکندی	117 قضیه
محاکم ولایت هرات	98 قضیه
محاکم ولایت تخار	96 قضیه
محاکم ولایت کندز	74 قضیه
محاکم ولایت بامیان	33 قضیه
محاکم ولایت بدخشان	23 قضیه

در صدر قرار دارند که به تعقیب آن محاکم استیناف ولایات بادغیس، فراه، نیمروز، ننگرهار، کندهار، پروان، سرپل، غور، فاریاب، غزنی، لغمان، هلمند، سمنگان، پکتیا، کاپیسا، وردگ، پکتیکا، لوگر، جوزجان، بغلان، پنجشیر، خوست نیز هر واحد الی 20 دوسیه مربوط به جرایم خشونت علیه زن را مورد رسیدگی قضایی قرار داده اند. گفتنی است که محاکم استیناف ولایات ارزگان، نورستان، و زابل در جریان سال (96) قضایا حل و فصل شده خشونت علیه زن نداشته اند. جداول مربوطه به قضایای رسیده گی شده تجاوز جنسی و خشونت علیه زن ذیلاً غرض ملاحظه تقدیم است:

باید گفت که در سال 1395 مجموعاً (666) قضیه شامل (825) متهم از جانب محاکم مرکز و ولایات رسیده گی و در مورد آنان تصامیم لازم قضائی اتخاذ گردیده است.

جدول اجرای محاکم مرکز و ولایات کشور										
در مورد رسیده گی به قضایای تجاوز جنسی در سال 1396										
ردیف	محکمه مربوطه	قضیه	متهمین	اعدام	حبس دوام	حبس طویل	حبس متوسط	حبس قصیر	جریمه نقدی	بری الذمه
1	کابل	34	48	0	19	13	2	0	13	14
2	تخار	27	33	0	10	3	13	3	0	3
3	جوزجان	21	22	0	4	5	5	2	0	6

4	بلخ	21	28	0	3	9	4	5	0	6
5	کنډز	20	23	2	10	5	1	2	0	1
6	کندهار	19	31	0	2	23	3	0	0	2
7	هرات	17	22	0	5	6	9	2	0	0
8	سمنگان	11	11	0	1	7	3	0	0	0
9	بدخشان	11	14	0	6	1	3	0	3	1
10	بادغیس	11	16	0	1	8	3	5	0	0
11	پروان	7	9	0	1	1	0	0	0	7
12	بامیان	7	8	0	1	5	1	0	0	1
13	دایکندی	5	10	0	3	4	0	2	1	0
14	هلمند	3	4	0	1	2	0	1	0	0
15	میدان وردگ	3	3	0	0	3	0	0	0	0
16	کاپیسا	3	3	0	0	2	1	0	0	0
17	غزنی	3	3	0	2	1	0	0	0	0
18	پنجشیر	3	3	0	0	0	0	0	0	3
19	فاریاب	2	4	0	2	1	1	0	0	0
20	پکتیا	2	3	0	0	0	0	0	0	3
21	نیمروز	1	1	0	0	0	0	0	0	1
22	ننګرهار	1	5	0	3	0	1	0	0	1
23	لغمان	1	2	0	2	0	0	0	0	0
24	سرپل	1	2	0	0	1	1	0	0	0
25	بغلان	1	1	0	0	1	0	0	0	0
مجموع		235	309	2	76	101	51	22	17	49

جدول اجراءات محاکم مرکز وولایات کشور
درمورد رسیده گی به قضایای خشونت علیه زن در سال 1396

شماره	محکمه مربوطه	قضیه	متهمین	اعدام	حبس دوام	حبس طویل	حبس متوسط	حبس قصیر	جریمه نقدی	بری الذمه
1	کابل	192	235	3	31	22	14	87	12	66
2	بلخ	125	148	3	11	15	11	76	3	31
3	دایکندی	117	198	0	0	5	19	51	121	2
4	هرات	98	117	0	4	3	25	59	8	18
5	تخار	96	149	4	8	13	15	22	70	17
6	کنډز	74	74	0	9	5	6	43	5	6
7	بامیان	33	51	1	0	2	5	22	9	12

8	بدخشان	23	32	0	1	0	0	17	6	8
9	بادغیس	20	25	0	1	2	5	12	0	5
10	فراه	17	17	0	0	7	3	5	0	2
11	نیمروز	16	16	0	0	4	2	7	1	2
12	ننګرهار	15	26	0	4	0	6	13	1	2
13	کنړها	15	22	0	9	5	2	1	4	1
14	کندهار	14	14	0	2	3	1	5	0	3
15	پروان	13	13	0	2	1	2	8	0	0
16	سرپل	12	26	0	1	2	3	17	0	3
17	غور	12	16	0	0	1	3	5	0	7
18	فاریاب	11	16	0	0	2	1	6	1	6
19	غزنی	9	13	0	0	2	1	8	1	1
20	لغمان	8	10	1	0	1	0	7	0	1
21	هلمند	8	10	0	1	1	2	6	0	0
22	سمنگان	8	11	0	0	2	2	4	0	3
23	پکتیا	7	14	0	7	2	0	1	0	4
24	کاپیسا	6	6	0	1	2	0	2	0	1
25	وردګ	5	10	0	4	1	1	2	0	2
26	پکتیکا	5	6	0	1	3	0	2	0	0
27	لوګر	5	8	0	3	1	1	1	2	0
28	جوزجان	5	6	0	0	1	2	2	0	1
29	پغلان	2	4	0	3	0	0	1	0	0
30	پنجشیر	1	2	0	0	0	0	1	1	0
31	خوست	1	1	0	0	1	0	0	0	0
مجموع		973	1296	12	103	109	132	493	245	204

جدول تفصیلی قضایای تجاوز جنسی که طی سال 1396 از طریق محاکم
ابتدائیه واستیناف مورد رسیدگی قرار گرفته اند

تصمیم قضایی	تاریخ جلسه قضایی	نوع قضیه	محکمه مربوطه	ردیف
بیست سال حبس تنفیذی	1396/2/23	1	تجاوز جنسی	1
بیست سال حبس تنفیذی	رر	1	تجاوز جنسی	2
پنج سال و شش ماه حبس تنفیذی	96/3/7	1	تجاوز جنسی	3
شش سال حبس تنفیذی	1396/3/20	1	تجاوز جنسی	4
برانت	رر	1	تجاوز جنسی	5
بیست سال حبس و جریمه	96/3/27	1	تجاوز جنسی	6

نقدی					
ده سال حبس تنفیذی	1396/4/17	1	تجاوزجنسی	رر	7
بیست سال حبس تنفیذی	1396/5/14	1	تجاوزجنسی	رر	8
برانت	1396/7/1	1	تجاوزجنسی	رر	9
هرشش نفر بیست سال حبس و جریمه نقدی	1396/8/6	6	تجاوزجنسی	رر	10
برانت	1396/8/13	1	تجاوزجنسی	رر	11
شش سال حبس تنفیذی	1396/8/28	1	اقدام به تجاوزجنسی	رر	12
برانت	1396/10/2	1	اقدام به تجاوز	رر	13
یکنفر بیست سال و یکنفر برانت	رر	2	تجاوزجنسی	رر	14
پنج سال و یکماه حبس تنفیذی	1396/11/14	1	اقدام به تجاوز	رر	15
شش سال حبس تنفیذی	96/1/14	1	رر	دیوان رسیده گی بجرایم محکمه استیناف ولایت کابل	16
شش سال حبس تنفیذی	96/1/29	1	رر	رر	17
هرواحد بیست بیست سال حبس و جریمه نقدی	96/2/18	6	تجاوزجنسی	رر	18
بری الذمه	96/2/19	1	رر	رر	19
بری الذمه	96/2/30	1	رر	رر	20
بری الذمه	96/4/26	1	رر	رر	21
شش سال حبس تنفیذی	96/5/7	1	رر	رر	22
پنج سال و یکماه حبس تنفیذی	96/6/6	1	رر	رر	23
بری الذمه	1396/6/19	1	رر	رر	24
هرواحد بری الذمه	96/7/17	2	رر	رر	25
بری الذمه	96/8/13	1	رر	رر	26
هشت سال حبس تنفیذی	96/8/29	1	رر	رر	27
بیست سال حبس تنفیذی	1396/9/14	1	رر	رر	28
بیست سال حبس تنفیذی	1396/9/20	1	رر	رر	29
یکنفر شش سال دومی سه سال حبس تنفیذی	96/10/2	2	رر	رر	30
بری الذمه	96/10/5	1	رر	رر	31
یکنفر بیست سال و دومی پنج سال حبس تنفیذی	96/10/9	2	رر	رر	32
بری الذمه	96/10/30	1	رر	رر	33
پنج سال و ششماه حبس تنفیذی	96/11/17	1	رر	رر	34
		0			
سه سال حبز تنفیذی	1396/2/31	1	لواط	محکمه استیناف ولایت بادغیس	35
یکسال یکماه حبس تنفیذی	1396/3/23	1	اقدام به تجاوزجنسی	رر	36
هرواحد پنج سال یکماه حبس	1396/7/22	2	تجاوزجنسی	رر	37
هرواحد یکماه حبس	1396/7/29	2	انزوی اجباری	رر	38
سه سال حبز تنفیذی	96/2/31	1	لواط	رر	39
یکسال یکماه حبس تنفیذی	1396/3/23	1	اقدام به	رر	40

تجاوز					
تجاوزجنسی	3	1396/5/3	هرواحد پنج سال یکماه حبس	41	رر رر
تجاوزجنسی	1	1396/5/16	ده سال حبس	42	رر رر
تجاوزو خشنونت	2	1396/8/23	هرواحد شانزده سال حبس	43	رر رر
تجاوزجنسی	1	1396/8/18	یکسال حبس	44	رر رر
انزواى اجبارى	1	1396/8/20	دوماه حبس تنفیذی	45	رر رر
0					
تجاوزجنسی	2	1396/7/22	هرواحد بیست سال حبس	46	محکمه استیناف ولایت فاریاب
رر	2	1396/5/4	یکنفرهفت سال حجزیکنفرپنج سال	47	رر رر
0					
تجاوزجنسی	1	1396/1/29	به مدت بیست سال حبس	48	محکمه استیناف ولایت بامیان
تجاوز به عفت وناموس	1	1396/3/28	به مدت پنج سال یکماه حبس	49	رر رر
تجاوزجنسی	1	1396/5/14	هشت سال حبس تنفیذی	50	رر رر
رر	1	1396/7/19	برانت الذمه	51	رر رر
تجاوزبه عفت ناموس	1	1396/9/6	ده سال حبس تنفیذی	52	رر رر
رر رر	1	1396/7/18	سه سال حجز تنفیذی	53	رر رر
رر	2	1396/11/23	هرواحد هشت هشت سال حبس	54	رر رر
0					
تجاوزجنسی	1	1396/11/14	برانت	55	دیوان محکمه استیناف ولایت پنجشیر
رر	1	1396/10/13	برانت	56	رر رر
رر	1	1396/11/23	برانت	57	رر رر
0					
تجاوزجنسی	1	96/11/29	ده سال حبس تنفیذی	58	دیوان محکمه استیناف ولایت بغلان
0					
اقدام به تجاوز	1	1396/9/4	پنج سال وششماه حبس تنفیذ	59	دیوان محکمه استیناف ولایت وردگ
رر رر	1	1396/11/10	پنج سال وششماه حبس تنفیذی	60	رر رر
تجاوزبه علت ناموس	1	رر	پنج سال وششماه حبس	61	رر رر
0					
تجاوزجنسی	1	96/2/13	یکنفربرى الذمه	62	دیوان محکمه استیناف ولایت پکتیا
رر	2	رر رر	دو نفربرى الذمه	63	رر رر
0					
تجاوزجنسی	3	1396/7/22	هرواحد شش شش سال حبس	64	دیوان محکمه استیناف ولایت دایکندی
رر	2	1396/12/1	یکنفریکسال دومي هفت ماه حبس تنفیذی	65	رر رر
رر	3	1396/5/5	هرواحد شانزده سال حبس تنفیذی	66	رر رر
رر	1	1396/6/4	هرواحد جريمه نقدی	67	رر رر
رر	1	1396/8/15	پنج سال ششماه حبس	68	رر رر

تتقیذی					
		0			
دیوان جزای محکمه شهری ولایت پروان	رر	1	96/5/1	بیست سال حبس تتقیذی	69
رر	رر	1	96/5/4	بری الذمه	70
رر	رر	1	96/10/27	بری الذمه	71
دیوان جزای استیناف ولایت پروان	تجاوزجنسی	3	96/2/27	برانت	72
رر	رر	1	1396/5/31	برانت	73
رر	رر	1	1396/9/19	هشت سال حبس تتقیذی	74
رر	رر	1	96/11/28	برانت	75
		0			
دیوان جزای محکمه استیناف ولایت لغمان	قتل وتجاوزجنسی	2	1396/10/24	بیست سال حبس تتقیذی	76
		0			
دیوان جزای محکمه شهری هلمند	تجاوزجنسی	2	1396/1/26	یکتفرپانزده سال ویکتفرشانزده سال حبس تتقیذی	77
رر	رر	1	96/1/21	ده سال حبس تتقیذی	78
رر	رر	1	96/2/4	ششماه حبس تتقیذی	79
		0			
رسیده گی به جرایم خشونت ولایت غزنی	سرقت وتجاوز	1	1396/5/15	هفت سال حبس تتقیذی	80
رر	تجاوزجنسی	1	96/5/24	بیست سال حبس تتقیذی	81
رر	رر	1	96/7/18	بیست سال حبس تتقیذی	82
		0			
دیوان جزای محکمه استیناف ولایت سمنگان	تجاوزجنسی	1	1396/7/16	پنج سال وششماه حبس	83
رر	رر	1	96/4/11	دوسال حبس تتقیذی	84
رر	رر	1	96/3/28	یکسال هشت ماه حجز	85
رر	رر	1	96/5/11	شش سال حبس تتقیذی	86
رر	رر	1	1396/5/22	هژده سال وچهارماه حبس	87
رر	رر	1	1396/6/26	دوسال هشت ماه حجز	88
رر	رر	1	1396/9/19	ده سال حبس تتقیذی	89
رر	رر	1	1396/9/22	پنج سال ویکماه حبس	90
رر	رر	1	96/10/24	پنج سال ویکماه حبس	91
رر	رر	1	1396/11/8	پنج سال ویکماه حبس	92
رر	رر	1	1396/7/6	پنج سال دوماه حبس	93
		0			
دیوان جزای محکمه استیناف کندهار	تجاوزجنسی	1	1396/7/24	چهارسال و سه ماه حبس	94
رر	رر	2	1396/11/12	هرواد هشت هشت سال حبس	95
رر	رر	1	1396/11/5	هفت سال حبس	96
رر	رر	2	1396/12/7	پنج سال حبس	97
رر	رر	1	1396/1/24	شانزده سال حبس	98
رر	رر	3	1396/2/30	یک برانت دونفرشش	99

شش سال حبس					
هرواحد پنج پنج سال یک یک ماه حبس	1396/4/13	3	رر	رر	100
هشت سال حبس تنفیذی	1396/5/2	1	رر	رر	101
هفت سال حبس تنفیذی	1396/7/24	1	رر	رر	102
هرواحد شش سال حبس	1396/8/17	2	رر	رر	103
دونفر شش شش سال حبس ویکنفر برانت	96/1/9	3	رر	رر	104
پنج سال ویکماه حبس	1396/8/23	1	رر	رر	105
رر رر	1396/9/1	1	رر	رر	106
دونفر شش شش سال ودونفر دیگر پنج سال یکماه حبس	1396/8/12	4	رر	رر	107
پنج سال و ششماه حبس	1396/10/20	1	رر	رر	108
یکسال و ششماه حبس	1396/10/18	1	رر	دیوان محکمه ابتدائیه رسیدگی به جرایم ولایت کندهار	109
دوسال حبس تنفیذی	1396/10/5	1	شروع به تجاوز	رر	110
بیست سال حبس تنفیذی	1396/10/2	1	تجاوز جنسی	رر	111
شش سال حبس تنفیذی	96/11/16	1	تجاوزیه عفت	رر	112
		0			
یکسال دوماه حبس	1396/10/5	1	قصد تجاوز	دیوان رسیده گی جرایم محکمه استیناف کاپیسا	113
ده سال حبس تنفیذی	1396/11/2	1	رر	رر	114
شش سال حبس تنفیذی	1396/12/2	1	تجاوز جنسی	رر	115
		0			
بیست سال حبس تنفیذی	1396/4/24	1	رر	دیوان رسیده گی جرایم محکمه استیناف ولایت کندز	116
رر رر	رر	1	رر	رر	117
رر رر	رر	1	رر	رر	118
شانزده سال حبس تنفیذی	1396/7/25	1	رر	رر	119
اعدام	1396/9/1	1	تجاوز منجر بقتل	رر	120
پنج سال ویکماه حبس	96/10/20	1	تجاوزیه عفت	رر	121
هشت سال حبس تنفیذی	1396/12/2	1	رر	رر	122
سه سال حبس تنفیذی	رر	1	رر	رر	123
هشت سال حبس تنفیذی	رر	1	رر	رر	124
یکسال حبس تنفیذی	1396/12/5	1	اقدام به تجاوز	رر	125
شانزده سال ویکماه حبس	1396/12/5	1	ادعا تجاوز	رر	126
شانزده سال ویکماه حبس	96/4/13	1	تجاوز جنسی	رر	127
هجده سال حبس تنفیذی	1396/5/11	1	رر	رر	128
هشت سال حبس تنفیذی	رر	1	تجاوزیه عفت	رر	129
بری الذمه	رر	1	تجاوز جنسی	رر	130
هرواحد بیست سال حبس	رر	3	رر	رر	131
پنج سال حجت تنفیذی	1396/5/11	1	رر	رر	132
شانزده سال حبس تنفیذی	1396/7/25	1	رر	رر	133

134	رر	رر	1	96/7/29	هشت سال حبس تنفیذی
135	رر	تجاوز منجر به قتل	2	96/7/30	یک نفر اعدام و یک نفر شش ماه حبس تنفیذی
			0		
136	دیوان جزا محکمه استیناف ولایت بلخ	تجاوز جنسی	1	96/2/5	بری الذمه
137	رر	رر	1	96/2/12	بری الذمه
138	رر	رر	2	1396/2/26	یک نفر شاتزده سال ودومی پنج سال یکماه حبس تنفیذی
139	رر	رر	2	1396/8/22	پنج سال حجز
140	رر	رر	2	1396/6/2	برانت
141	رر	رر	2	1396/6/27	هفت سال حبس تنفیذی
142	رر	رر	2	1396/8/15	هرواحد پنج سال یکماه حبس
143	رر	رر	1	1396/8/22	سه ماه حبس تنفیذی
144	رر	رر	2	96/10/18	هرواحد هشت سال حبس
145	دیوان شهری محکمه ولایت بلخ	رر	2	96/1/18	بری الذمه شدند
146	دیوان ابتدائیه رسیده گی اطفال ولایت بلخ	تجاوز جنسی	1	96/7/15	پنج سال حجز تنفیذی
147	دیوان ابتدائیه رسیده گی بجرائم بلخ	شروع به تجاوز	1	96/6/25	دوماه حبس تنفیذی
148	رر	رر	1	96/5/9	دوماه حبس تنفیذی
149	رر	تجاوز جنسی	1	96/6/6	هفت سال حبس تنفیذی
150	رر	رر	1	96/6/16	پنج سال حبس تنفیذی
151	رر	رر	1	96/8/1	بیست سال حبس تنفیذی
152	دیوان ابتدائیه رسیده گی بجرائم ولایت بلخ	اقدام به تجاوز	1	96/5/30	دوماه حبس تنفیذی
153	رر	شروع به تجاوز	1	96/6/25	دوماه حبس تنفیذی
154	رر	تجاوز	1	96/6/6	هفت سال حبس
155	رر	رر	1	96/6/16	پنج سال حبس تنفیذی
156	رر	رر	1	96/8/1	بیست سال حبس تنفیذی
			0		
157	دیوان رسیده گی به جرائم استیناف ولایت هرات	رر	3	96/5/31	یک نفر هشت سال دو نفر دودو سال حبس تنفیذی
158	رر	رر	1	رر	ده سال حبس تنفیذی
159	رر	شروع به تجاوز	1	1396/6/21	سه سال و شش ماه حبس
160	رر	اقدام به تجاوز	1	رر	دو سال شش ماه حبس تنفیذی
161	رر	تجاوز جنسی	1	1396/7/25	پانزده سال حبس و معادل مهر
162	رر	همکاری بافاعل تجاوز	1	96/7/25	یک سال حبس تنفیذی
163	رر	تجاوز جنسی	1	رر	سه سال حبس تنفیذی
164	رر	رر	1	1396/8/9	ده سال حبس و معادل مهر
165	رر	اقدام به تجاوز	1	1396/10/5	دو سال حبس تنفیذی
166	رر	تجاوز و فساد شا	2	1396/10/23	یک نفر بیست سال و یک نفر ده سال حبس تنفیذی

167	رر	شروع به تجاوز	1	1396/9/25	سه سال حبس تنفیذی
168	رر	تجاوزجنسی	1	1396/7/2	بیست سال حبس تنفیذی
169	رر	رر	2	1396/7/11	یکتفریبست سال ودومی ده سال حبس تنفیذی
170	رر	همکاری به تجاوز	1	رر	ششماه حبس تنفیذی
171	رر	تجاوزجنسی	2	1396/9/21	یکتفریبست سال ودومی دوسال حبس تنفیذی
172	رر	شروع به تجاوز	1	1396/9/19	دوسال حبس تنفیذی
173	رر	تجاوزجنسی	1	1396/11/24	بیست سال حبس تنفیذی
			0		
174	دیوان جزای محکمه استیناف ولایت تخار	رر	1	1396/4/18	دوسال حبس تنفیذی
175	رر	رر	1	1396/7/29	سه سال حبس تنفیذی
176	رر	رر	1	1396/8/22	پنج سال وششماه حبس تنفیذی
177	رر	رر	2	96/10/13	هرواحد شانزده سال حبس تنفیذی
178	رر	اقدام به تجاوز	1	96/12/13	یکسال وششماه حبس تنفیذی
179	رر	رر	1	رر	یکسال حبس تنفیذی
180	دیوان جزای محکمه شهری تخار	رر	1	96/4/18	دوسال حبس تنفیذی
181	دیوان جزای محکمه استیناف تخار	رر	2	96/1/27	یکتفردوسال وششماه دومی یکسال حبس تنفیذی
182	رر	رر	1	96/1/30	برانت
183	رر	رر	2	96/1/22	چهار چهارسال حبس تنفیذی
184	رر	رر	1	96/2/27	پنج سال ویکماه حبس تنفیذی
185	رر	رر	1	96/3/3	یکسال وششماه حجز
186	رر	رر	1	96/5/18	سه سال و سه ماه حبس تنفیذی
187	دیوان ابتدائیه رسیده گی بجرایم ولایت تخار	رر	1	96/6/26	سه سال حبس تنفیذی
188	رر	رر	1	96/7/4	برانت
189	رر	رر	1	رر	برانت
190	رر	رر	2	96/9/12	شانزده شانزده سال حبس تنفیذی
191	رر	رر	1	96/11/1	هزده سال حبس تنفیذی
192	رر	رر	2	96/11/18	هرواحد هزده هزده سال حبس
193	رر	دخول منزل وتجاوز	1	96/11/11	پنج سال ویکماه حبس تنفیذی
194	رر	تجاوزجنسی	1	96/11/25	شانزده سال حبس تنفیذی
195	رر	رر	1	96/12/6	دوسال حبس تنفیذی
196	رر	رر	1	96/7/29	سه سال حبس تنفیذی
197	رر	رر	1	96/8/22	شانزده سال حبس تنفیذی
198	رر	رر	2	96/10/13	شانزده شانزده سال حبس تنفیذی
199	رر	رر	1	96/12/13	یکسال وششماه حبس

تتقیذی					
یکسال حبس تتقیذی	رر	1	رر	رر	200
		0			
یکتفرشش سال دومی سه سال حبس تتقیذی	1396/3/23	2	تجاوزجنسی	محکمه ابتدانیه رسیده گی به جرایم ولایت سرپل	201
		0			
بری الذمه	96/2/12	1	رر	رر رر ولایت نیمروز	202
		0			
جریمه تقدی	96/2/27	2	رر	دیوان جزای استیناف ولایت بدخشان	203
بیست سال حبس تتقیذی	96/4/26	2	رر	رر	204
سه سال حبس تتقیذی	96/6/21	1	رر	رر	205
برانت	96/9/15	1	رر	رر	206
یکسال وششماه حبس تتقیذی	رر	1	رر	رر	207
بیست سال حبس تتقیذی	96/9/5	1	رر	رر	208
ده سال حبس تتقیذی	96/11/25	1	رر	رر	209
شانزده سال حبس تتقیذی	96/4/8	1	رر	محکمه ابتدانیه کوهستان رر	210
جریمه تقدی	96/10/17	1	رر	دیوان جزای شهری رر	211
هرواحد بیست بیست سال حبس تتقیذی	96/3/1	2	رر	رر	212
سه سال حبس تتقیذی	96/7/5	1	رر	دیوان ابتدانیه بهارک رر	213
		0			
یکتفرهده سال دونفرشانزده شانزده سال چهارمی دوسال وپنجم برانت	96/8/30	5	رر	محکمه ابتدانیه رسیده گی ولایت ننگرهار	214
		0			
هفده سال	96/1/6	1	رر	دیوان جزای محکمه استیناف ولایت جوزجان	215
شانزده سال حبس تتقیذی	96/1/9	2	رر	رر	216
بری الذمه	96/1/13	1	رر	رر	217
هفت سال حبس تتقیذی	96/1/16	1	رر	رر	218
هفت سال حبس تتقیذی	96/1/30	1	رر	رر	219
شانزده سال حبس تتقیذی	رر	1	رر	رر	220
دوسال حبس تتقیذی	96/2/10	1	رر	رر	221
شش سال حبس تتقیذی	96/3/14	1	رر	رر	222
برانت	96/3/17	1	رر	رر	223
یکسال حجز	96/6/27	1	رر	رر	224
برانت	رر	1	رر	رر	225
سه سال حبس تتقیذی	96/6/29	1	رر	رر	226
برانت	96/6/19	1	رر	رر	227
یکسال حبس تتقیذی	1396/7/26	1	رر	رر	228
پنج سال ششماه حبس تتقیذی	1396/9/8	1	رر	رر	229
سه سال حبس تتقیذی	96/9/19	1	رر	رر	230
برانت	96/2/26	1	رر	رر	231
برانت	96/10/6	1	رر	رر	232
سه سال حبس تتقیذی	96/10/30	1	رر	رر	233

234	رر	رر	1	96/11/5	پنج سال حبس تنفیذی
235	رر	رر	1	96/11/31	شش سال حبس تنفیذی
			309		

جدول تفصیلی قضایای خشونت علیه زن که طی سال 1396 از طریق محاکم ابتدائیه واستیناف مورد رسیده گی قرار گرفته اند

	محکمه مربوطه	نوع اتهام	تاریخ جلسه قضایی	تصمیم قضایی
1	دیوان رسیده گی به جرایم خشونت محکمه استیناف ولایت کابل	خشونت	1396/1/6	برانت
2	رر رر رر	قتل	1396/1/12	اعدام
3	رر رر رر رر	رر	1396/1/12	بیست سال حبس تنفیذی
4	رر رر رر	لت وکوب	1396/1/20	برانت
5	رر رر رر	رر	1396/2/2	شش ماه حبس تنفیذی
6	رر رر رر	مجروحیت	1396/2/2	برانت
7	رر رر رر	قتل	1396/2/4	رر
8	رر رر رر	سوختن منجر به فوت	1396/2/23	بیست سال حبس تنفیذی
9	رر رر رر	لواط	1	برانت
10	رر رر رر	قتل	1	هژده سال حبس تنفیذی
11	رر رر رر	ازدواج بیش از یک زن	1396/2/24	چهار ماه حبس تنفیذی
12	رر رر رر	قتل	1396/2/30	اعدام
13	رر رر رر	مسب خودکشی	1396/3/1	پنج سال و یک ماه حبس تنفیذی
14	رر رر رر	لت وکوب	1	یک ماه حبس تنفیذی
15	رر رر رر	منجر به خود کشی	1396/3/20	پنج سال و شش ماه حبس تنفیذی
16	رر رر رر	لت وکوب منجر به فوت	1	ده سال حبس تنفیذی
17	رر رر رر	لت وکوب	1396/3/21	شش ماه حبس تنفیذی
18	رر رر رر	رر	1396/3/24	شش هزار جریمه نقدی
19	رر رر رر	مسب خود کشی	1396/4/17	پنج سال و شش ماه حبس تنفیذی
20	رر رر رر	لت وکوب	1396/4/31	یک ماه حبس تنفیذی
21	رر رر رر	مسب خود کشی	1396/5/1	برانت
22	رر رر	قتل	1396/5/2	بیست سال حبس تنفیذی
23	رر رر	مسب خود کشی	1396/5/9	برانت
24	رر رر	ازار وادیت	1	رر
25	رر رر	لت وکوب	1396/5/14	برانت
26	رر رر	لت وکوب مجروحیت	1396/6/6	سه سال حبس تنفیذی
27	رر رر	قتل	1396/6/20	بیست سال حبس تنفیذی
28	رر رر	رر	1396/6/27	رر
29	رر رر	مسب خودکشی	1396/7/1	هر دو برانت
30	رر رر	مجروحیت	1396/7/15	یک سال حبس تنفیذی
31	رر رر	لت وکوب	1396/7/16	برانت

32	رر	رر	توهین و تحقیر	3	1396/7/23	سه ماه حبس تنفیذی
33	رر	رر	لت وکوب	1	رر	سه سال حبس تنفیذی
34	رر	رر	قتل	1	1396/7/25	هژده سال حبس تنفیذی
35	رر	رر	آزار وادیت	1	1396/7/29	ششماه حبس تنفیذی
36	رر	رر	قتل	1	1396/8/6	شانزده سال حبس تنفیذی
37	رر	رر	قتل	1	رر	رر
38	رر	رر	مسبب خودکشی	1	رر	ده سال حبس تنفیذی
39	رر	رر	رر	1	1396/8/8	پنج سال یکماه حبس تنفیذی
40	رر	رر	قتل	1	رر	بیست سال حبس تنفیذی
41	رر	رر	آزار وادیت	1	1396/8/9	برانت
42	رر	رر	قتل	1	1396/8/13	بیست سال حبس تنفیذی
43	رر	رر	آزار وادیت وانزوای اجباری	1	1396/8/20	برانت
44	رر	رر	لت وکوب	1	رر	شش هزار جریمه نقدی
45	رر	رر	مسبب خودکشی	2	رر	برانت
46	رر	رر	مسبب قتل	2	رر	هر دو برانت
47	رر	رر	لت وکوب	1	1396/8/22	یکماه حبس تنفیذی
48	رر	رر	رر	1	1396/8/30	حبس گذشته بحالش کافی
49	رر	رر	رر	4	1396/9/4	هرواحد یک یک ماه حبس تنفیذی
50	رر	رر	خودسوزی منجر فوت	1	رر	برانت
51	رر	رر	لت وکوب	1	1396/9/5	چهارماه حبس تنفیذی
52	رر	رر	مجر و حیت	1	1396/9/11	یکسال حبس تنفیذی
53	رر	رر	رر	1	رر	رر
54	رر	رر	قتل	2	1396/9/18	هر دو برانت
55	رر	رر	لت وکوب منجر فوت	1	1396/9/25	دو سال حبس تنفیذی
56	رر	رر	قتل	1	1396/10/9	یک نفر بیست سال حبس ودومی برانت
57	رر	رر	لت وکوب وادعای قتل	3	رر	هر سه متهمین برانت
58	رر	رر	مسبب خود کشی	3	1396/10/12	رر
59	رر	رر	قتل	1	96/10/16	برانت
60	رر	رر	لت وکوب	1	رر	دوماه حبس تنفیذی
61	رر	رر	مسبب خودکشی	2	رر	یک نفر پنج سال و یک نفر برانت
62	رر	رر	قتل	1	رر	شانزده سال حبس تنفیذی
63	رر	رر	لت وکوب	2	96/10/20	هرواحد جریمه نقدی
64	رر	رر	لت وکوب	1	96/10/23	هشت ماه حبس تنفیذی
65	رر	رر	قتل	1	96/10/30	برانت

66	رر	رر	لت وکوب	1	1396/11/1	هشت ماه حبس تنفیذی
67	رر	رر	رر	1	1396/11/4	برانت
68	رر	رر	مسبب خود کشی	1	رر	برانت
69	رر	رر	لت وکوب و سوختاندن	1	96/11/17	پنج سال و یکماه حبس تنفیذی
70	رر	رر	مسبب خود کشی	2	96/11/21	هردونفر برانت
71	محکمه ابتدائیه رسیدہ کی استیناف ولایت کابل		قتل	2	96/1/14	هرواحد بری الذمه
72	رر	رر	رر	1	رر	اعدام
73	رر	رر	ضرب منجریفوت	1	96/1/15	ده سال حبس تنفیذی
74	رر	رر	قتل	2	1396/2/4	یکنفر هژده سال حبس دومی برانت
75	رر	رر	رر	1	96/2/12	شانزده سال حبس تنفیذی
76	رر	رر	رر	2	1396/2/18	یکنفر بیست سال حبس دومی جرمه نقدی
77	رر	رر	رر	1	رر	بیست سال حبس تنفیذی
78	رر	رر	رر	1	1396/3/9	هفده سال حبس تنفیذی
79	رر	رر	رر	1	1396/3/22	هژده سال حبس تنفیذی
80	رر	رر	رر	1	رر	بیست سال حبس تنفیذی
81	رر	رر	رر	1	1396/5/1	بیست سال حبس تنفیذی
82	رر	رر	رر	1	96/6/4	بیست سال حبس تنفیذی
83	رر	رر	ضرب منجریفوت	1	1396/7/11	ده سال حبس تنفیذی
84	رر	رر	قتل	1	1396/7/15	بری الذمه
85	رر	رر	ضرب منجریفوت	1	1396/8/2	پانزده سال حبس تنفیذی
86	رر	رر	قتل	2	1396/8/13	هرواحد بیست بیست سال حبس تنفیذی
87	رر	رر	رر	1	1396/8/16	هفده سال حبس تنفیذی
88	رر	رر	رر	1	1396/8/22	بیست سال حبس تنفیذی
89	رر	رر	خشونت منجریفوت	3	1396/9/27	دونفر ده ده سال حبس سومی برانت
90	رر	رر	قتل	1	1396/9/14	بیست سال حبس تنفیذی
91	رر	رر	رر	2	1396/10/5	یکنفر بیست سال و یکنفر بری الذمه
92	رر	رر	رر	1	96/10/30	شانزده سال حبس تنفیذی
93	رر	رر	رر	1	96/11/16	بیست سال حبس تنفیذی
94	رر	رر	رر	1	رر	رر
95	رر	رر	رر	1	96/11/17	رر
96	رر	رر	مسبب خودکشی	1	96/1/29	پنج سال و ششماه حبس تنفیذی
97	رر	رر	رر	2	1396/2/4	هرواحد بری الذمه
98	رر	رر	رر	1	96/3/1	ده سال حبس تنفیذی
99	رر	رر	رر	1	96/3/24	بری الذمه
100	رر	رر	رر	3	96/4/17	یکنفر شش سال حبس دونفر بری الذمه
101	رر	رر	رر	2	96/5/1	هرواحد بری الذمه

102	رر	رر	2	96/5/24	یکنفر پنج سال ویکماه ویکنفر بری الذمه
103	رر	رر	2	96/8/7	هرواحد بری الذمه
104	رر	رر	1	96/8/22	پنج سال و ششماه حبس تنفیذی
105	رر	سوختاندن عمدی	1	1396/9/6	ده سال حبس تنفیذی
106	رر	رر	1	96/10/26	ده سال و هشت ماه حبس تنفیذی
107	رر	مسب بخود کشی	1	96/9/13	هشت سال حبس تنفیذی
108	رر	رر	2	96/10/26	یکنفر سه سال و سه ماه حبس و دومی برانت
109	رر	رر	1	96/11/2	بری الذمه
110	رر	رر	1	96/11/16	پنج سال و ششماه حبس تنفیذی
111	رر	رر	1	96/11/23	بری الذمه
112	رر	مجبور بحد شا	1	96/11/23	هشت سال حبس تنفیذی
113	رر	مجرور حیت	1	96/1/21	ششماه حبس و جرمه نقدی
114	رر	رر	1	96/5/16	یکسال حبس تنفیذی
115	رر	رر	1	رر	ده ماه حبس تنفیذی
116	رر	رر	1	96/7/29	هشت ماه حبس تنفیذی
117	رر	رر	1	96/8/22	دو سال حبس تنفیذی
118	رر	رر	1	96/10/30	ده ماه حبس تنفیذی
119	رر	رر	1	96/11/30	ده سال حبس تنفیذی
120	رر	ازار و ادیت واژدواج پابیش از یک زن	1	96/1/29	بری الذمه
121	رر	ازار و ادیت	1	96/2/26	چهار ماه حبس تنفیذی
122	رر	رر	1	1396/3/9	شش ماه حبس تنفیذی
123	رر	رر	1	1396/5/3	یکسال و یکماه حبس تنفیذی
124	رر	رر	1	96/5/23	سه ماه حبس تنفیذی
125	رر	رر	1	96/5/31	بری الذمه
126	رر	رر	1	96/8/7	یازده ماه حبس تنفیذی
127	رر	رر	1	رر	یکسال حبس تنفیذی
128	رر	رر	1	96/9/13	یکسال حبس تنفیذی
129	رر	رر	1	96/10/11	چهار ماه حبس تنفیذی
130	رر	رر	1	رر	یکسال و ششماه حبس تنفیذی
131	رر	لت و کوب	2	96/1/14	هرواحد جرمه نقدی
132	رر	رر	1	96/1/15	پنج ماه حبس تنفیذی
133	رر	رر	1	96/1/21	ششماه حبس تنفیذی
134	رر	رر	1	رر	ششماه حبس تنفیذی
135	رر	رر	1	96/1/29	سه ماه حبس تنفیذی
136	رر	رر	1	96/2/30	ششماه حبس تنفیذی
137	رر	رر	1	96/3/1	یکماه حبس تنفیذی
138	رر	رر	1	96/3/2	بری الذمه
139	رر	رر	1	96/3/23	سه ماه حبس تنفیذی
140	رر	رر	1	96/4/12	چهار ماه حبس تنفیذی
141	رر	رر	1	96/4/17	چهار ماه حبس تنفیذی

142	رر	رر	1	96/4/31	سه ماه حبس تنفیذی
143	رر	رر	1	96/5/1	چهار ماه حبس تنفیذی
144	رر	رر	2	96/5/3	یک نفر جریمه نقدی دومی برانت
145	رر	رر	1	96/5/16	سه ماه حبس تنفیذی
146	رر	رر	1	96/5/23	سپری شده بحالش کافی
147	رر	رر	1	96/5/31	بری الذمه
148	رر	رر	1	رر	سه سال حبس تنفیذی
149	رر	رر	1	96/6/6	شش ماه حبس تنفیذی
150	رر	رر	1	96/6/27	یک ماه حبس تنفیذی
151	رر	رر	1	رر	یک نیم ماه حبس تنفیذی
152	رر	رر	1	رر	یک ماه حبس تنفیذی
153	رر	رر	1	رر	دو ماه و شش روز حبس
154	رر	رر	2	96/6/28	یک نفر سه ماه دومی بری الذمه
155	رر	رر	1	96/7/4	شش ماه حبس تنفیذی
156	رر	رر	1	رر	چهار ماه حبس تنفیذی
157	رر	رر	1	96/7/11	سه ماه حبس تنفیذی
158	رر	رر	1	96/7/15	دو ماه حبس تنفیذی
159	رر	رر	1	رر	پنج ماه حبس تنفیذی
160	رر	رر	1	96/7/17	دو ماه حبس تنفیذی
161	رر	رر	1	1396/8/2	جریمه نقدی
162	رر	رر	1	96/8/13	شش ماه حبس و جریمه نقدی
163	رر	رر	1	96/8/20	سه ماه حبس تنفیذی
164	رر	رر	3	96/8/22	یک نفر سه ماه حبس و جریمه نقدی و دو نفر بری الذمه
165	رر	رر	1	96/8/29	چهار ماه حبس تنفیذی
166	رر	رر	1	1396/9/6	رر رر
167	رر	رر	1	96/9/13	یک سال حبس تنفیذی
168	رر	رر	1	رر	پنج ماه حبس تنفیذی
169	رر	رر	1	96/9/2	پانزده روز حبس تنفیذی
170	رر	رر	1	96/9/27	بری الذمه
171	رر	رر	1	رر	یک سال حبس تنفیذی
172	رر	رر	1	96/9/28	سه ماه حبس تنفیذی
173	رر	رر	1	رر	حبس گذشته کافیت
174	رر	رر	3	96/10/11	هرواحد سه ماه حبس تنفیذی
175	رر	رر	1	96/11/2	چهار ماه حبس تنفیذی
176	رر	رر	1	96/11/17	سه سال حبس تنفیذی
177	رر	رر	1	رر	شش ماه حبس تنفیذی
178	رر	رر	1	96/11/18	بری الذمه
179	رر	رر	2	96/11/22	یک نفر چهار ماه و یک نفر سه ماه حبس تنفیذی
180	رر	رر	1	96/11/23	سه ماه حبس تنفیذی
181	رر	رر	1	96/11/28	چهار ماه حبس تنفیذی
182	رر	رر	1	رر	سه ماه حبس و جریمه نقدی
183	رر	رر	1	رر	پنج ماه حبس تنفیذی
184	رر	رر	1	96/12/2	بری الذمه

185	رر	رر	1	رر	بری الذمه
186	رر	ازدواج بابیش ازیک زن	1	96/2/17	چهارماه حبس تنفیذی
187	رر	رر	1	96/5/23	پنج ماه حبس تنفیذی
188	رر	رر	1	96/6/26	بری الذمه
189	رر	رر	2	96/10/30	یکنفرپنج سال حبس ویکنفربری الذمه
190	رر	دوودشنام	5	96/2/26	هرواحد سه سه ماه حبس تنفیذی
191	رر	توهین وتحقیر	1	96/3/9	بری الذمه
192	رر	رر	1	96/10/26	سه ماه حبس تنفیذی
			0		
193	محکمه استیناف ولایت بادغیس	لت وکوب	1	1396/2/10	یکسال ویکماه حجز
194	رر رر	رر	1	1396/2/16	بیست یوم حبس
195	رر رر	رر	1	1396/2/24	بری الزمه
196	رر رر	رر	1	1396/4/13	دوماه حجزتنفیذی
197	رر رر	قتل	1	1396/5/23	یکسال حبس
198	رر رر	مجروحیت	1	1396/6/29	یکسال ویکماه حجز
199	رر رر	لت وکوب	1	1396/6/29	دوماه حجزدرمنزل
200	رر رر	قتل	2	1396/7/8	بری الذمه
201	رر رر	مجروحیت	1	1396/7/18	یکسال حجزتنفیذی
202	رر رر	لت وکوب	2	1396/8/10	هرواحد پنج سال یکماه حبس
203	رر رر	ازدواج اجباری	2	1396/9/25	هرواحد سه سال حبس
204	رر رر	مجروحیت	1	1396/10/21	دوماه حبس تنفیذی
205	رر رر	ضرب جرح	3	96/10/25	هرواحد سه ماه حجز
206	رر رر	مجروحیت	1	96/11/7	یکماه حجزتنفیذی
207	رر رر	لت وکوب	1	1396/6/10	یکسال هشت ماه حجز
208	رر رر	رر	1	1396/2/16	حبس سپری شده کافی است
209	رر رر	رر	1	1396/2/24	بری الذمه
210	رر رر	قتل	1	1396/5/14	شانزده سال حبس
211	رر رر	سبب قتل	1	96/6/27	یکسال حبس
212	رر رر	خشونت علیه زن	1	1396/7/10	برانت
			0		
213	محکمه استیناف ولایت فاریاب	خشونت علیه زن	1	139/5/210	شش سال حبس تنفیذی
214	رر رر	خشونت علیه زن	1	1396/5/11	جریمه نقدی
215	رر رر	رر	1	1396/9/12	حبس سپری شده بحالش کافی
216	رر رر	رر	1	1396/12/7	رر رر
217	رر رر	رر	1	96/11/29	یک سال و سه ماه حبس
218	رر رر	رر	1	96/12/7	حبس سپری شده بحالش کافی
219	رر رر	رر	1	1396/10/5	ده سال حبس تنفیذی
220	رر رر	رر	2	96/10/16	یکنفرسه ماه حبس یکنفربرانت
221	رر رر	خشونت	1	1396/8/9	سه ماه حبس تنفیذی

			علیه زن		
222	رر رر	رر	5	1396/7/24	هرواحد برانت
223	رر رر	رر	1	1396/8/7	سه ماه حبس تنفیذی
			0		
224	دیوان استیناف ولایت بامیان	لت وکوبی	1	1396/4/27	سه ماه حبس تنفیذی
225	رر رر	رر رر	1	1396/4/27	دوماه حبس تنفیذی
226	رر	قتل	1	96/12/10	اعدام
227	رر رر	رر رر	3	1396/6/27	هرواحد جریمه نقدی
228	رر رر	رر رر	1	1396/6/25	دوماه حبس تنفیذی
229	رر رر	رر رر	1	1396/7/4	یکسال حبس تنفیذی
230	رر رر	رر رر	1	1396/7/24	سه ماه حبس تنفیذی
231	رر رر	رر رر	1	1396/8/18	برانت الذمه
232	رر رر	رر	1	1396/8/20	جریمه نقدی
233	رر رر	خشونت اقدام بقتل	2	1396/9/29	هرواحد سه سال حبس تنفیذی
234	رر رر	لت وکوبی	3	1396/9/14	هرواحد ده روزحبس تنفیذی
235	رر رر	لت وکوبی	1	96/1/19	دوماه جزددرمزل
236	رر رر	اقدام بقتل	2	1396/2/13	پنج سال ویکماه حبس تنفیذی
237	رر رر	لت وکوب	1	1396/1/20	دوسال و ششماه حبس تنفیذی
238	رر رر	رر	1	1396/3/4	جریمه نقدی
239	رر رر	رر	1	1396/3/8	سه ماه حبس تنفیذی
240	رر رر	رر	1	1396/3/23	سه ماه حبس تنفیذی
241	رر رر	رر	3	1396/4/21	هرواحد جریمه نقدی
242	رر رر	ضرح وجرح	1	1396/8/13	برانت الذمه
243	رر رر	رر	1	1396/8/14	رر
244	رر رر	لت وکوب	1	1396/9/5	برانت الذمه
245	رر رر	رر	2	96/10/11	هرواحد یکماه پانزده روزحبس
246	رر رر	رر	2	1396/9/29	هرواحد سه سال حبس تنفیذی
247	رر رر	رر	3	1396/9/14	هرواحد ده روزحبس تنفیذی
248	رر رر	رر	1	1396/5/30	جریمه نقدی
249	رر رر	رر	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
250	رر رر	رر	1	1396/7/16	حبس گذشته بحالش کافی
251	رر رر	لت وکوب	1	1396/7/20	برانت الذمه
252	رر رر	لت وکوب	5	1396/8/9	هرواحد برانت الذمه
253	رر رر	لت وکوب وضرب وجرح	3	1396/9/6	دو نفرده ده روزویکتفر پانزده روز حبس تنفیذی
254	رر رر	لت وکوب	1	1396/10/16	برانت الذمه
255	رر رر	ضرب وجرح	1	1396/10/25	یکماه حبس تنفیذی
256	رر رر	رر	1	1396/12/5	برانت الذمه
			0		
257	دیوان استیناف ولایت غور	لت وکوب	1	1396/5/7	یکماه حبس تنفیذی
258	رر رر	رر	1	1396/5/15	یکسال ویکماه حبس تنفیذی

259	رر	رر	ازارادیت	1	1396/5/31	سه ماه حبس تنفیذی
260	رر	رر	خود سوژی	1	1396/6/20	برانت
261	رر	رر	لت وکوب	1	1396/7/25	یکماه حبس تنفیذی
262	رر	رر	رروازدواج زیرسن قانون	4	1396/11/7	یکنفر دوسال ششماه یکنفر یکسال ودونفر برانت
263	رر	رر	حلق اویز	1	96/11/16	برانت
264	رر	رر	خشونت	1	1396/12/7	سه سال حبس تنفیذی
265	رر	رر	رر	1	1396/5/10	یکماه حبس تنفیذی
266	رر	رر	رر	2	1396/5/18	یکنفر پنج سال و ششماه حبس یکنفر برانت
267	رر	رر	رر	1	1396/6/28	برانت حکم شده
268	رر	رر	رر	1	1396/7/12	برانت
				0		
269	دیوان محکمه استیناف ولایت پنجشیر	خشونت علیه زن	2	1396/6/20	یکنفر ششماه و دومی جریمه نقدی	
				0		
270	دیوان محکمه استیناف ولایت بغلان	قتل	3	96/12/8	هرواحد شانزده سال ویکماه حبس تنفیذی	
271	رر	رر	لت وکوب	1	96/11/29	یکماه ده روز حبس تنفیذی
				0		
272	دیوان جزای محکمه استیناف وردگ	توهین ودشنام	2	1396/8/7	برانت	
273	رر	رر	قتل خطا	1	1396/11/3	یکسال حبس تنفیذی
274	رر	رر	لت وکوب منجر بقتل	5	1396/11/8	یکنفر بیست سال دونفر شانزده سال ویکنفریه پنج سال ویکماه ویکنفر پنج ماه حبس تنفیذی
275	رر	رر	فریب کاری	1	1396/11/2	چهار سال ودوماه حبس تنفیذی
276	رر	رر	قتل	1	1396/11/3	شانزده سال حبس تنفیذی
				0		
277	دیوان محکمه استیناف ولایت پکتیا	خشونت منجر بقتل	1	1396/3/30	بری الذمه	
278	رر	رر	رر	2	96/3/23	یکنفر بیست و پنج سال یکنفر بری الذمه
279	رر	رر	رر	1	رر	یک سال حبس تنفیذی
280	رر	رر	رر	3	96/7/18	هرواحد بیست بیست سال حبس تنفیذی
281	رر	رر	رر	2	96/5/16	یکنفر ده سال حبس تنفیذی
282	رر	رر	قتل	3	96/9/20	هرواحد بیست بیست سال تنفیذی
283	رر	رر	رر	2	96/10/12	هر دوبری الذمه
				0		
284	دیوان محکمه استیناف ولایت پکتیکا	خشونت علیه زن	2	96/2/12	شش سال حبس تنفیذی	
285	رر	رر	رر	1	96/3/9	پنج سال ویکماه حبس
286	رر	رر	رر	1	96/6/27	دوماه وده روز حبس
287	رر	رر	خشونت	1	96/11/16	شانزده سال حبس

تتقیذی			منجرقتل		
ششماه حبس تتقیذی	96/9/19	1	نکاح اجباری	رر رر	288
		0			
یکنفر ششماه حبس ویکنفر جریمه نقدی	96/1/19	2	لت وکوبی	دیوان جزای استیناف ولایت دایکندی	289
سه ماه حبس تتقیذی	رر	1	رر رر	رر	290
هرواحد جریمه نقدی	1396/2/2	2	رر رر	رر	291
هرواحد جریمه نقدی	رر	3	رر رر	رر	292
جریمه نقدی	96/2/18	1	رر رر	رر	293
جریمه نقدی	رر	1	رر رر	رر	294
دوماه حبس تتقیذی	96/3/13	1	رر رر	رر	295
سه ماه حجز در منزل	96/4/15	1	رر رر	رر	296
جریمه نقدی	رر	1	رر رر	رر	297
هرواحد جریمه نقدی	رر	2	رر	رر	298
هرواحد جریمه نقدی	1396/5/7	3	رر	رر	299
هرواحد جریمه نقدی	96/7/8	2	رر	رر	300
شش سال حبس تتقیذی	96/5/21	1	خشونت منجر به فوت	دیوان رسیدگی به جرایم خشونت علیه زن ولایت دایکندی	301
سه ماه حبس تتقیذی	رر	1	لت وکوبی	رر	302
یکماه حبس تتقیذی	رر	1	رر	رر	303
یکنفر پنج ماه ویکنفر یکماه حبس تتقیذی	رر	2	رر	رر	304
یکنفر یکسال ششماه حبس ویکنفر جریمه نقدی	96/5/29	2	رر	رر	305
هرواحد جریمه نقدی	96/5/31	2	رر	رر	306
سه ماه حبس تتقیذی	رر	1	رر	رر	307
هرواحد سیزده سیزده روز حبس	96/6/5	2	رر	رر	308
هرواحد جریمه نقدی	96/6/7	2	رر	رر	309
هرواحد جریمه نقدی	96/6/22	2	رر	رر	310
ششماه حبس تتقیذی	1396/7/1	1	ضرب وجرح	رر	311
یکماه سه روز حبس تتقیذی	رر	1	لت وکوبی	رر	312
هرواحد جریمه نقدی	1396/8/2	2	رر	رر	313
بیست یک روز حبس تتقیذی	1396/8/9	1	رر	رر	314
هرواحد سه سه ماه حبس تتقیذی	1396/8/27	2	رر	رر	315
سه ماه حبس تتقیذی	96/8/29	1	رر	رر	316
هرواحد هجده هجده روز حبس	1396/9/4	2	رر	رر	317
پنج سال حبس تتقیذی	1396/9/4	1	خشونت منجر به خودکشی	رر	318
سه ماه حبس تتقیذی	1396/9/20	1	لت وکوبی	رر	319
یکماه و بیست روز حبس تتقیذی	رر	1	رر	رر	320
سه ماه حبس تتقیذی	1396/9/28	1	رر	رر	321
پنج ماه حبس تتقیذی	1396/10/5	1	رر	رر	322

یکماه حبس تنفیذی	رر	1	رر	رر	323
هرواحد بیست و چهار روز حبس	96/10/30	2	رر	رر	324
هرواحد جریمه نقدی	96/11/5	2	رر	رر	325
جریمه نقدی	96/11/11	1	رر	رر	326
سه سال حبس تنفیذی	96/11/12	1	ضرب و جرح	رر	327
دوازده روز حبس تنفیذی	96/12/5	1	لت و کوب	رر	328
سه ماه حبس تنفیذی	96/2/11	1	رر	دیوان جزا محکمه ابتدائیه شهرى	329
هرواحد پنج روز حبس	96/2/26	2	رر	رر	330
جریمه نقدی	1396/4/14	1	رر	رر	331
یکسال و دو ماه حبس تنفیذی	96/4/18	1	خرید و فروش به بهانه ازدواج	رر	332
جریمه نقدی	96/4/19	1	لت و کوبی	رر	333
سه ماه حبس تنفیذی	1396/5/4	1	رر	محکمه ابتدائیه رسیدگی به جرایم خشونت رر	334
سه ماه حبس تنفیذی	1396/5/5	1	رر	رر	335
هرواحد جریمه نقدی	96/5/21	2	رر	رر	336
هرواحد جریمه نقدی	1396/5/23	3	رر	رر	337
هرواحد یک یک ماه حبس تنفیذی	رر	2	رر	رر	338
هرواحد جریمه نقدی	رر	2	رر	رر	339
جریمه نقدی	96/5/24	1	رر	رر	340
سه ماه حبس تنفیذی	96/4/25	1	رر	رر	341
هرواحد جریمه نقدی	96/5/25	2	رر	رر	342
هرواحد جریمه نقدی	رر	4	ضرب و جرح	رر	343
دوماه حبس تنفیذی	96/5/29	1	لت و کوب	رر	344
جریمه نقدی	96/5/30	1	رر	رر	345
هرواحد جریمه نقدی	96/6/1	5	رر	رر	346
هرواحد جریمه نقدی	1396/6/4	2	رر	رر	347
هرواحد جریمه نقدی	رر	2	رر	رر	348
هرواحد جریمه نقدی	96/6/26	2	لت و کوب و دشنام	رر	349
هرواحد سه سه ماه حبس تنفیذی	96/7/3	2	دشنام و تهدید	رر	350
هرواحد جریمه نقدی	96/7/15	5	لت و کوبی	رر	351
جریمه نقدی	96/7/19	1	رر	رر	352
هرواحد سه سه ماه حبس تنفیذی	96/7/24	2	رر	رر	353
جریمه نقدی	رر	1	رر	رر	354
دو دو نفر یک یک ماه حبس و یک نفر برانت	96/7/30	3	ضرب و جرح	رر	355
پنج سال حبس تنفیذی	96/8/3	1	خشونت منجر به فوت	رر	356
جریمه نقدی	96/8/7	1	تهدید	رر	357
سه ماه و ده روز حبس تنفیذی	96/8/8	1	تخویف	رر	358
هرواحد جریمه نقدی	96/8/10	4	لت و کوب	رر	359
هرواحد جریمه نقدی	رر	2	رر	رر	360

جریمه نقدی	رر	1	رر	رر	361
جریمه نقدی	96/8/14	2	رر	رر	362
دوماه حبس تنفیذی	رر	1	رر	رر	363
هرواحد جریمه نقدی	96/8/16	4	رر	رر	364
هرواحد جریمه نقدی	رر	3	رر	رر	365
هرواحد جریمه نقدی	96/8/20	2	رر	رر	366
جریمه نقدی	96/8/27	1	رر	رر	367
هرواحد جریمه نقدی	رر	2	رر	رر	368
هرواحد جریمه نقدی	96/9/1	2	رر	رر	369
دوماه حبس تنفیذی	96/9/13	1	رر	رر	370
یکماه حبس تنفیذی	96/9/19	1	رر	رر	371
یکماه حبس تنفیذی	96/9/19	1	رر	رر	372
هرواحد جریمه نقدی	1396/9/21	4	رر	رر	373
هرواحد جریمه نقدی	1396/9/22	6	رر	رر	374
جریمه نقدی	1396/9/23	1	رر	رر	375
یکماه حبس تنفیذی	1396/9/25	1	رر	رر	376
جریمه نقدی	رر	1	مجروریت	رر	377
هرواحد جریمه نقدی	1396/9/28	2	رر	رر	378
هرواحد جریمه نقدی	96/9/30	2	لت وکوب	رر	379
هرواحد دودونیم ماه حبس تنفیذی	96/10/4	4	ضرب و جرح	رر	380
هرواحد جریمه نقدی	96/10/6	2	لت وکوب	رر	381
هرواحد یکماه وپانزده روزحبس تنفیذی	96/10/7	2	رر	رر	382
سه ماه ده روزحبس تنفیذی	96/10/19	1	دشنام	رر	383
جریمه نقدی	96/10/28	1	لت وکوبی	رر	384
یکماه حبس تنفیذی	96/11/12	1	رر	رر	385
هرواحد جریمه نقدی	رر	1	رر	رر	386
پنج ماه حبس تنفیذی	رر	1	لت وکوب و تخویف	رر	387
یکماه حبس تنفیذی	96/11/15	1	لت وکوب	رر	388
یکتفریکماه وپانزده روزدونفربرانت	96/11/22	3	رر	رر	389
ده روزحبس تنفیذی	96/11/23	1	رر	رر	390
ده سال و ششماه حبس تنفیذی	96/11/24	1	اتش زدن	رر	391
دوسال حبس تنفیذی	96/1/31	1	لت وکوب	محکمه ابتدائیه کیتی ولایت دایکندی	392
جریمه نقدی	96/2/24	1	رر	رر	393
یکسال دوماه حبس تنفیذی	96/3/21	1	رر	رر	394
شش سال حبس تنفیذی	رر	1	خسونت منجریه خودکشی	رر	395
دوماه حبس تنفیذی	96/4/19	1	لت وکوبی	رر	396
هرواحد سه سه ماه حبس تنفیذی	96/3/15	2	رر	محکمه ابتدائیه میرامور دایکندی	397
یکسال حبس تنفیذی	96/4/24	1	رر	رر	398
هرواحد جریمه نقدی	96/2/2	3	رر	محکمه ابتدائیه سنگتخت و بندردایکندی	399
یکتفریکماه حبس ویکتفرجریمه نقدی	1396/2/11	2	رر	رر	400
هرواحد جریمه نقدی	96/3/17	2	رر	رر	401

402	محکمه ابتدائیه شهرستان دایکندی	رر	1	1396/2/10	جریمه نقدی
403	رر	رر	3	96/3/7	هرواحد جریمه نقدی
404	محکمه ابتدائیه خدیر دایکندی	رر	1	1396/2/21	جریمه نقدی
405	رر	توهین وتحقیر	1	1396/5/7	سه ماه حبس تنفیذی
			0		
406	دیوان خشونت علیه زن استیناف ننگرهار	لت وکوبی	1	1396/7/4	جریمه نقدی
407	رر	قتل همشیره	3	96/11/10	یکتفر بیست سال دونفر برانت
408	رر	رر	1	1396/12/1	یکسال پنج ماه حبس
409	محکمه ابتدائیه منع خشونت علیه زن ننگرهار	لت وکوبی	1	1396/6/22	شش ماه حبس تنفیذی
410	رر	قتل	3	96/10/4	بیست سال حبس تنفیذی
411	رر	قتل	4	96/10/19	دو سال ششماه حبس تنفیذی
412	رر	لت وکوبی	5	96/10/11	حبس گذشته بحالشان کافیست
413	رر	رر	1	رر	چهار ماه حبس تنفیذی
414	رر	رر	1	رر	پنج ماه حبس تنفیذی
415	رر	رر	1	96/11/1	یکماه حبس تنفیذی
416	رر	خودکشی	1	96/11/19	یکسال ششماه حبس تنفیذی
417	رر	ممانعت از حق ازدواج	1	96/11/29	پنج ماه حبس تنفیذی
418	دیوان جزای محکمه استیناف ننگرهار	ازار ادیت	1	1396/2/19	پنج ماه حبس تنفیذی
419	رر	مجروحیت	1	96/2/26	ششماه حبس تنفیذی
420	رر	لت وکوبی	1	96/10/11	حبس گذشته کافیست
			0		
421	دیوان جزای محکمه شهری ولایت پروان	لت وکوب	1	96/4/25	دوماه حبس تنفیذی
422	رر	رر	1	96/4/25	سه ماه حبس تنفیذی
423	رر	خشونت	1	96/5/4	سه ماه حبس تنفیذی
424	رر	لت وکوبی	1	96/5/24	سه ماه حبس تنفیذی
425	رر	خشونت	1	96/7/2	یکسال حبس تنفیذی
426	رر	لت وکوبی	1	96/8/21	ششماه حبس تنفیذی
427	دیوان جزای استیناف ولایت پروان	قتل	1	96/1/22	بیست سال حبس تنفیذی
428	رر	قتل	1	1396/4/18	شانزده سال حبس تنفیذی
429	رر	لت وکوبی	1	96/4/27	38 روز حبس تنفیذی
430	رر	توهین ودشنام	1	96/5/31	سه ماه حبس تنفیذی
431	رر	خرید وفروش زن	1	96/7/4	پنج سال حبس تنفیذی
432	رر	مسبب قتل	1	96/11/11	دو سال حبس تنفیذی
433	رر	خرید وفروش زن	1	1396/12/6	حبس گذشته بحالشان کافیست
			0		
434	دیوان جزای محکمه شهری ولایت لوگر	فروش زن	2	96/1/22	هرواحد جریمه نقدی

435	رر	خشونت منجر بقتل	1	1396/9/28	پنج سال حبس تنفیذی
436	دیوان جزای استیناف ولایت لوگر	رر	2	96/10/25	شانزده سال حبس تنفیذی
437	رر	رر	2	96/10/12	یکنفر یکسال دومی شانزده سال حبس تنفیذی
438	رر	منجر به خودکشی	1	96/11/24	پنج سال و چهار ماه حبس تنفیذی
439	دیوان محکمه استیناف ولایت لغمان	قتل همسر	1	1396/4/13	اعدام
440	رر	خشونت منجر به خودکشی	1	1396/6/21	ده سال حبس تنفیذی
441	رر	لت وکوب	1	96/11/15	دوماه حبس تنفیذی
442	رر	رر	1	96/7/2	شش ماه حبس تنفیذی
443	دیوان جزای شهری ولایت لغمان	خشونت منجر به خودکشی	1	1396/4/22	برالذمه
444	رر	لت وکوب	1	1396/5/15	شش ماه حبس تنفیذی
445	رر	لت وکوب	1	96/10/10	دوماه حبس تنفیذی
446	رر	رر	3	96/5/8	بیست روز حبس
447	دیوان جزای محمه شهری ولایت هلمند	خشونت علیه زن	1	96/2/19	دوماه حبس تنفیذی
448	رر	رر	1	1396/3/2	سه ماه حبس تنفیذی
449	رر	رر	1	96/3/20	یکسال حبس تنفیذی
450	رر	رر	1	1396/7/2	سه ماه حبس تنفیذی
451	رر	خشونت علیه زن	2	1396/7/25	هرواحد پنج پنج سال یکماه حبس تنفیذی
452	رر	خشونت منجر به قتل	2	1396/8/6	یکنفر شانزده سال دومی دوماه حبس تنفیذی
453	رر	خشونت	1	96/10/12	چهار ماه حبس تنفیذی
454	رر	رر	1	96/11/21	ده سال حبس تنفیذی
455	دیوان رسیدگی به جرایم خشونت استیناف ولایت غزنی	لت وکوب	1	96/7/4	پنج ماه حبس تنفیذی
456	رر	هتک حرمت	1	1396/5/15	برای الذمه
457	رر	ضرب و جرح	1	96/6/25	سه ماه حبس تنفیذی
458	رر	لت وکوب منجر بقتل	1	96/8/20	شش سال و سه ماه حبس تنفیذی
459	رر	لت وکوب ودشنام	3	1396/9/27	یکنفر دوماه دومی یکماه وسومی سه ماه حبس تنفیذی
460	رر	ضرب جرح رر	2	96/10/2	یکنفر یکسال و سه ماه دومی جریمه نقدی
461	رر	اذیت و آزار	2	96/10/9	هرواحد هفت هفت ماه حبس تنفیذی
462	رر	لت وکوب	1	96/10/21	سه ماه حبس تنفیذی
463	رر	خشونت منجر به خودکشی	1	1396/3/9	ده سال حبس تنفیذی

		0			
464	دیوان جزای شهری ولایت سمنگان	لت وکوب	1	96/2/7	پنج ماه حبس تنفیذی
465	رر	مجبوریه فحشا	1	96/1/19	برانت
466	رر	رر	1	1396/1/20	برانت
467	رر	نکاح اجباری	3	1396/3/10	یکتنفر پنج سال دومی ده سال و سه سومی سه سال حبس
468	رر	لت وکوب	1	1396/3/28	برانت
469	رر	رر	1	1396/4/15	دوماه حبس تنفیذی
470	رر	مجروحیت	1	1396/3/28	هشت سال حبس تنفیذی
471	رر	لت وکوب	2	96/4/14	در مورد یکنفر تصمیم به اسقاط دعوی و کفایت حبس گذشته بحال دومی
			0		
472	محکمه ابتدائیه رسیده گی به جرایم ولایت کندهار	لت وکوب	1	1396/10/9	دوماه حبس تنفیذی
473	رر	شراب نوشی ازارو ادیت	1	1396/12/3	هفت ماه حبس تنفیذی
474	رر	ازارو ادیت	1	1396/5/21	بری الدمه
475	رر	لت وکوب	1	1396/7/15	یکماه حبس تنفیذی
476	رر	قتل	1	1396/10/2	هجده سال حبس تنفیذی
477	رر	خود کشی	1	رر	یکسال و ششماه حبس تنفیذی
478	رر	قتل	1	1396/7/8	هفت سال حبس تنفیذی
479	رر	لت وکوب	1	رر	چهارماه حبس تنفیذی
480	رر	قتل	1	رر	9 سال حبس تنفیذی
481	رر	ازارو ادیت	1	رر	برانت
482	رر	قتل	1	1396/7/15	هفت ماه و پانزده روز حبس
483	رر	قتل	1	1396/10/2	برانت
484	رر	رر	1	1396/10/25	هزده سال حبس تنفیذی
485	رر	رر	1	96/11/16	پانزده سال حبس تنفیذی
			0		
486	دیوان جزای محکمه استیناف ولایت کتر	مجروحیت	3	1396/1/28	هرواحد جرمه نقدی
487	رر	رر	1	1396/2/18	دو سال حبس تنفیذی
488	رر	اقدام بقتل	1	96/2/4	هفت سال حبس تنفیذی
489	رر	قتل	2	1396/5/30	شانزده سال حبس تنفیذی
490	رر	قتل	1	1396/4/12	هفده سال حبس تنفیذی
491	رر	قتل	1	1396/5/9	ده سال حبس تنفیذی
492	رر	خشونت منجر به خودکشی	1	1396/6/19	ده سال حبس تنفیذی
493	رر	قتل	1	1396/8/29	هزده سال حبس تنفیذی
494	رر	خودکشی	1	1396/9/20	جریمه نقدی
495	رر	مجروحیت	1	1396/11/3	یکسال حبس تنفیذی
496	دیوان محکمه شهری ولایت کتر	قتل	1	96/2/25	هفت سال حبس تنفیذی
497	رر	لت وکوبی	1	96/3/9	هشت سال حبس تنفیذی
498	رر	لت وکوبی منجر بقتل	1	96/8/24	یکسال و یکماه حبس تنفیذی

499	رر	اقدام بقتل	1	رر	برانت
500	رر	قتل	5	96/10/24	هرواحد به هژده هژده سال حبس تنفیذی
			0		
501	دیوان رسیده گی بجرایم محکمه استیناف ولایت کاپیسا	لت وکوب	1	1396/7/2	دوماه سیزده روزحبس
502	رر	منجر بقتل	1	1396/7/24	بیست سال حبس تنفیذی
503	رر	رر	1	1396/9/1	پانزده سال حبس تنفیذی
504	رر	منجر بقتل	1	96/10/20	ده سال حبس تنفیذی
505	رر	ارازو ادیت	1	96/10/27	یکنفر یکسال حبس تعلیقی ودومی برانت
506	رر	لت وکوب	1	96/11/23	بیست سه روزحبس
			0		
507	دیوان رسیده گی بجرایم محکمه استیناف ولایت کندز	لت وکوب	1	1396/4/13	پنج ماه حبس تنفیذی
508	رر	رر	1	1396/5/18	سه ماه حبس تنفیذی
509	رر	مسبب خود کشی	1	1396/7/2	پنج ماه حبس تنفیذی
510	رر	دودشنام	1	1396/7/2	یکماه حبس تنفیذی
511	رر	لت وکوب	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
512	رر	رر	1	رر	رر
513	رر	مسبب خود کشی	1	رر	پنج سال ویکماه حبس تنفیذی
514	رر	ارازو ادیت	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
515	رر	شروع بقتل	1	1396/7/5	دوازده سال حبس تنفیذی
516	رر	تهدیدوتوه ین	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
517	رر	مسبب خود کشی	1	1396/7/12	پنج سال ویکماه حبس تنفیذی
518	رر	قتل	1	1396/7/18	شانزده سال حبس تنفیذی
519	رر	قتل	1	1396/7/19	بیست سال حبس تنفیذی
520	رر	رر	1	رر	شانزده سال حبس تنفیذی
521	رر	رر	1	1396/7/25	بیست سال حبس تنفیذی
522	رر	تهدید وادیت	1	1396/8/16	هشت ماه حبس تنفیذی
523	رر	رر	1	رر	هشت ماه حبس تنفیذی
524	رر	لت وکوب	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
525	رر	اخقای جسد مقتوله	1	1396/9/1	شش ماه حبس تنفیذی
526	رر	لت وکوب	1	1396/9/29	سه سال حبس تنفیذی
527	رر	ارازو ادیت	1	96/10/13	سه ماه حبس تنفیذی
528	رر	لت وکوبی	1	رر	جریمه نقدی
529	رر	رر	1	رر	جریمه نقدی
530	رر	مجروحیت	1	1396/11/4	سه سال حبس تنفیذی
531	رر	خود کشی	1	1396/11/4	شش ماه وده روزحبس تنفیذی
532	رر	ممانعت ازدواج	1	96/11/15	سه ماه حبس تنفیذی

533	رر	رر	1	رر	رر
534	رر	لت وکوبی	1	رر	یکماه حبس تنفیذی
535	رر	رر	1	رر	جریمه نقدی
536	رر	رر	1	96/11/22	دوماه حبس تنفیذی
537	رر	رر	1	رر	چهل روز حبس
538	رر	رر	1	رر	چهل و پنج روز حبس
539	رر	ازار ادیت	1	رر	چهار ماه حبس تنفیذی
540	رر	لت وکوبی	1	رر	دوماه حبس تنفیذی
541	رر	رر	1	رر	یکماه و 25 روز حبس تنفیذی
542	رر	قتل	1	رر	هفده سال حبس تنفیذی
543	رر	ازار ادیت	1	96/11/29	جریمه نقدی
544	رر	لت وکوب	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
545	رر	رر	1	رر	رر
546	رر	رر	1	رر	دوماه حبس تنفیذی
547	رر	رر	1	رر	چهار ماه حبس تنفیذی
548	رر	مجبوریه فحشا	1	1396/12/2	دوازده سال و یکماه حبس تنفیذی
549	رر	لت وکوب	1	96/12/25	سه ماه حبس تنفیذی
550	رر	لت وکوب	1	96/12/5	رر
551	رر	رر	1	رر	رر
552	دیوان ابتدائیه ولایت کندز	تحقیق و شد ام	1	1396/4/13	شش ماه حبس تنفیذی
553	رر	مجروریت منجر بقتل	1	رر	برانت
554	رر	لت کوب	1	1396/4/25	سه ماه حبس تنفیذی
555	رر	خودکشی	1	رر	برانت
556	رر	لت وکوبی	1	1396/5/15	یکماه حبس تنفیذی
557	رر	مجروریت	1	رر	چهار ماه حبس تنفیذی
558	رر	لت و کوب	1	1396/5/31	یکماه حبس تنفیذی
559	رر	قتل	1	رر	هفده سال حبس تنفیذی
560	رر	مسبب خودکشی	1	رر	دو سال حبس تنفیذی
561	رر	توهین و دشنام	1	1396/6/5	سه ماه حبس تنفیذی
562	رر	قتل	1	1396/6/21	هفده سال حبس تنفیذی
563	رر	تهدید بمرگ	1	1396/7/19	برانت
564	رر	لت وکوب	1	1396/8/1	برانت
565	رر	رر	1	1396/8/20	سه سال حبس تنفیذی
566	رر	رر	1	1396/9/14	برانت
567	رر	رر	1	1396/9/19	یکماه حبس تنفیذی
568	رر	ازار ادیت	1	1396/9/21	سه ماه حبس تنفیذی
569	رر	مجروریت	1	1396/9/28	ده ماه حبس تنفیذی
570	رر	ازار ادیت	1	1396/11/4	سه ماه حبس تنفیذی
571	رر	لت وکوب	1	96/11/24	جریمه نقدی
572	رر	تیزاب پاشی	1	96/11/29	ده سال شش ماه حبس تنفیذی
573	دیوان جزای محکمه ولایت کندز	مجروریت	1	رر	یکسال حبس تنفیذی
574	رر	تهدید	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
575	رر	لت وکوب	1	1396/2/31	سه ماه حبس تنفیذی
576	رر	رر	1	96/3/21	یکماه هشت روز حبس
577	دیوان جزای محکمه شهری کندز	تهدید و ازار ادیت	1	96/12/16	یکسال حبس تنفیذی

578	رر	فسق وفجور	1	رر	دوسال حبس
579	دیوان جزای عمومی استیناف کندز	قتل	1	96/12/15	هژده سال حبس تنفیذی
580	رر	رر	1	رر	بیست سال حبس تنفیذی
			0		
581	دیوان جزای استیناف ولایت بلخ	خسونت	1	96/5/7	برانت
582	رر	رر	1	1396/5/23	یکماه حبس تنفیذی
583	رر	رر	1	1396/5/30	چهارماه حبس تنفیذی
584	رر	رر	1	96/6/21	ششماه حبس تنفیذی
585	رر	رر	1	96/6/29	سه ماه حبس تنفیذی
586	رر	رر	1	1396/6/7	رر
587	رر	رر	2	1396/7/1	هرواحد هفت سال حبس
588	رر	رر	1	96/7/3	برانت
589	رر	رر	1	1396/7/17	برانت
590	رر	رر	1	1396/7/15	شش ماه حبس تنفیذی
591	رر	رر	1	رر	ششماه حبس تنفیذی
592	رر	رر	1	1396/8/2	سه ماه ده روز حبس تنفیذی
593	رر	رر	1	1396/8/15	ششماه حبس تنفیذی
594	رر	رر	1	1396/8/4	سه ماه حبس تنفیذی
595	رر	رر	1	1396/7/24	سه ماه حبس تنفیذی
596	رر	رر	1	1396/7/29	پنج سال و یکماه حبس
597	رر	رر	1	1396/8/22	سه ماه حبس تنفیذی
598	رر	رر	1	1396/8/9	برانت
599	رر	رر	1	1396/8/13	یازده سال حبس تنفیذی
600	رر	رر	1	رر	یکسال و ششماه حبس تنفیذی
601	رر	رر	1	1396/8/15	پنج سال و یکماه حبس
602	رر	رر	1	1396/8/27	اعدام
603	رر	رر	1	1396/8/23	سه ماه حبس تنفیذی
604	رر	رر	1	1396/9/7	شانزده سال حبس تنفیذی
605	رر	رر	1	1396/9/18	ششماه حبس تنفیذی
606	رر	رر	1	1396/10/9	شانزده سال حبس تنفیذی
607	رر	رر	1	1396/9/29	سه ماه حبس تنفیذی
608	رر	رر	1	1396/9/27	یکماه حبس تنفیذی
609	رر	رر	1	1396/10/9	یکسال حبس تنفیذی
610	رر	رر	1	96/10/25	برانت
611	رر	رر	1	رر	رر
612	رر	رر	1	96/10/23	برانت
613	رر	رر	1	96/10/26	برانت
614	رر	رر	1	96/10/26	برانت
615	رر	رر	1	1396/11/7	شانزده سال حبس
616	رر	رر	1	رر	ششماه حبس تنفیذی
617	رر	رر	1	96/11/16	سه ماه حبس تنفیذی
618	رر	رر	2	96/11/14	سه ماه حبس تنفیذی
619	رر	رر	1	96/11/21	سه ماه حبس تنفیذی
620	رر	رر	1	رر	برانت
621	رر	رر	1	رر	شانزده سال حبس تنفیذی
622	دیوان محکمه شهری ولایت بلخ	رر	1	96/1/27	جریمه نقدی
623	رر	قتل	1	96/1/23	بری الذمه

624	دیوان ابتدائیه رسیدگی به تخلفات اطفال ولایت بلخ	قتل	1	96/2/19	یکسال و هشتمه حجز تنفیذی
625	رر	شرکت در قتل	1	96/5/14	پنج سال حجز تنفیذی
626	رر	لت وکوب	1	96/7/22	یکسال حجز تنفیذی
627	رر	رر	2	96/8/13	هرواحد یکماه یکماه حجز
628	رر	رر	1	96/11/30	یکنیم ماه حجز تنفیذی
629	دیوان ابتدائیه رسیدگی بجرایم ولایت بلخ	خشونت	1	96/5/17	برانت
630	رر	رر	1	96/5/23	یکماه حبس تنفیذی
631	رر	رر	1	96/4/30	چهارماه حبس تنفیذی
632	رر	رر	1	96/6/21	ششماه حبس تنفیذی
633	رر	رر	1	96/6/29	سه ماه حبس تنفیذی
634	رر	رر	1	96/6/7	سه ماه حبس تنفیذی
635	رر	رر	2	96/7/1	هفت سال حبس تنفیذی
636	رر	رر	1	96/7/3	برانت
637	رر	رر	1	96/7/17	برانت
638	رر	رر	1	96/7/15	ششماه حبس تنفیذی
639	رر	رر	1	رر	ششماه حبس تنفیذی
640	رر	رر	1	96/8/2	سه ماه و ده روز حبس تنفیذی
641	رر	رر	1	96/8/15	ششماه حبس تنفیذی
642	رر	رر	1	96/8/4	سه ماه حبس تنفیذی
643	رر	رر	1	96/7/24	سه ماه حبس تنفیذی
644	رر	رر	1	96/7/29	پنج سال و یکماه حبس تنفیذی
645	رر	رر	1	96/8/22	سه ماه حبس تعلیقی
646	رر	رر	1	96/8/9	برانت
647	رر	رر	1	96/8/13	یازده سال حبس تنفیذی
648	رر	رر	1	96/8/13	یکسال و ششماه حبس تنفیذی
649	رر	رر	1	96/8/27	اعدام
650	رر	رر	2	96/9/7	یکنفر شانزده سال حبس دومی برانت
651	رر	رر	1	96/9/18	ششماه حبس تنفیذی
652	رر	رر	1	96/10/9	شانزده سال حبس تنفیذی
653	رر	رر	1	96/9/29	سه ماه حبس تعلیقی
654	رر	رر	1	96/9/27	یکسال حبس تنفیذی
655	رر	رر	1	96/10/9	یکسال حبس تنفیذی
656	رر	رر	2	96/10/25	هرواحد برانت
657	رر	رر	1	96/10/19	برانت
658	رر	رر	1	96/10/23	برانت
659	رر	رر	1	96/10/26	برانت
660	رر	رر	1	رر	برانت
661	رر	رر	1	96/11/7	شانزده سال حبس تنفیذی
662	رر	رر	1	96/11/17	ششماه حبس تنفیذی
663	رر	رر	1	96/11/16	سه ماه حبس تعلیقی
664	رر	رر	1	96/11/14	سه ماه حبس تعلیقی
665	رر	رر	1	96/11/21	رر رر
666	رر	رر	1	رر	شانزده سال حبس تنفیذی

یک نفر اعدام دیگران برانت	96/5/30	4	رر	رر	667
هفت سال حبس تنفیذی	96/5/9	1	لت وکوب و لواط	رر	668
سه ماه حبس تنفیذی	96/5/2	1	تهدید فیسبوی	رر	669
هرواحد هفت هفت سال حبس	رر	2	مجبور ساختن به فحشا	رر	670
سه ماه حبس تعلقی	96/5/9	1	لت وکوب	رر	671
بری الذمه	96/5/23	1	قتل	رر	672
هزده سال حبس	96/5/30	1	رر	رر	673
یک نفر سه ماه حبس دومی بری الذمه	96/6/6	2	لت وکوب	رر	674
هرواحد سه سه سال حبس	96/5/23	2	رر	رر	675
سه ماه حبس تعلقی	رر	1	رر	رر	676
چهار ماه حبس تنفیذی	96/6/2	1	رر	رر	677
سه ماه حبس تعلقی	96/6/6	1	رر	رر	678
سه ماه حبس تنفیذی	96/6/16	1	لت وکوب و مسمومیت	رر	679
یک سال حبس تنفیذی	96/6/20	1	خشونت و مجروحیت	رر	680
سه ماه حبس تنفیذی	96/6/16	1	لت وکوب	رر	681
چهار ماه حبس تنفیذی	96/6/20	1	رر	رر	682
شش ماه حبس تنفیذی	96/7/15	1	دشنام تحقیر و تخویف	رر	683
یک نفر یازده سال حبس دومی بحالش کافیت	96/7/6	2	قتل و کتمان جرم	رر	684
حبس سیری شده بحالش کافیت	96/7/24	1	لت وکوب	رر	685
بری الذمه	96/7/17	1	سقط جنین	رر	686
شانزده سال حبس تنفیذی	96/8/25	1	قتل	رر	687
سه ماه حبس تعلقی	96/8/27	1	لت وکوب	رر	688
سه ماه حبس تنفیذی	96/7/25	1	رر	رر	689
سه ماه حبس تعلقی	96/9/4	1	رر	رر	690
بری الذمه	96/9/16	1	قتل	رر	691
حبس گذشته بحالش کافیت	96/9/20	7	هتک حرمت	رر	692
هرواحد سه سه ماه حبس	96/9/26	2	لت وکوب و ازدواج اجباری	رر	693
شانزده سال حبس تنفیذی	96/10/4	1	قتل	رر	694
هرواحد سه ماه حبس تنفیذی	96/10/11	3	لت وکوبی	رر	695
یک ماه حبس تنفیذی	96/10/5	1	خشونت و منع تصرف	رر	696

			در اموال		
697	رر	رر	قتل	1	96/9/27
698	رر	رر	لت وکوب	1	96/10/4
699	رر	رر	رر اقدام یقتل	1	96/10/11
700	رر	رر	تخوف	1	96/10/12
701	رر	رر	لت وکوب	1	96/11/14
702	رر	رر	خودکشی	1	96/11/23
703	رر	رر	تخوف	1	96/11/17
704	رر	رر	لت وکوب	1	96/11/14
705	رر	رر	رر	2	96/12/1
				0	
706	دیوان رسیدگی استیناف ولایت هرات	رر	لت وکوب	1	96/5/24
707	رر	رر	رر	1	رر
708	رر	رر	رر	1	رر
709	رر	رر	رر	1	96/5/31
710	رر	رر	رر	1	1396/6/7
711	رر	رر	ازارو ادیت	1	1396/6/21
712	رر	رر	نکاح قبل از سن	2	96/6/26
713	رر	رر	خودسوزی	1	96/6/28
714	رر	رر	ازارو ادیت	1	رر
715	رر	رر	خود سوزی	2	1396/7/4
716	رر	رر	لت وکوبی	1	1396/7/11
717	رر	رر	ممانعت از تصرف اموال	1	رر
718	رر	رر	لت وکوبی	1	رر
719	رر	رر	لت وکوبی	1	1396/7/18
720	رر	رر	تخریب وآزار واذیت	1	رر
721	رر	رر	تهدید وتخریب	2	1396/7/25
722	رر	رر	لت وکوبی منجر بقوت	1	1396/7/25
723	رر	رر	خود سوزی	1	رر
724	رر	رر	ازارو ادیت	1	رر
725	رر	رر	رر	1	1396/8/2
726	رر	رر	رر	1	رر
727	رر	رر	رر	1	1396/8/9
728	رر	رر	خودکشی	2	رر
729	رر	رر	لت وکوب	1	1396/8/23
730	رر	رر	مجبوری خودسوزی	1	رر
731	رر	رر	رر	2	96/8/30

732	رر	قتل	1	رر	شانزده سال حبس تنفیذی
733	رر	آزار وادیت مجبور بخو د کشی	1	رر	یکسال حبس و جریمه نقدی
734	رر	لت وکوب	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
735	رر	آزار ادیت	3	رر	برانت
736	رر	رر	1	1396/9/7	سه ماه حبس تنفیذی
737	رر	مجبور به خود کشی	1	رر	دو سال حبس تنفیذی
738	رر	آزار و ادیت	1	96/9/8	نوزده روز حبس تنفیذی
739	رر	مجبور به خود سوژی	1	1396/6/21	یکسال حبس تنفیذی
740	رر	رر	1	1396/9/28	برانت
741	رر	تحقیق و توه ین	1	رر	برانت
742	رر	آزار ادیت	1	96/10/12	یکماه و پانزده روز حبس
743	رر	رر و تحقیق	1	96/10/19	چهار ماه حبس تنفیذی
744	رر	منجر به خود کشی	1	رر	دو سال حبس تنفیذی
745	رر	لت وکوبی	1	رر	چهار ماه حبس تنفیذی
746	رر	آزار وادیت	1	96/11/3	هشت ماه حبس تنفیذی
747	رر	رر	1	رر	هشت ماه حبس تنفیذی
748	رر	رر	1	رر	شش ماه حبس تنفیذی
749	رر	رر	1	96/11/17	یکسال حبس تنفیذی
750	رر	آزار و ادیت	1	رر	شش ماه حبس تنفیذی
751	رر	رر	1	96/12/9	هشت ماه حبس تنفیذی
752	رر	رر جراحت و معلولیت	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
753	رر	لت وکوبی	1	رر	پنج ماه حبس تنفیذی
754	رر	قتل رابطه نامشروع	2	رر	برانت
755	دیوان جزاء ابتدایی ولایت هرات	نکاح زیر سن	2	1396/5/17	دو سال حبس تنفیذی
756	رر	آزار وادیت	1	1396/5/24	سه ماه حبس و وکوبی یکنیم ماه حبس
757	رر	لت وکوبی رر	1	96/6/4	چهار ماه حبس تنفیذی
758	رر	تهدید و آزار ادیت	2	1396/6/21	یک نفر پنج ماه دومی سه ماه حبس
759	رر	خود سوژی	2	رر	یک نفر سه سال دومی شش ماه حبس تنفیذی
760	رر	لت وکوب دشنام	1	رر	یکسال و شش ماه حبس تنفیذی
761	رر	خود سوژی	1	1396/6/25	هشت سال حبس تنفیذی
762	رر	آزار وادیت	1	1396/6/21	سه ماه و ده روز حبس
763	رر	لت وکوب دشنام	1	1396/7/4	دو ماه حبس و جریمه نقدی
764	رر	تهدید به مرگ	2	رر	یک نفر دو ماه و ده روز دومی سه ماه و پانزده روز حبس

765	رر	لت وکوب آزارو ادیت	1	1396/7/8	پنج ماه حبس و جریمه نقدی
766	رر	لت وکوبی	1	1396/7/4	سه ماه حبس
767	رر	تخریب وآزارو ادیت	1	1396/7/2	پنج ماه حبس تنفیذی
768	رر	آزارو ادیت	1	1396/7/16	پنج ماه حبس تنفیذی
769	رر	لت وکوب منجرفوت	1	1396/7/11	نه ماه حبس تنفیذی
770	رر	آزارو ادیت ودشنام	1	1396/7/16	ششماه حبس تنفیذی
771	رر	خود کشی	2	1396/7/19	یکنفر دوسال و ششماه دومی یکسال حبس تنفیذی
772	رر	آزارو ادیت	1	1396/7/16	سه ماه حبس تنفیذی
773	رر	لت وکوبی وآزارو ادیت	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
774	رر	خود سوزی	1	1396/8/1	دوسال و ششماه حبس تنفیذی
775	رر	لت وکوبی	1	1396/7/30	سه سال چهارماه حبس تنفیذی
776	رر	تحقیرو تخریب	3	1396/8/7	هرواحد برانت
777	رر	لت وکوب	1	1396/8/10	پنج ماه حبس تنفیذی
778	رر	قتل	1	96/8/10	بیست سال حبس تنفیذی
779	رر	اقدام به خود کشی	1	رر	یکسال و هفت ماه حبس تنفیذی
780	رر	لت وکوب آزارو ادیت	2	1396/8/4	یکنفر پنج ماه دومی برانت
781	رر	رر و تحقیق	1	1396/8/14	چهارماه حبس تنفیذی
782	رر	رر	1	1396/8/24	چهارماه حبس تنفیذی
783	رر	اقدام وبخود کشی	1	1396/8/21	دوماه حبس تنفیذی
784	رر	آزارو ادیت	1	1396/8/27	بری الذمه
785	رر	خود سوزی ممانعت	1	1396/9/5	یکسال و سه ماه حبس تنفیذی
786	رر	توهین و تحقیق	1	1396/9/2	برانت
787	رر	لت کوبی ودشنام	1	1396/9/8	یکسال حبس تنفیذی
788	رر	آزارو ادیت	1	1396/9/25	یکماه پانزده روز حبس
789	رر	لت وکوبی وآزار	1	1396/10/3	هفت ماه حبس تنفیذی
790	رر	رر	1	1396/10/6	چهارماه حبس تنفیذی
791	رر	اقدام بخود کشی	3	96/10/3	یکنفر چهارماه دومی سه ماه حبس و سومی برانت
792	رر	لت وکوبی	1	96/10/17	هشت ماه حبس تنفیذی
793	رر	آزارو ادیت	1	رر	هشت ماه حبس تنفیذی
794	رر	رر	1	رر	ده ماه حبس تنفیذی
795	رر	رر	1	96/10/26	یکسال حبس تنفیذی
796	رر	رر	1	1396/11/1	ششماه حبس تنفیذی
797	رر	قتل	2	96/11/11	یکنفر بیست سال دومی

ده سال حبس تنفیذی					
سه ماه و پانزده روز حبس	1396/11/8	1	لت وکوب و آزار واذیت	رر	798
سه ماه حبس تنفیذی	96/11/18	1	رر	رر	799
برانت	96/11/24	1	توهین و تحقیر	رر	800
پنج ماه حبس تنفیذی	96/11/22	1	آزار واذیت	رر	801
بری الدمه	96/11/24	1	رر	رر	802
بیست سال حبس تنفیذی	1396/12/8	1	مجبوریه فحشاء	رر	803
		0			
جریمه نقدی	1396/4/19	1	آزار واذیت	دیوان جزای محکمه شهری ولایت تخار	804
دوماه حبس تنفیذی	1396/5/1	1	خشونت	رر	805
هرواحد جریمه نقدی	1396/5/8	5	رر	رر	806
دو سال حبس تنفیذی	96/5/29	2	رر	رر	807
پنج سال حبس تنفیذی	1396/6/22	1	فروش زن	رر	808
یازده ماه حبس تنفیذی	1396/7/11	1	لت وکوب	رر	809
هرواحد جریمه نقدی	1396/7/12	3	رر	رر	810
هرواحد جریمه نقدی	1396/7/18	2	رر	رر	811
پنج سال و یکماه حبس تنفیذی	1396/7/29	1	لت وکوب و منجر فووت	رر	812
اعدام	1396/7/29	1	قتل	رر	813
ششماه حبس تنفیذی	رر	1	آزار واذیت	رر	814
یکنفر برانت دونفر جریمه نقدی	1396/8/1	3	لت وکوب	رر	815
برانت	1396/8/2	1	قتل	رر	816
جریمه نقدی	96/8/11	1	لت وکوب	رر	817
برانت	رر	1	رر	رر	818
یکنفر برانت و ششماه سال حبس تنفیذی	1396/8/22	2	نکاح زیر سن	رر	819
پنج سال و ششماه حبس تنفیذی	رر	1	خشونت منجریه فووت	رر	820
اعدام	1396/8/23	1	قتل	رر	821
برانت	رر	1	لواط	رر	822
جریمه نقدی	96/8/24	1	لت وکوب	رر	823
یکنفر برانت دونفر جریمه نقدی	96/9/11	3	رر	رر	824
هرواحد جریمه نقدی	96/10/21	2	رر	رر	825
هرواحد جریمه نقدی	96/11/2	4	رر	رر	826
(9) ماه حبس تنفیذی	96/11/10	1	آزار واذیت	رر	827
جریمه نقدی	96/11/11	1	لت وکوب و بمجروحیت	رر	828
جریمه نقدی	96/11/28	1	مجروحیت	رر	829
یکنفر برانت دونفر شانزده سال حبس تنفیذی	96/11/30	3	قتل	رر	830
جریمه نقدی	رر	1	لت وکوب	رر	831
پنج سال و ششماه حبس تنفیذی	96/12/13	1	رر منجر فووت	رر	832
ششماه حبس تنفیذی	رر	1	لت وکوب	رر	833
9 ماه حبس تنفیذی	1396/6/7	1	لت وکوب	دیوان ابتدائیه رسیده گی به جرایم	834

ولایت تخار					
835	رر	فروش زن	1	96/6/22	برانت
836	رر	لت وکوب	3	96/6/7	هرواحد جرمیه نقدی
837	رر	قتل	1	96/4/24	اعدام
838	رر	ازارو ادیت	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
839	رر	لت وکوب	1	96/6/29	یکسال حبس تنفیذی
840	رر	لت وکوب منجر به فوت	1	رر	برانت
841	رر	قتل	1	96/7/2	بیست سال حبس تنفیذی
842	رر	لت وکوب	3	رر	هرواحد جرمیه نقدی
843	رر	قتل	1	رر	برانت
844	رر	لت وکوب	2	96/6/27	هرواحد جرمیه نقدی
845	رر	رر	3	96/7/5	یکنفر برانت دونفر جرمیه نقدی
846	رر	خشونت	1	رر	برانت
847	رر	خشونت	1	96/7/12	پنج سال ویکماه حبس
848	رر	لت وکوب	1	رر	جرمیه نقدی
849	رر	رر	1	96/7/3	ششماه حبس تنفیذی
850	رر	رر	1	96/7/24	جرمیه نقدی
851	رر	خود کشی	1	96/7/19	برانت
852	رر	لت وکوب	2	96/9/12	هرواحد جرمیه نقدی
853	رر	لت وکوب	4	رر	هرواحد شان جرمیه نقدی
854	رر	مجروحیت	2	96/10/10	جرمیه نقدی
855	رر	لت وکوب	1	96/11/4	برانت
856	رر	ازارو ادیت	1	96/10/27	ششماه حبس تنفیذی
857	رر	قتل	3	رر	یکنفر برانت دونفر شانزده شانزده سال حبس
858	رر	لت وکوب منجر بفوت	1	96/11/11	پنج سال و ششماه حبس تنفیذی
859	رر	لت وکوب	1	96/11/8	جرمیه نقدی
860	رر	رر انزوی اجباری	1	رر	چهار سال حبس تنفیذی
861	رر	لت وکوب	1	96/11/18	ششماه حبس تنفیذی
862	رر	فروش زن	1	96/6/22	پنج سال حبس تنفیذی
863	رر	لت وکوب	1	96/7/11	پانزده ماه حبس تنفیذی
864	رر	رر	3	96/7/12	هرواحد جرمیه نقدی
865	رر	رر	2	96/7/18	هرواحد جرمیه نقدی
866	رر	منجر به فوت	1	96/7/29	پنج سال ویکماه حبس تنفیذی
867	رر	قتل	1	رر	اعدام
868	رر	ازارو ادیت	1	رر	ششماه حبس تنفیذی
869	رر	لت وکوب	3	96/8/1	یکنفر برانت دونفر جرمیه نقدی
870	رر	قتل	1	96/8/2	برانت
871	رر	لت وکوب	1	96/8/11	جرمیه نقدی
872	رر	رر	1	رر	برانت
873	رر	نکاح زیر سن	2	96/8/22	یکنفر برانت یکنفر سه سال حبس
874	رر	خشونت منجر بخود کشی	1	رر	پنج سال و ششماه حبس تنفیذی

875	رر	قتل	1	96/8/23	اعدام
876	رر	لواط	1	رر	برانت
877	رر	لت وکوب	1	96/8/24	جریمه نقدی
878	رر	رر	3	96/9/11	یکنفر برانت دونفر جریمه نقدی
879	رر	رر	2	96/10/21	هرواحد جریمه نقدی
880	رر	رر	4	96/11/2	هرواحد شان جریمه نقدی
881	رر	ازار ادیت	1	96/11/10	9 ماه حبس تنفیذی
882	رر	لت وکوب منجر به مجروحیت	1	96/11/11	جریمه نقدی
883	ر	مجروحیت	1	96/11/28	جریمه نقدی
884	رر	قتل وخشونت	3	96/11/30	یکنفر برانت دونفر شانزده شانزده سال حبس تنفیذی
885	رر	لت وکوب	1	رر	جریمه نقدی
886	رر	منجر بخود کشی	1	رر	پنج سال و ششماه حبس تنفیذی
887	رر	ازارو ادیت	1	رر	ششماه حبس تنفیذی
888	دیوان محکمه شهری ولایت تخار	ازارو ادیت	1	96/4/18	جریمه نقدی
889	رر	خشونت	1	96/5/1	دوماه حبس تنفیذی
890	رر	رر	1	96/5/8	جریمه نقدی
891	رر	رر	2	96/5/29	هرواحد دوسال و ششماه حجز در منزل
892	دیوان جزای عمومی استیناف تخار	رر	1	96/1/20	ششماه حبس تنفیذی
893	رر	خشونت	1	96/2/24	هشت سال حبس تنفیذی
894	رر	رر	1	96/4/26	یکماه حبس تنفیذی
895	رر	رر	2	96/5/29	هرواحد ششماه حبس تنفیذی
896	رر	قتل	1	96/6/26	بیست سال حبس تنفیذی
897	رر	خشونت	2	96/6/1	یک سال حبس تنفیذی
898	رر	رر	2	96/7/22	چهار چهارماه حبس
899	رر	رر	3	96/7/24	هرواحد جریمه نقدی
900	محکمه ابتدائیه رسیده گی بجرایم ولایت سرپل	لت وکوبی	3	96/8/6	هرواحد سه ماه حبس تنفیذی
901	رر	خشونت منجر بقتل	3	96/7/30	یکنفر شانزده سال ودونفر بری الزمه
902	رر	رر	3	1396/9/8	یکنفر ده سال دونفر ششماه حبس تنفیذی
903	رر	لت وکوبی	3	96/10/6	هرواحد یک ماه ده روز حبس
904	رر	لت وکوب	3	96/8/30	هرواحد سه سه ماه حبس تنفیذی
905	رر	مجبور بفشا ء	1	96/10/25	یکسال حبس تنفیذی
906	رر	ازارو ادیت	1	رر	سه ماه حبس تنفیذی
907	رر	دشنام وتحقیر	1	96/11/8	سه ماه حبس تنفیذی
908	رر	ازارو ادیت	1	96/10/10	سه ماه حبس تنفیذی

909	رر	لت وکوبی	3	96/11/8	یکنفر برانت یکنفر یکماه و دوروز و یکنفر حبس بحالش کافی
910	رر	خشونت منجر بقتل	3	96/11/18	یکنفر یکسال و یکنفر پنج سال حبس تنفیذی
911	رر	لت وکوب	1	رر	پنج ماه و ده روز حبس تنفیذی
			0		
912	دیوان جزای عمومی محکمه ابتدائیه شهر ی نیمروز	خود کشی	1	96/1/17	پن سال و یکماه حبس تنفیذی
913	رر	لت وکوب	1	96/2/11	دو ماه حبس تنفیذی
914	رر	ازار و ادیت	1	96/2/7	بری الذمه
915	رر	لت وکوب	1	96/3/9	یکماه حبس تنفیذی
916	رر	رر	1	96/8/23	ششماه حبس تنفیذی
917	رر	رر	1	96/10/9	سه سال حبس تنفیذی
918	رر	رر	1	96/10/24	چهار ماه حبس تنفیذی
919	رر	رر	1	96/12/1	ششماه حبس تنفیذی
920	رر	رر	1	96/11/24	بری الذمه
921	رر	رر	1	96/8/18	پنج سال و یکماه حبس تنفیذی
922	رر	خودکشی	1	96/2/12	پنج سال و یکماه حبس تنفیذی
923	رر	رر	1	96/3/4	رر
924	رر	فحش گوئی	1	96/3/11	جزای نقدی
925	رر	لت و کوب	1	96/9/30	ششماه حبس تنفیذی
926	رر	مسبب خود سوزی	1	96/10/28	سه سال حبس تنفیذی
927	رر	لت وکوب	1	96/11/29	حبس سپری شده کافیسیت
			0		
928	دیوان جزای محکمه استیناف ولایت بدخشان	خشونت	1	رر	یکماه حبس تنفیذی
929	محکمه ابتدائیه قتل ولایت بدخشان	خشونت	1	96/3/10	جریمه نقدی
930	رر یوان بدخشان	رر منجر بقتل	1	96/9/28	شانزده سال حبس تنفیذی
931	رر	لت وکوب	1	96/8/16	ششماه حبس تنفیذی
932	محکمه ابتدائیه خاش ولایت بدخشان	لت وکوب	1	96/8/2	45 روز حبس تنفیذی
933	رر ارگو	لت وکوب	2	96/10/3	یکنفر برانت دومی جریمه نقدی
934	رر رر رر	رر	1	96/9/21	برانت
935	رر تشکان	لت وکوب	4	96/8/23	سه سه ماه حبس تنفیذی
936	رر شهدا	رر	1	96/7/19	برانت
937	رر رر رر	لت وکوب	1	96/7/17	سه ماه حبس تنفیذی
938	رر رر رر	رر	1	96/9/30	برانت
939	رر درایم	داو و دشنام	1	96/2/11	45 روز حبس تنفیذی
940	رر رر رر	سقط جنین	1	96/4/25	برانت
941	رر خواهان	لت وکوب	1	96/6/16	42 روز حبس تنفیذی
942	دیوان جزای شهری ولایت بدخشان	خشونت	1	96/5/8	برانت
943	رر رر رر	رر	6	96/7/5	هرواحد شش ششماه حبس تنفیذی
944	رر رر رر	رر	1	96/8/10	جریمه نقدی
945	رر رر رر	رر	1	96/8/17	جریمه نقدی
946	رر رر رر	رر	1	رر	برانت

947	رر	رر	رر	1	96/8/28	برانت
948	رر	رر	رر	1	96/8/17	سه ماه و پنج روز حبس تنفیذی
949	محکمه شکی	رر	لت وکوب	1	96/1/21	جریمه نقدی
950	رر	رر	رر	1	96/4/21	جریمه نقدی
				0		
951	دیوان جزای محکمه استیناف ولایت جوزجان	خشونت	1	96/1/9	شش سال و دو ماه حبس	
952	رر	رر	1	96/2/20	پنج ماه حبس	
953	رر	رر	2	96/3/14	هرواحد سه سه سال حبس	
954	رر	رر	1	96/4/20	سه ماه حبس تنفیذی	
955	رر	رر	1	96/4/21	بری الذمه	
				0		
956	دیوان جزای استیناف ولایت خوست	خودکشی	1	96/6/26	پنج سال و یک ماه حبس تنفیذی	
				0		
957	دیوان جزای استیناف ولایت فراه	خشونت	1	96/6/13	پنج سال یک ماه حبس تنفیذی	
958	رر	رر	1	96/3/20	چهار ماه حبس تنفیذی	
959	رر	رر	1	96/5/4	شش ماه حبس تنفیذی	
960	رر	رر	1	96/5/18	بری الذمه	
961	رر	رر	1	96/5/22	ده سال حبس تنفیذی	
962	رر	رر	1	96/7/6	یک ماه حبس تنفیذی	
963	رر	رر	1	96/7/25	پنج و یک ماه حبس تنفیذی	
964	رر	رر	1	96/11/30	دو سال حبس تنفیذی	
965	رر	رر	1	96/9/5	هفت سال حبس تنفیذی	
966	دیوان رسیده گی به جرایم ولایت فراه	خشونت	1	96/3/3	هفت ماه حبس تنفیذی	
967	رر	رر	1	96/4/19	چهار ماه حبس تنفیذی	
968	رر	رر	1	96/4/31	ده سال حبس تنفیذی	
969	رر	رر	1	96/8/19	پنج سال حبس تنفیذی	
970	رر	رر	1	96/8/6	پنج سال و یک ماه حبس	
971	رر	رر	1	96/11/14	یک سال و شش ماه حبس تنفیذی	
972	رر	رر	1	96/4/21	بری الذمه	

اجمالی از فعالیتها

در راستای مبارزه با فساد اداری و مواد مخدر

الف: گزارش فعالیتهاي قضائي محکمه ابتدائيۀ مبارزه با جرایم
ناشي از فساد اداري ولایت کابل

1. گزارش

محکمه ابتدائیه مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت کابل از تاریخ (1396/12/1 الی 1396/12/30) تعداد (10) دوسیه جرمی مربوط به جرایم ناشی از فساد اداری را مورد رسیدگی قضائی قرار داده که در ارتباط به این دوسیه ها به تعداد (30) نفر به اتهام ارتکاب جرایم سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی، رشوه، غفلت وظیفوی، اختلاس و لت و کوبی مورد محاکمه قرار گرفته اند. از این تعداد (5) نفر از اتهامات وارده برائت حاصل نموده و تعداد (25) متهم دیگر به مجازات های مختلف حبس و جزای نقدی قرار ذیل محکوم گردیده اند:

- حبس یک ماه الی یک سال 16 نفر.
- حبس یک الی پنج سال 7 نفر.
- حبس 5 الی 15 سال 2 نفر
- مجموعه مجازات نقدی محکومین بالغ به (25910) دالر آمریکائی میشود.

جدول شماره (1) بیانگر آمار محکومین محکمه ابتدائیه مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت کابل در حوت سال 1396 است

شماره	نوع قضیه	تعداد قضیه	تصمیم قضائی					
			تعداد اتهام	برائت	تعداد محکوم	تعداد محبوس به حبس تنفیذی		
						یک ماه الی یک سال حبس	5 - 15 سال حبس	جریمه نقدی
1	سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی	4	6	3	3	3		939\$
2	اخذ رشوه	3	5		5	5		1400\$

789\$				7		7	1	8	1	سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی ولت وکوبی	3
\$57					1	1	1	2	1	سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی واخذرشوه	4
22725 \$			2		7	9		9	1	اختلاس و غفلت وظیفوی	5
\$ 25910			2	7	16	2 5	5	30	10	مجموعه	

همچنان محکمه متذکره طی این مدت در مورد (11) دوسیه قرار قضائی صادر نموده و آنها را غرض تکمیل خلاهای تحقیقاتی و نواقص به مرجع مربوطه ارسال نموده است.

جدول شماره (2) بیانگر قرار های قضائی محکمه ابتدائیه مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت کابل درماه حوت سال 1396 است

شماره	نوع قضیه	تعداد قضیه	تعداد متهم	سبب قرار خلا و نواقص	مرجع مربوط
1	سوء استفاده از صلاحیت و وظیفوی	3	7	3	خارنوالی
2	سوء استفاده از صلاحیت و وظیفوی وسرقت مسلحانه	1	2	1	خارنوالی
3	اختلاس و تزویر	1	1	1	خارنوالی
4	سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی و غدر	1	7	1	خارنوالی
5	تذویر	1	4	1	خارنوالی
6	غدر	1	8	1	خارنوالی
7	رشوت	2	6	2	خارنوالی
8	عدم استفاده از صلاحیت وظیفوی	1	3	1	خارنوالی
	مجموعه	11	38	11	

2. نمونه های از خلاصه احکام صادره محکمه ابتدائیه مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت کابل

حکم مورخ 1396/12/22

محکومیت هفت تن از افسران کمیساری بندر تورخم به اتهام سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی

به تاریخ 1396/10/11 هیئت موظف ریاست عمومی مبارزه با جرایم جنایی وزارت امور داخله بالاثر شکایت متواتر هموطنان ما مبنی بر وجود اخاذی غیر قانونی و فساد گسترده در بندر تورخم غرض تثبیت، شناسایی و گرفتاری بالفعل آن عده منسوبین آمریت محل عبور و کنترل بندر تورخم که با استفاده از صلاحیت های وظیفوی خویش از وسایط باربری حین عبور اخاذی غیر قانونی می نمودند عازم ولایت ننگرهار گردیده و با حضور داشت نماینده خارنوالی و پولیس جنایی محل مبلغ 70000 هزار کلداری پاکستانی پول های نشانی شده را به شخص همکار می سپارد و به گرفتاری افرادی که از طرف آمر کنترل بندر مذکور به محل پوسته (07) به منظور اخاذی غیر قانونی توظیف گردیده بودند اقدام مینماید.

بالاثر یکتن شخص ملکی در اثنای گرفتن مبلغ 70000 هزار کلداری پاکستانی پول نشانی شده در حضور داشت نماینده خارنوالی و کارمندان آمریت مبارزه با جرایم جنایی محل طور بالفعل گرفتار که در اثنای گرفتاری با مداخله مستقیم مسوولین پوسته (07) آمریت کنترل و عبور مواجه شده اند. و توسط یکتعداد منسوبین آمریت مذکور در ابتدای هیئت فیرهای متواتر صورت گرفته و بعدا هیئت گرفتاری به داخل پوسته (07) منتقل و سلب آزادی گردیدند. سپس در داخل پوسته هیئت مذکور شدیده مورد لت کوب قرار گرفته اند با استفاده از همین موقع فردی که 70000 هزار کلداری پاکستانی را گرفته بود از ساحه فرار می نماید. و علاوه یک سیت موبائل هیئت گرفتاری را که به وسیله آن جریان اخذ پول را به طور مکمل تصویر برداری نموده بود شکستانده و از بین برده به همین اساس 8 تن از افسران کمیساری بندر تورخم به ارگان های عدلی و قضایی معرفی میگرددند.

قضیه بعد از تکمیل تحقیقات ابتدایی محول محکمه ابتدائیه مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت کابل گردیده محکمه در جلسه قضایی مورخ 1396/12/22 خویش:

1 معاون کمیساری تورخم را در قضایای سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی و فرار دادن متهمین طبق هدایت فقره (1) ماده (42) قانون

جرایم عسکری و فقره (2) ماده (334) قانون جزا با رعایت مواد (150) ، (148) و ماده (155) قانون مذکور از ابتدای ایام نظارت و توقیفی به مدت 3 سال حبس تنفیذی و طبق فقره (2) ماده (6) قانون جزا به رد خساره وارده مبلغ 70000 هزار کلداری پاکستانی پول نشانی شده هیت گرفتاری محکوم به مجازات نمود.

2 متهم دیگر در قضیه سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی مبنی بر لت و کوب هیت گرفتاری و فرار دادن دونفر گرفتار شده گان حسب هدایت فقره (1) ماده (42) و ماده (27) قانون جرایم عسکری و فقره (1) ماده (334) ، (409) و (410) قانون جزا و بادر نظر داشت فقره (4) ماده (148) ، (150) و (155) قانون مذکور از ابتدای ایام نظارت و توقیفی به مدت 5 سال حبس تنفیذی ووفق فقره (2) ماده (6) قانون جزا به پرداخت خساره وارده مبلغ 14200 افغانی پول های شخصی هیت گرفتاری محکوم به مجازات گردید.

3 دو تن از متهمین دیگر در خصوص قضایای سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی مبنی بر توهین و لت و کوب هیت گرفتاری و نقض مقررات خدمات قراول حسب هدایت فقره (1) ماده (42) قانون جرایم عسکری و ماده (27) و فقره (1) ماده (30) قانون جرایم عسکری و مواد (409) و (410) قانون جزا و بارعایت فقره (4) ماده (148) و مواد (150) و (155) قانون مذکور از ابتدای ایام نظارت و توقیفی هر واحد به مدت 3 سال و شش ماه حبس تنفیذی محکوم به مجازات گردیده اند.

4 سه تن از متهمین دیگر در قضایای سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی حسب هدایت فقره (1) ماده (42) و ماده (27) قانون جرایم عسکری و مواد (409) و (410) قانون جزا و بارعایت فقره (4) ماده (148) و مواد (155) قانون مذکور از ابتدای ایام نظارت و توقیفی هر واحد به مدت 3- سال حبس تنفیذی محکوم به مجازات گردیدند.

5 و متهم اخیر در قضیه سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی نسبت عدم موجودیت دلایل الزام طبق حکم ماده (235) قانون اجراء جزایی و ماده (4) قانون اجراء جزایی بری الذمه شناخته شد.

ب) گزارش و فعالیتهای قضائی محکمه استیناف مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت کابل

(1) گزارش

محکمه استیناف مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت کابل از تاریخ (1396/12/1 الی 1396/12/30) تعداد (8) دوسیه جرمی مربوط به جرایم ناشی از فساد اداری را مورد رسیدگی قضائی قرار داده است. که در ارتباط به این دوسیه ها تعداد (20) نفر به اتهام سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی، رشوه، تزویر، و اختلاس گرفتار شده و از این تعداد (4) تن آنان به نسبت عدم وجود دلایل کافی الزام برائت و (16) تن مورد محاکمه قرار گرفته و به مجازات های مختلف حبس قرار ذیل محکوم گردیده اند.

- حبس 1 ماه الی 1 سال 8 نفر.
- حبس 1 سال الی 5 سال 3 نفر
- حبس 5 سال الی 15 سال 4 نفر
- محکومین جرایم نقدی 1 نفر
- مجموعه مجازات نقدی محکومین بالغ به (30549) دالر آمریکائی میشود.

جدول شماره (1) بیانگر آمار اجراات محکمه استیناف مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت کابل در ماه حوت سال 1396 است

شماره	نوع قضیه	تعداد قضیه	تعداد متهم	برائت	تعداد محکوم	تصمیم قضائی			
						تعداد محبوس به حبس تنفیذی			
						یک ماه الی یک سال حبس	5 - 15 سال حبس	محکومین جزای نقدی	جریمه نقدی

۱	سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی	3	9	2	7	6		1	\$115
۲	اختلاس	1	1		1			1	\$28985
3	غدر	1	2	2					
4	سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی و اخذ رشوت	1	3		3		3		\$1449
5	سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی و اختلاس	1	2		2	2			
6	سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی، تجاوز از صلاحیت و تزویر	1	3		3			3	
مجموعه		8	20	4	16	8	3	4	\$30549

همچنان محکمه طی این مدت در مورد (13) دوسیه قرار قضائی صادر نموده و آنها را غرض تکمیل خلاهای تحقیقاتی و نواقص به مرجع مربوطه ارسال نموده است.

جدول شماره (2) بیانگر قرار های قضائی محکمه استیناف مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت کابل ماه سنبله سال 1396 است

شماره	قضیه نوع	قضیه تعداد	متهم تعداد	قرار سبب	مربوط مرجع
				نواقص و خلا	
1	صلاحیت از سوء استفاده وظیفوی	5	10	5	خارنوالی
2	تجاوز از صلاحیت وظیفوی	2	4	2	خارنوالی
3	اختلاس	2	17	2	خارنوالی
4	غدر	2	4	2	خارنوالی
	مجموعه	11	35	11	

ج: گزارش فعالیتهای قضائی محکمه ابتدائی مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت ننگرهار

3. گزارش

محکمه ابتدائیه مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت کابل از تاریخ (1/12/1396 الی 30/12/1396) تعداد (4) دوسیه جرمی مربوط به جرایم ناشی از فساد اداری را مورد رسیدگی قضائی قرار داده که در ارتباط به این دوسیه ها به تعداد (6) نفر به اتهام ارتکاب جرایم سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی، رشوه، اختلاس، واکتساب غیرقانونی مورد محاکمه قرار گرفته اند. از این تعداد (2) نفر از اتهامات وارده برائت حاصل نموده و تعداد (4) متهم دیگر به مجازات های مختلف حبس و جزای نقدی قرار ذیل محکوم گردیده اند:

- حبس یک الی پنج سال 4 نفر.
- مجموعه مجازات نقدی محکومین بالغ به (7465) دالر آمریکائی میشود.

جدول شماره (5) بیانگر آمار محکومین محکمه ابتدائیه مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت ننگرهار است

شماره	نوع قضیه	تعداد قضیه	تعداد متهم	برائت	تعداد محکوم	تصمیم قضائی				
						تعداد محبوس به حبس تنفیذی				
						یک ماه الی یک سال حبس	5 - 15 سال حبس	20 - 15 سال حبس	محکومین جرمی تنفیذی	جریمه نقدی
۱	رشوه	1	1		1	1				\$2000
2	اختلاس	2	2		2	2				\$5379
3	اکتساب غیرقانونی مهمات	1	1		1	1				\$86
4	سوءاستفاده صلاحیت وظیفوی و اطلاع کذب	1	2	2						
مجموعه		5	6	2	4	4				\$7465

4. نمونه های از خلاصه احکام صادره محکمه ابتدائیه مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت ننگرهار

حکم مورخ 1396 / 11/9

محکومیت یکتن از وکلای مدافع به اتهام اخذ رشوه به اساس عریضه یکتن از باشندگان ولایت ننگرهار به ریاست کنترول و مراقبت قضائی ستره محکمه مبنی بر اینکه یکتن از اقارب وی که در قضیه اختطاف از طرف محکمه ابتدائیه به مدت بیست سال حبس محکوم به مجازات گردیده است. یکتن از وکلای مدافع در مقابل اینکه حبس محکوم را در محکمه استیناف از بیست سال به شش سال تعدیل می نمایم تقاضای مبلغ دو هزار دالر امریکائی رشوه نموده است.

ریاست کنترول و مراقبت قضائی ستره محکمه موضوع را با مقام عالی ستره محکمه پیشنهاد و بعد از هدایت مقام عالی ستره محکمه داخل اقدام شده که بتاريخ 1396/1/12 وکیل مذکور را حین اخذ مبلغ دو هزار دالر امریکائی دستگیر و به ارگان های عدلی و قضائی معرفی می نمایند .

قضیه بعد از تکمیل تحقیقات ابتدائی محول محکمه ابتدائیه مبارزه با جرایم ناشی از فساد اداری ولایت ننگرهار گردیده محکمه در جلسه قضائی مورخ 1396/11/9 متهم را در قضیه اخذ مبلغ دو هزار دالر امریکائی رشوه طبق صراحت ماده (254) قانون جزا با در نظر داشت هدایت ماده (258) قانون مذکور از ابتدای ایام نظارت و توقیفی به مدت 3 سال حبس و جریمه معادل مبلغ دو هزار دالر امریکائی وجه رشوه محکوم به مجازات نموده است

در راستای مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر

الف: گزارش اجرای قضائی محکمه ابتدائیه مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل

1. گزارش

محکمه ابتدائیه مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل از تاریخ (1396/12/1 الی 1396/12/30) تعداد (56) دوسیه مربوط به انواع مواد مخدر را مورد رسیدگی قضائی قرار داده و در مورد آنها فیصله های لازم صادر نموده است. در ارتباط به این قضایا (83) نفر به اتهام قاچاق و انتقال مواد مخدر مورد محاکمه قرار گرفته و قرار ذیل مجازات گردیده اند:

- حبس 1 ماه الی 1 سال 6 نفر.
- حبس 1 الی 5 سال 33 نفر.
- حبس 5 سال الی 15 سال 24 نفر.
- حبس 15 الی 20 سال 20 نفر.

در ارتباط به محاکمات فوق الذکر حکم به محو مقدار (5316/451) کیلوگرام انواع مواد مخدر نیز صادر شد.

جدول شماره (1): آمار اجرای قضایی محکمه ابتدائیه مبارزه با مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل در ماه حوت سال 1396

تصمیم قضائی				تعداد متهم	تعداد محکوم	مقدار مواد	تعداد قضیه	نوع قضیه	شماره
تعداد محبوس به حبس تنفیذی	یک ماه الی	5 - 1 سال	5 - 15 سال						
15 - 20	یک ماه الی	5 - 1 سال	5 - 15 سال						

سال حبس	حبس	یک سال							
4	11	16		31	31	61/396	22	هیرونین	1
16		9		25	25	1889/73	13	تریاک	2
	1			1	1	18/375	1	مورفین	3
	11	4	2	17	17	1522/95	13	چرس	4
		1	2	3	3	1769 لیتر	3	مشروبات الکولی	5
	1	1		2	2	55 لیتر	1	مواد کیمیاوی	6
		2		2	2		2	اتفاق در جنایات	7
			2	2	2		1	همکاری باقاچا قیران	8
20	24	33	6	83	83	5316/451	56	مجموعه	

2. خلاصه حکم صادره محکمه ابتدائیه مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل.

حکم مورخ 1396/12/1

پنج سال حبس به اتهام قاچاق مقدار 20.43 کیلوگرام تریاک به تاریخ 1396/10/2 پرسونل آمریت ضد استخبارات لوای پیاده ولایت فاریاب حین چک پاینت در شهر میمنه یک عراده واسطه نوع کرولا را توقف و مورد تلاشی قرار می دهد. که در نتیجه از داخل طول بکس واسطه مذکور مقدار 20.43 کیلوگرام تریاک به دست آمده و به ارتباط قضیه دوتن دستگیر می گردد.

قضیه بعد از تکمیل تحقیقات ابتدایی محول محکمه ابتدائیه مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل گردیده محکمه در جلسه قضایی مورخ 1396/12/1 خویش یکتن از متهمین را در قضیه قاچاق مقدار 20.43 کیلوگرام تریاک طبق هدایت بند (6) فقره (1) ماده (34) کود جزا با رعایت مواد (213) و (214) کود جزا از ابتدای ایام نظارت و توقیفی به مدت پنج سال حبس تنفیذی محکوم به مجازات گردیده است. و متهم دیگر قضیه نسبت عدم موجودیت دلایل کافی الزام طبق هدایت ماده (25) قانون اساسی و ماده (5) کود جزا از اتهامات وارده بری الزمه دانسته شده و هکذا یک سیت موبائیل مع سیمکارت های آن طبق ماده (19) قانون

مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر قابل مصادره و نیز به محو مقدار 20.43 کیلوگرام تریاک به دست آمده اصدار حکم گردیده است.
ب: گزارش اجراءات قضائی محکمه استیناف مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل

1. گزارش

محکمه استیناف مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل از تاریخ 1396/12/1 الی 1396/12/30) تعداد (59) دوسیه مربوط به انواع مواد مخدر را مورد رسیدگی قضائی قرار داده و در مورد آنها فیصله صادر نموده است. در ارتباط به این قضایا ، به تعداد (59) نفر به اتهام قاچاق و انتقال مواد مخدر گرفتار شده از این تعداد (12) تن آنان به نسبت عدم وجود دلایل کافی الزام برائت و (47)تن قرار ذیل مجازات گردیده اند.

- حبس 1 الی 5 سال 18نفر.
- حبس 5 – 15 سال 15نفر.
- و حبس 15 – 20 سال 14نفر.

همچنان به ارتباط قضایای فوق الذکر مقدار (68102/144) کیلوگرام مواد مخدر کشف و ضبط گردیده است.

جدول شماره (2) بیانگر اجراءات قضایی محکمه استیناف مبارزه با مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل طی ماه حوت 1396 می باشد

شماره	نوع قضیه	تعداد قضیه	مقدار مواد	تصمیم قضائی					
				تعداد متهم	تعداد برایت	تعداد محکوم			
			تعداد محبوس به حبس تنفیذی						
15 - 20 سال حبس	5 - 15 سال حبس	1 - 5 سال حبس							
1	3	4	8	1	9	95/5	9	هیروئین	1
8	1	4	13	4	17	304/059	17	مورفین	2
	1	2	3	1	4	482	4	چرس	3
5		6	11	2	13	1780/585	13	ترک	4
	3		3	1	4	63760 لیتر	4	موادکیمیای	5
	2	2	4	3	7	1680لیتر	7	مشروبات	6

					5		5	الکولی ایجادموانع درپرونده تحقیق	7
14	15	18	47	12	59	68102/144	59	مجموعه	

2. خلاصه از حکم صادره محکمه استیناف مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل.

حکم مورخ 1396/12/29

بیست سال حبس به اتهام قاچاق مقدار 16140 لیتر مواد کیمیای نوع استیک انهایدراید

به اساس اطلاع مدیریت اطلاعات و تحقیقات مبنی بر اینکه یک شبکه عمده قاچاقبران مصرف قاچاق مواد کیمیای نوع استیک انهایدراید می باشد این شبکه مواد متذکره را از کشور خارج و بعد از مسیر کشور ایران داخل بندر گمرک اسلام قلعه ولایت هرات نموده و سپس آنرا توسط افراد خویش با اسناد جعلی از گمرک اسلام قلعه خارج و به ولسوالی بکواه ولایت فراه انتقال و برای قاچاق بران تسلیم می نماید.

مدیریت اطلاعات و تحقیقات شماره های تلفون قاچاق بران مذکور را بعد از موافقه خائنوالی و اذن محکمه تحت استراق سمع قرار می دهد. در نتیجه معلوم می گردد که در یک عراده موتر تیلری به درایوری یکتن از قاچاق بران تبعه ایران یک باب کانتینر که وارد بندر عباس گردیده از بندر عباس بارگیری و طور ترانزیت وارد بندر اسلام قلعه می گردد. که در کانتینر متذکره علاوه از مبالیل مقدار زیاد مواد کیمیای نوع استیک انهایدراید که در تولید هیروئین از آن استفاده می شود نیز جاسازی گردیده بود.

پرسونل مدیریت مبارزه با مواد مخدر قوماندانی امنیه ولایت هرات بعد از اخذ اطلاع به تاریخ 1396/6/23 یک عراده موتر تیلری که دارای پلیت کشور ایران بوده در پارکینگ بندر اسلام قلعه تثبیت و شناسائی نموده به مدیریت مبارزه با مواد مخدر ولایت هرات انتقال میدهد که در نتیجه مقدار 16140 لیتر مواد کیمیای نوع استیک انهایدراید بدست و ضبط می گردد که در ارتباط قضیه سه تن نیز دست گیر می گردند.

قضیه بعد از تکمیل تحقیقات ابتدائی محول محکمه ابتدائیه مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل گردیده.

محکمه در جلسه قضائی مورخ 1396/10/10 دوتن متهم را در قضیه قاچاق و انتقال مقدار 16140 لیتر استیک انهایدراید طبق بند (5) فقره (1) بارعایت فقره (2) ماده (47) بادر نظر داشت ماده (49) قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر از ابتدای ایام نظارت و توقیفی هر واحد به مدت 10، 10 سال حبس تنفیذی. ونیز یک تن از متهمین دیگر به دلیل سازمان دهی و کنترل محموله مقدار 16140 لیتر استیک انهایدراید طبق بند (5) فقره (1) بارعایت فقره (2) ماده (47) بادر نظر داشت ماده (58) قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر از ابتدای ایام نظارت و توقیفی به مدت 20 سال حبس تنفیذی محکوم به مجازات کرده. هکذا چهار سبت مبائیل مع سیمکارت های آن و مبلغ 50 هزار دالر امریکائی و تعداد 152 بشکه مبلایل بدست آمده که وسیله اغفال موظفین بوده و یک عدد کانترینر بیست فوت که مواد کیمیای فوق الذکر توسط آن انتقال می گردید طبق صراحت مواد (19) و (59) قانون

مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر قابل مصادره و مقدار 16140 لیتر مواد بدست آمده وفق هدایت ماده (16) قانون مذکور قابل محو پنداشته شده اند.

قضیه نسبت عدم قناعت متهمین محول محکمه استیناف مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر ولایت کابل گردیده محکمه در جلسه قضایی مورخ 1396/12/29 خویش متکی به ماده (54) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه بارعایت ماده (267) قانون اجراءات جزایی و ماده (17) قانون جدید مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر فیصله محکمه ابتدائیه را بد

حقایقی از حالت اندوه بار وطن

از بسکه غم کشیده دیگر توان ندارد
بی لنگر است و بیخود هم بادبان
نـ دارد
گویا زمین دگر جای، آتش فشان
نـ دارد
جز صحنه رقابت، نام و نشان ندارد
دیگر دلا نیازی بهر بیان ندارد
بر پیکر نحیفش جز استخوان ندارد
در چارسوی گیتی، یک مهربان ندارد
این بیشه ستمکش شیر زیان ندارد
فرمانده سلحشور تیغ و سنان ندارد
جز لاله زار خونین، یک گل ستان
نـ دارد
بی خانمان و بی کس، هم آشیان
نـ دارد
در خلوت شبانگه غیر از فغان ندارد
جز قامت خمیده همچون کمان ندارد
از فرط بینوایی یک لقمه نان ندارد
بیم از زمین ندارد باک از زمان ندارد
دردا که ملت ما اکنون شبان ندارد
بحر محیط فتنه هرگز کران ندارد
زیرا که جز تباهی در دو جهان ندارد
فرقی درین میانه از این و آن ندارد
خوی و خصال خواری سرو روان
نـ دارد
لطف بهار قرآن هرگز خزان ندارد
چون امت محمد یک ناتوان ندارد
منصور بر سر دار پروای جان ندارد
آن سان که گفتن حق بر من ضمان

این ملک جنگ دیده یکدم امان ندارد
این کشتی شکسته در بحر پرتلاطم
شدسال ها که جنگ است اینجاى شعله
افـ روز
دیری است بی محابامیدان کشمکش
هاسـ ت
میدان جنگ دنیا باشد عیان و روشن
چنگال اجنبی ها مجروح کرده جسمش
بینند سوی این ملک با دیده عداوت
بس گرگ های وحشی بر ما دهن
گشـ و دند
اهل سیاست ما بی اختیار باشند
از خون بی گناهان تر گشته خاک میهن
طفل یتیم را بین چون مرغ پرشکسته
آن مادر جگرخون از داغ مرگ فرزند
حال پدر چه گویم کز حاصل حیاتش
ملت فقیر گشته آواره و پریشان
آن کو ز ناروایی گشت است همچو
قـ ارون
حاکم شبان قوم است بر حکم دین و
دانـ ش
باید بخویش آنیم آشوب و فتنه تا کی
هنگامه تعصب والله که زشت باشد
ما مسلمیم و ما را خوانده خدا برادر
آزادگی و ایمان اوصاف مؤمنان است
آنین ماست رحمت قانون ماست وحدت
ما از چه ناتوانیم افسوس باد بر ما
حق گویم و نترسم گاهی ز گفتن حق
ناگفتن حقیقت نبود مرا مفادی

ن_____ دارد

(مادرشبی به من گفت فرزند نازنینم
بازار مستمندان سود و زیان ندارد)